

تأکید خاتمی بر توسعه همکاری بین

دولت و بنیاد مستضعفان

گروه داخلی - سیدمحمد خاتمی، توسعه همکاری با بین دولت و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی را بااهمیت خواند و بر یافتن راهکارهایی برای تحقق هرچه بیشتر این همکاری‌ها تأکید کرد.

به گزارش اداره کل اطلاعات و اخبار ریاست جمهوری، روز گذشته در دیدار رئیس جمهوری با رئیس جدید این بنیاد، محمد فروزنده گزارشی از موقعیت اقتصادی و وضع جانبازان انقلاب اسلامی و برنامه های آینده این بنیاد ارائه کرد. وی در این دیدار آمادگی بنیاد را برای توسعه روابط و همکاری و هماهنگی با دولت به اطلاع رئیس جمهوری رساند.

ایران، هند و پاکستان را به خویشنداری فرا خواند

گروه داخلی - به دنبال سقوط یک فروند هواپیمای پاکستانی از سوی هند و بروز تنش میان دو کشور، کمال خرازی وزیر امورخارجه ایران در دو مکالمه تلفنی جداگانه با وزيران امورخارجه پاکستان و هند، دو کشور را به خویشنداری دعوت کرد.

به گزارش ایرنا، خرازی ضمن حساس خواندن منطقه جنوب آسیا، دو طرف را به تلاش برای جلوگیری از افزایش تنش و تنش فراخواند و اظهار داشت: «انجام گفت و گو و پرهیز از هرگونه تشنج درگیری و مخاصمه بهترین راه برای حفظ ثبات در این منطقه مهم است.»

وزیران امور خارجه هند و پاکستان در این گفت و گوی تلفنی ضمن اظهار دیدگاه های کشور خود از توجه ایران تشکر کردند.

سه‌شنبه هفته آینده

نشست مشترک نمایندگان مجلس و هیأت دولت برگزار می‌شود

گروه داخلی - جلسه مشترک نمایندگان مجلس و هیأت دولت هفته آینده در محل نهاد ریاست جمهوری برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما دفتر هیأت رئیسه مجلس اعلام کرد این نشست در روز سه شنبه ۲۶ مردادماه رأس ساعت ۲۰/۴۵ برگزار خواهد شد.

همچنین اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد به منظور رسیدگی سریع تر به طرح ها و لوایحی که در دستور کار قرار دارند مجلس هفته آینده علاوه بر روزهای یکشنبه و چهارشنبه در

تریبون

هیچ وقت تاکنون با یک آلمانی خالص، از آنها که درشت اندامند و از گونه هایشان به نشانه سلامت خون می چکد وارد گفت وگویی دوستانه شده‌اید. ژرمن‌های اصیل اگر از خوبی‌های خود شوند و ملاحظه را کنار بگذارند برایتان خواهند گفت که اصلاً آلمان را هیتر ساخت. خواهند گفت او بود که از مّتی تحقیر شده، شکست خورده و ویران که هر صبح یک چمدان اسکناس بی ارزش یا خود برمی داشتند تا مگر خرج بلیت اتوبوس و چند قرص نان و یک لیوان آبجو را بپردازند ملّتی مغرور ساخت که با وجود شکستی چنان هؤلّناک که از اتحاد بزرگ اروپایی‌های ترسیده و آمریکای ترومند خود باز بر بنیاد زیرساخت‌های مهبیای دوران هیتلر قد برافراشت و اینک در کنار قدرت‌زیر جهانی قرار گرفته است و ... اما آلمان‌ها که همه این‌ها را باور دارند و بواشکی آن را می‌گویند حاضر نیستند در حضور جمعی همین نظر را تکرار کنند و نشان می‌دهند که از همولّنی با آلفلر هیتلر شرمسارند، چّرا؟

هیچ وقت تاکنون با استالینیست‌های واقعی بحث و گفت‌وگو کرده‌اید، من که بارها چنین موقعیتی را قبل و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تجربه کرده‌ام به جرأت گواهی می‌دهم که این گروه نیز حاضرند ساعت‌ها از معجزه‌های استالین، از مقاومتش در برابر هیتلر و از جامعه‌ای که ساخت بگویند، کشوری که پنجاه سال پس از جنگ جهانی در برابر زیاده‌خواهی‌های سرمایه‌داری در تمام جهان مقاومت کرد و هنوز آثار آبادانی‌هایش در آن سرزمین پنهاور باقی است و هنوز در همین آسیای مرکزی می‌توان دید شهرها و خیابان‌هایی که گویی پس از استالین کسی دست به ترکیب آنها نزده، چیزی بر آنها نیفزوده. اما به همه این‌ها دوستانداران استالین نیز نمی‌توانند آشکارا از او به خوبی یاد کنند و در مجامع عمومی در برابر یک سؤال مخاطب ناباور و ناشنا در می‌مانند. چّرا؟

در همین ایران ما تاریخ می‌گویید آقا محمدخان قاجار کسی بود که مملکتی از هم پاشیده را گردهم آورد و بعد از سال‌ها پریشانی و چندبار چگی که حتی نادر و کریم‌خان نیز نتوانسته بودند آن را چاره کنند، شرق و غرب، شمال و جنوبش را به یکدیگر دوخت، و به دورانش نه دربار کاترین خورشیدکلاه و نه انگلیسی‌ها که جهانخوازی آغاز کرده بودند نه امپراتوری عثمانی که بر سرزمین‌های اسلامی مسلط بود جرأت نکردند نزدیک این فلات شوند سهل است از ضعیف روس‌ها بهره گرفت و رو به شمال تاخت و اگر نکته‌ش دردش سر این گربه را به آب‌های دریای سیاه رسانده بود. انگار نه انگار این همان ایرانی بود که یک مشت پابره‌قندهاری‌ها توانستند پایتختش را که عروس مشرق‌زمین بود (اصفهان) را تسخیر کنند و آن را ویرانه سازند. آقامحمدخان نه که در مملکنداری و کشور گشایی شبیه نداشت در جلب فرهیختگان نیز متبحر بود. اما همین کس اعقاب خود را وقت یادآوری از خود به شرمساری دچار می‌کند. چّرا؟

جواب تمام این چّراها در خشونت است. اگر خشونت نبود سردار سپه نیز جایی جز این در تاریخ داشت و عده‌ای به خود حق می‌دادند به هواداری او افتخار کنند که راه ساخت و گردنکشان را مطیع حکومت مرکزی کرد، دانشگاه ساخت، محصل برای تحصیل علم فرستاد، بودجه متوازن داشت و در خیال آن بود که جامعه‌ای مدرن بسازد، ولی او نیز جز نفرت از خود باقی نگذاشت و وقت رفتن و از سقر طش ملت شادمان شد. آری این خشونت است که حتی قهرمانان را از قاب آرزویی خود برون می‌اندازد و به آنها انگ و سوابی و نفرت می‌زند. تاریخ به هیچ بهانه به اهل خشونت ارفاق نمی‌کند. هر چه سپهبد امیر احمدی کوشید تا بگوید که منطقه‌ای وحشی را رام کرده و امنیت برقرار ساخته، هر چه از فداکاری‌های خود گفت، از شب نخفتن‌ها و برزین اسب ماندن‌ها و زخم پشت و پای خود را نشان داد باز «قصاب لرستان» بود. رزم آرا یک صدم او به ایجاد «امیت در مرزها» و اطراف همت نگماشت اما نظامیان حرفه‌ای و او متفخر بودند چرا که خشونت نکرد.

و چون نیک بنگری یکی از منطق‌های تاریخ در صذیت با خشونت است.

شیخ فضل‌الله نوری به آن فضل و کمال، به جهت حضور در غائله میدان توپخانه که در آن طرفداران استبداد چشم مشروطه خواهان را درآوردند و به جهت همصدایی با مظهر و مجسمه استبداد و خشونت - محمدعلی شاه -

در جایی قرار گرفت که وقتی آن ظلم بر او رفت و برادرش کشتیدن مردم از جا نمیدیند، مردمی که توین به طلبه‌ای را تحمل نداشتند و در تمام طول جنبش مشروطیت به رهنمایی و دلالّت، حکم و فرمان علما راه می‌افتادند. نهضت‌های جنگل، شیخ خیابانی و کلنل پسپان نشان داد که حتی غیرت وطن خواهی و مبارزه قهرمان با اجنبی و مبارزه با حکومت مرکزی (نمونه) میرزا کوچک‌خان) هم برای کسی که اهل خشونت نیست، مجال خشونت نمی‌دهد. بخوانید سرگذشت میرزا و دکتر حشمت را، بخوانید نامه‌اش را به

لنین و خاطراتی که اسیران و دشمنانش نوشته‌اند. چرا دور برویم در همین هشت سال دفاع مقدس بدگویترین دشمنان ایران نیز نتوانسته‌اند نهضت

خشونت به سرداران و قهرمانان جنگی ما ببندند. در حالی که مقابلشان دیوی بود که جهان باور دارد که حیوان سبع و درنده‌خویی است. اما دفع این دیو نیز سردارانی را که بنا به خصلت و فرمان مردمی بودند و از بمباران شهرها و مراکز تجمع افراد غیر نظامی پرهیز داشتند، به خشونت نینداخت. و چنین بود

داخلی

۱۱۶ نماینده مجلس، نظارت استصوابی را تصویب کردند

گروه داخلی - با رأی ۱۱۶ نماینده مجلس نظارت استصوابی و عام بر انتخابات مجلس بار دیگر تصویب شد.

به گزارش خبرنگار ما در جلسه علنی دیروز مجلس بررسی طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» در شور دوم ادامه یافت و ۶ ماده دیگر از آن به تصویب رسید.

به موجب ماده ۳ این طرح که پس از دو نوبت رأی‌گیری کتبی و مخفی به تصویب ۱۱۶ نماینده حاضر در مجلس رسید نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان است و در تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات مجلس این نظارت استصوابی و عام خواهد بود.

در جلسه علنی دیروز مجلس از ۲۷۰ نماینده مردم، حدود ۱۹۰ نماینده در جلسه حاضر بودند که ۶۰ نماینده رأی مخالف و ۱۴ نفر نیز رأی معتن دادند.

هنگام طرح ماده ۳، پیشنهادهایی برای حذف، اصلاح و جایگزین شدن عبارات دیگری به جای متن این ماده مطرح شد که با وجود تلاش پیشنهاددهندگان و

حسن غفوری فرد عضو هیأت رئیسه مجلس:

حمایت از موسوی خوئینی‌ها مغایر با شعار رئیس جمهوری است

به گزارش خبرنگار ما حسن غفوری فرد نماینده تهران در سخنانش پیش از دستور خود در جلسه علنی دیروز مجلس با بیان مطلب فوق با اشاره به محاکمه محمد موسوی خوئینی‌ها در دادگاه ویژه روحانیت افزود: «عجیب است که این بار زیر چتر نام مقدس امام و یاران امام سعی



مسعود بهنود

که پشتیبانان آن دیو اینک شرمسارند.

حکومت و حفظ آن، در همواره تاریخ وظیفه و رسالت دولتمردان و مسئولان و سپاهیان بوده است. بعضی مانند لنین به این صرافت افتاده‌اند که «هر حکومت قدرت ویژه‌ای است برای اختناق که علیه طبقه ستمدیده به کار برده می‌شود. حکومتی نمی‌توان یافت که آزاد و مورد علاقه عموم باشد» اما صدها تن نیز بوده‌اند که به قول سعدی تیغ در کف و سربنده‌وار در پیش داشته‌اند. آمده‌اند، نظمی نو نهاده‌اند، حکومتی را پی ریخته‌اند، به حفظ آن کوشیده‌اند، اما هرگز نیازی به چماق و خشونت در کار ندیده‌اند و این هیچ ربطی به نوع حکومت، همسایگان و بحران‌ها نداشته است، بعضی را طبعیت اقتضای خشونت دارد و آن را در عین آرامش هم توصیه می‌کنند و برخی نیز در سخت‌ترین لحظات، تفتنگ آخرین حربه‌ای است که بدان متوسل می‌شوند.

مثال فراوان است، کینه‌ای که پیروان مائو از کنگ چهارنفره - از جمله همسر مائو - در دل داشتند و دارند از آن رو بود و هست که می‌گویند ایان در انقلاب فرهنگی شاعر بگزار صد گل بشکند را به هواداری از خشونت و تندوی داداشند و دیدیم که مثلاً از چوئن لای اثری از خشونت و تندوی در سرزمین آزادهای سرخ راقی نماند در حالی که در همان نزدیکی پول پورت برای حفظ حکومت در واحدی بسیار کوچک دست به فاجعه‌ای چنان بزرگ زد. ایلی امین به کاسه‌ای برنج در دستان یک چهارم از مردم جهان گذاشت و نه کاری بزرگ از پیش برد ولی برای حفظ حکومت نکنجش، وزیر را در دیگ انداخت و به یکتادین خرم خواند. حالا کجاست آن کوچک که می‌سپون ماندلا حتی حاضر به گفت‌وگو با او نشده است. و ماندلا مثال بزرگ است، اینک در زمانی که می‌خواند «مردقرن» و «مرد هزاره» انتخاب کنند یکی از اصلی‌ترین نامزد‌ها اوست چون وقتی به حکومت رسید با آنان که ۲۷ سال - بگو تمامی عمر مفید و جوانیش - را با سختی و شکنجه در زندان از او گرفته بودند، تندوی نکرد. به سیاهان خشم در مشت گفت: «زمان کینه‌ورزیدن ندارم». آری عنوان مرد قرن سزاوار اوست که رقیبی هم دارد. رقیب او در میان مردان علم و اجتماع فراوانند مانند دکتر شایتر، فلمینگ، ادیسون، اینشتین و ... اما در میان رهبران، مهاتما گاندی است، آخرین قدیسی که تن نحیف خود را مدام بر بالای نهجس‌ها و مسلمانان می‌کرد که جامعه‌طبقه زده و متعصب هندو آزادشان ندید، قهرمان آهیمسا (دوری از خشونت) که اقتضار دزمونت‌ها تن شاهزاده فرمان و آخرین نایب السلطنه هند نه به آن بود که نواده ملکه وکتوریاست بلکه چنان که خود گفته به لحظاتی است که گاندی به‌او اطمینان می‌کرد و راز دل به او می‌گفت، «به وقتی که تمام تشریفات مقدس انگلیس را به هم ریخت که این تن نازک در دوک به دست بتواند در سر میز شام رسمی با همان لنگ خود بنشیند و از همان آش یکی بخورد.

در این قرنی که پنج‌ماه دیگر همراه با هزاره دوم به پایان می‌رسد چه بسا کسانی که آمده‌اند و جمعیت‌ها هلهله‌کنان به دنبالشان مانند مجیب‌الرحمن

مستقیماً در کار اجرا دخالت کند. با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، که بهانه‌های مختلف در جریان جمعیت از نمایندگان منتسب به جبهه دوم خرداد و هوادار اصلاحات تلاش کردند تا با ارائه طرحی، قانون انتخابات را اصلاح کنند. همچنین سال گذشته نیز دولت لایحه‌ای را در همین زمینه به مجلس ارائه کرد تا قانون انتخابات مجلس را به نفع هواداران اصلاحات تعدیل کند اما این لایحه هنوز در دستورکار مجلس قرار نبرفته است.

هواداران دولت از آن نگرانند

۱۰۰ میلیون تومان صرف بازسازی کوی دانشگاه می‌شود

گروه داخلی - علی عباسپور رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس جمهوری از اختصاص مبلغ یک میلیارد ریال به دانشگاه تهران برای ترمیم خرابیهای کوی دانشگاه خبر داد. در این نامه آمده است: «این مبلغ از سوی کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی مجلس و پس از بازدید از کوی و بررسی‌های مختلف در تاریخ ۱۶ مرداد به دانشگاه پرداخت شده است.»

رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی مجلس از سیدمحمد خاتمی درخواست کرده است که اعتبار کافی در اختیار مسئولین کوی دانشگاه تهران قرار گیرد و برای دانشجویان خسارت دیده نیز اعتبار خاص در نظر گرفته شود.

احمد جنتی بار دیگر دبیر شورای نگهبان شد

گروه داخلی - دبیر، قائم مقام و سخنگوی شورای نگهبان در جلسه دیروز این شورا انتخاب شدند.

به گزارش ایرنا، احمد جنتی، احمد علیزاده و رضا اسادی به اتفاق آراء به ترتیب به عنوان دبیر، قائم مقام دبیر و سخنگوی شورای نگهبان به مدت یک سال انتخاب شدند.

ولی همان مریدان چنانش کشتند که هر ذره‌اش افتاد جائی. مگر امپراتور هایله سالسی متفخر نبود که در سر صفت رهبران و پادشاهان و بگو تمام مردمان زمان چا دارد؟ مگر هیتلر مشعر رژه سربازان و مقلدان نظم و پرضلالتش نبود؟ مگر استالین سرمست نبود از اقتدار خویش؟ یا ایلی‌امین وقتی تخت روانش را شش تاجر انگلیسی بر دوش می‌کشیدند، مگر همین صدام وقتی قرارداد ۱۹۷۵ را بهره می‌کرد و فرمان حمله به تهران را می‌داد از سراسر کشورهای عرب پیغام احسنت تحویل نگرفت و برایش هلهله نکردند که گویا مجوسان را در قادهسی‌ای دیگر قرار است سرکوب کند؟ مگر ... اما این‌ها سرجمع، به اضافه تمام قدرتمندان تاریخ یک هزارم دکتر شوابتر و مادر ترزا در جان روزگار اثر نهاده و در دل تاریخ جا نگرفته‌اند.

اگر درست باشد که پیش از این‌ها، تمدنی با تمدنهایی بر این کره خاکی بوده است. اگر درست باشد که سرانجام انسان در کهنشان‌ها همصدایی خواهد یافت و از تنهایی به دو خنانه‌ای، باری این فخر برای تاریخ تمدن این بشر که در این بخش از زمان بر این کره خاکی می‌زید باقی است و همین افتخارش بس که با هر گامی که برداشته، با هر دردی که کشیده، با هر چه ساخته، با هر چیز که کشف کرده گامی از خشونت دور شده است و به آدمی نزدیک. در این گامها قوانینی نهاده که خشونت این خصلت حیوانی را از او دور کند. در همه این احوال البته بوده‌اند کسانی که خشونت را ملح گفته و آن را تقدیس کرده‌اند ولی این اراده تاریخ بوده است که انسان را مدام به سوی دوری از خشونت و نفرت از آن رانده و به خشونت آیینان جز دهلیز بدنامی تعارف نگردد است.

و ما، ما که ایرانیانیم، یکی از نخستین مئادیان صلح و تحمل در روی زمین، با تثن‌هایی خون چکان از تیغ چهل و خشونت، هنوز ساکن و باقی بر فلاتی که جای پای هزاران ساله بدرانمان بر آن است و هنوز صدای زاری مادرانمان در گوش‌هایم، و وقتی خشونت و بدکاری سلاطین و مغ‌ها را وانهادیم و در اسلام درآمست و آئین نو کریم نیز در زمره نرم‌روترین، پرشورترین، متحمل‌ترین و پرمدارترین پیروان این دین آخرین بوده‌ایم. مرمی شاداب و دور از خشونت که پادمان‌های بزرگشان از جنس غزل است، محراب‌هایش را گل‌فرش کرده‌اند، فیروزه‌ای گنبد خانه خدایشان بر فیروزه آسمان طعنه می‌زند، مناره ساخته‌اند تا ز بالایش تیر ببینازند و کمان بکشند بل بر آن بلندی‌ها خدای بزرگ، مهربان و بسیار بخشنده را صلا گفته‌اند. نزدیک پایان هزاره دنیای غرب سروده‌های شیخ الاسلام قونیه مولانا را وام گرفته است همان که نزدیک یک هزاره است که در نفیر نی وجودش که از نیستان بریده، مرد و زن نالیده‌اند. ما ایرانیانیم که غزل‌ها، مناره‌ها و گلسته‌ها بادل دریایی خورد، در دل تاریخ چه پادمانان که بر خاسته‌ایم و وحشیان هلهله زن و خون طلب را بر بالای سر دیده‌ایم و هرکدام از این‌ها پس از سالیانی ماندن در این خاک به طلسم مهر و غزل ما گرفتار آمده، ایرانی‌تر از ایرانی شده‌اند و تا نوشتان پایان گرد شمشیر در غلاف کرده، شاعران را صله داده‌اند مگر نامشان در دفتر تاریخ ثبت شود.

پس چه عجب اگر اینک در یکی از وعده‌گاه‌های تاریخ نهضتی نو آورده‌ایم، نهضتی مردمی، شاداب و دور از خشونت. نهضتی که مخالفانش در درون و بیرون هر روز می‌گلرد مردمی از کف می‌نهند، شادابی را به عبوس و تلخی می‌فرودند و خشونت را ستایشگر می‌آیند. حد همین است نهضتی دوساله را که ریشه در دین و آئینی ستایشگر مهربانی و نیکی دارد، حماسه‌ای است که به هیچ تلبیس و حیل‌ای، خوی خود را کف نمی‌دهد و مطمئن است که بشکندش پیضه در کلاه آن کس که شعبده با اهل راز کند. خشونت ارزانی دهلیزان تاریخ.

صرف کننده محترم عینک

این حق شماست

که در هنگام خرید عدسی طبی عینک خود، با مارک و مشخصات درج شده بر روی پاکت آشن شوید .

دومحصول شناخته شده عدسی طلق در جهان

لطفا به علامت /روی پاکت که با نور ماورا، بنفش نمایان می شود دقت فرمایید . (پاکت عدسی خود را از نورشده بخواهید)

فروش در کلیه عینک فروشی ها

تلفن دفتر پخش: ۶۷۱۸۸۶۷

بی ستون

راز دفتر سیاه – قسمت دوم دشمنی های سعید با من

سیدابراهیم نبوی

آنچه در شماره قبل آمد:

در شماره قبل بی ستون نوشتم که یک خانم ۲۵ ساله در حین عبور از میدان توپخانه با مردی برخورد کرده و دفتر سیاه او که کاملاً شبیه دفتر سیاه مرد مضطرب بوده، جابه جا می شود. آن خانم بخشهایی از آن دفتر سیاه را برای ما ارسال کرده بود که بخش اول نامه را چاپ کردیم. در آن بخش راوی گفت که سعید در دوران کودکی با وی دوست و همبازی بوده و پس از سفر تحصیلی به آمریکا بازگشته و همکاری آنان ادامه یافته است. در قسمت قبل راوی اظهار داشت که روابط او و سعید در محدوده روابط خصوصی مانند ماساژ و مقاله و طناب بوده است. ادامه آن نامه را می خوانید.

نیمه تاریک ماه
Dark Side Of The Moon

همه چیز دروغ بود

وقتی به افق چشم می‌دوزم و پشت سرم را نگاه می‌کنم چهره سعید را می‌بینم که در کسوف فرو رفته است. همیشه با عینک تیره به او نگاه می‌کردم به همین خاطر چهره اش سیاه می‌شد و تا زمانی که عینک را بر نمی‌داشتم چهره واقعی اش را نمی‌دیدم. این واقعیت را یکی از دوستانم به من گفت، گفت: «عینک را بردار تا واقعیت را بهتر ببینی.»

بحران آغاز شد

روزهای اول که پس از سالها به هم رسیدیم همه چیز خوب بود. او می‌گفت باید همه را افشا کنیم و با حرفهای انگار که شکوفه بر من می‌ریخت. می‌گفتم باید آبروی همه را ببریم. می‌گفت کاملاً درست است، تو چقدر فهیمده و باشعور هستی. هرچه را او می‌گفت من می‌دانستم و هرچه را من می‌گفتم او می‌دانست. دو روح بودیم در یک بدن. وقتی کارتن‌های مقاله را می‌آورد بوی گلاب و عطر یاسمن تمام ساختمان روزنامه را احاطه می‌کرد و مرا در لذتی جانکاه فرو می‌برد. اما سرانجام همه اینها فریب بود. آن روز تاریک را هرگز از خاطر نمی‌برم. من و او داشتیم فیلمی در مورد ضدانقلاب نگاه می‌کردیم، من آمدم حرف بزنم که سیدرفت. رفت و قلب مرا پاره پاره کرد. رشته افشاگری مرا دید و وقتی برگشت دیگر عشق من و سعید به یک پاره‌آجر تبدیل شده بود. با غم به او نگریستم و گفتم: کجارتی؟ گفت: رفتم دستشویی، بله، او مرا به یک دستشویی فروخت. کینه و یحران آغاز شد.

دست سعید بلند می‌شود

ماهها گذشت و کینه مثل خوره روح مرا در انزوا می‌خورد و می‌خراشید. مهدی همیشه به من می‌گفت سوءتفاهم است. اما من می‌دانستم که دستشویی سوءتفاهم نیست، ممکن است سوءهاضمه باشد. که آن هم نبود. بازهم سعید آمد. با کوله باری از هدیه و همان بوی بهار تارنج شیراز و لطافت یک طناب. این بار چند خبر هم برای من آورده بود. من آن خبرها را چاپ کردم. وقتی خبرها چاپ شد سعید آمد و با مسئول حرفونچینی دعوا کرد و با سیلی به گوش او زد. گفتم: سعید! چرا ضعیف کشی می‌کنی؟ گفت: پس انتظار داری بزنم توی گوش آدم قوی‌تر از خودم؟ گفتم: چرا ناراحتی؟ گفت: شما این خبر را به هم ریختید، من نوشته بودم «مزدور ضدانقلاب» شما آن را عوض کردید و نوشتید «ضدانقلاب مزدور»، بله، ما اختلافات سیاسی خیلی مهمی داشتیم. و همین باعث شد که راهمان را ازهم جدا کنیم.

صدافت: من و سعید را ازهم جدا کرد

سعید صداقت نداشت و من داشتم. یک روز وقتی آمدن من داشتم می‌رفتم. گفت: کجا؟ گفتم: دارم می‌روم چند نفر را افشاگری کنم. سعید گریه کرد و به دوستش که همراهِ او بود، گفت: ببین! همین صداقت اوست که مرا کشته است. به خاطر همین صداقت بود که بارها مورد اتهام قرار گرفتم. سعید می‌گفت: نباید یک چیزهایی را چاپ کنی که همه بفهمند آنها را از من گرفته‌ای. اما من گفتم: من تا آخرین دریای خون ایستاده‌ام. و ما در این راستا خیلی باهم دعوا کردیم.

انگیزه من در این دفتر سیاه

اکون از سعید جز خاطره‌ای برای من نمانده است؛ خاطره‌ای بر از تلخی و شیرینی. من اکنون به حمام می‌روم و معلوم نیست از آنجا برگردم یا برنگردم، اما همگان باید بدانند که من و سعید در زمینه‌های زیر اختلاف داشتیم؛ اگرچه همواره یاد او اشک را به گونه‌های من می‌کشاند. تفاوت‌های من و سعید:

(۱) سعید همیشه با حروف تیتُر ۲۴ موافق بود و من با حروف تیتُر ۳۲.

(۲) سعید معتقد بود که باید نویسندگان مخالف را کشت، در حالی که من مخالف زنده ماندن آنها بودم.

(۳) سعید می‌گفت باید نویسندگان طرفدار خودمان را هم از روزنامه اخراج کنیم، در حالی که من می‌گفتم باید آنها را بیرون بیندازیم.

(۴) سعید همیشه وقتی کسی زیاد حرف می‌زد به او می‌گفت خفه شو، در حالی که من می‌گفتم زرتن.

(۵) سعید همیشه می‌گفت ما نباید بگذاریم کسی بفهمد که هویت آدم‌ها را ما مشخص می‌کنیم، در حالی که من می‌گفتم بگذار بفهمند، چه اهمیتی دارد؟

(۶) سعید همیشه می‌گفت نویسندگان با جاسوسان بستنی می‌خورند، در حالی که من می‌دانستم که نویسندگان با جاسوسان آب‌هویج و بستنی می‌خورند.

(۷) سعید همیشه از موضع بالا به من نگاه می‌کرد، به دلیل اینکه قدش از من بلندتر بود.

بله، ما تفاوت‌های اساسی باهم داشتیم، هرگز آخرین نگاه او را به خودم فراموش نمی‌کنم. او به من گفت: می‌دونی، من که دارم می‌رم ولی امیدوارم هرگز روابط خصوصی مارو کسی متوجه نشه. خداحافظ. و صدای خداحافظ او در گوشم طنین انداز شد؛ ۱-۳-۱-ح-۱-ف-ظ-..... خداحافظ، خداحافظ اگر برگشتی که کسی در مقام این دفتر را پیدا کرد، آن را به مسئول یکی از دفاتر اسناد و مدارک کشور بدهد تا از آن نگهداری شود. و اگر از حمام بیرون آمدم که خودم می‌دانم باید چکار کنم و چطور تکذیب کنم.

...

ترک اعتبار

توسط پزشک مجرب

بدون درد و علائم

بدون نیاز به استراحت

۴۲۳۷ - ۲۲۵ - ۰۹۱۱

نتیجه اخلاقی: سعید بر دو نوع است؛ قبل از حمام، بعد از حمام نتیجه کارکردی: سعید خوش بد بود، اما کارهایش برای بعضی‌ها خوب بود.

دیدگاه

باید از طبیعت اطاعت کنیم



عکس از فریدون مشیری

این روزها خبر غم انگیز وقوع سیل در مازندران و کشته و زخمی شدن چندین نفر از هموطنان عزیز همه مردم شریف ایران را متأثر و غمگین ساخت. عمق فاجعه آن گاه روشن می شود که همه مسئولان با توجه ویژه به بازماندگان و رفع مشکلات مردم مصیبت دیده شدند. اما نکته ای که توجه من را به عنوان یک معلم اکولوژی و آشنای به مسائل جنگل های شمال، علی الخصوص جنگل ها و رودخانه های منطقه وقوع سیل جلب کرد این بود که در پیام هیچ کدام از مسئولان به ریشه یابی موضوع اشاره نشده بود، حتی در پیام مسئولان محیط زیست نیز حداکثر به از بین رفتن جنگل ها به عنوان مهمترین عامل اشاره شده بود اما طنز موضوع در این جاست که چه کسانی جنگل های شمال را به ورطه نابودی کشانده اند؟

از تبلیغات و برنامه های ترویجی که سازمان محیط زیست و صداوسیما ترتیب دادند می توان نتیجه گرفت که روستائیان حاشیه نشین جنگل یا دام های آنان در این موضوع مهمترین نقش را دارند. من به عنوان مردی که علاقه مند و پیگیر مسائل زیست محیطی منطقه ای است که سیاست های غیر اصولی و به دور از نظرهای کارشناسی مهمترین نقش را در نابودی جنگل های شمال خصوصاً در دو دهه اخیر ایفا کرده است. تمام استادان در بخش اداره و نگهداری جنگل بر این موضوع وقوف دارند که در رابطه با استراتژی مدیریت جنگل مهمترین نکته بهره برداری صحیح و اصولی است که می باید در امر بریدن جنگل ها، زمان و مکان بریدن جنگل مورد توجه ویژه قرار گیرد.

آقایان متولی، در کدام یک از بهره برداری های شما این نکات رعایت شده است؟ آیا پیمانکاران جنگل خوار بویی از امور زیست محیطی و کارشناسی جنگل برده اند؟ در هنگام قطع بی رویه (پاک تراشی) از سوی پیمانکاران؛ کارشناسان جنگل چه نقشی ایفا می کنند؟ در تمامی تابلوهایی که در منطقه به عنوان طرح های جنگل داری نصب شده کلمه «احیا» جنگل به چشم می خورد. اما تنها چیزی که از آن اثری دیده نمی شود همان احیاست.

آیا پاک تراشی جنگل ها و واگذاری بخش های وسیعی از جنگل ها به پیمانکاران احیا است یا امحاء؟!

من به عنوان معلم و به عنوان علاقه مند به محیط زیست از مسئولان امر بویژه دولت خواستار رسیدگی جدی به نحوه جنگل داری و طرح هایی که با نام احیای جنگل و شیوه های بهره برداری جنگل در دو دهه اخیر هستم تا عوارض دیگر ناشی از بین رفتن جنگل ها دامان مردمان زحمتکش منطقه و دیگر مناطق کشور را نگیرد.

سرانجام سخن را با این جمله سر فرانسس بیکن خاتمه می دهم که «ما بر طبیعت مسلط نخواهیم شد جز با اطاعت از آن».

روزبه خادملو - تهران

باورم نمی شود دیدار تو ای بزرگوار

با تو سخن بگویم حرف و حدیث بسیار داشتم که با تو بگویم، شاید آن صمیمیت بی اندازه ات، آن نگاه پدرگونه ات و آن حرف های بی تکلف ات که موی از تواضع را همراه داشت وادارم می ساخت که فقط شکوه این لحظه از دیدار تو را در ذهنم ضبط کنم، وقتی صحبت می کردم باورم نمی شد که با تو سخن می گویم چگونه می شود مخاطب این کلام حقیر، تو بزرگ مرد باشی و تو چه آرام و دقیق به صحبت هایم گوش دادی و نوجوانی که حتی خودش هم خود را باور ندارد باور داشتی، تو همیشه، این جوانان و نوجوانان را بیشتر از خودشان باور می کنی و به آن ها جرأت می دهی که بگویند ما هم هستیم تاملر حضور و مشارکت را ببینند و چه آرام و دقیق هم پاسخ را گفתי، اصلاً مهم نیست که سوال چه بود فقط بهانه ای بود که من آن کلام روح افزا با آن طنین گرم و صمیمی اش را بشنوم.

این گوش ها هم باور نمی کرد که در دست توانستم پاسخگویت باشم و منتظر بهانه ای که از دیدارت مایوس شده بودم آمدی و چه ناگهانی. آمده بودی تا پدر چهار شهید را دیدار کنی و یادی از مادر شهیدانی که یک روز قبل از آمدنت به دیار باقی شتافته بود. یک لحظه گفتند آقای خاتمی آمد. در باز شد و تو چه ساده و بی آلایش وارد شدی، این چشم ها باور نمی کرد آن چه را که می دید هنوز هم باور نمی کند، نشستی و همه دورت حلقه زدند به مردان گفתי که کمی جمع تر بنشینند تا خانم ها هم بیایند، آخر تو همیشه بیگانه با تبعیض. نمی دانم چه طور شد که درست رویه رویت نشستم. من آن چنان مهسوت آن نگاه صمیمی ات بودم که درست نتوانستم پاسخگویت باشم و منتظر بهانه ای که

می شنوند، آن قدر ساده و صمیمی بودی که فکر کردم هزار سال است که تو را می شناسم. دلم می خواست بیشتر بمانی، ولی با همه خداحافظی کردی و رفتی. جلوی در، انبوه مشتاقان جمع شده بودند که تو را ببینند و بدرقه ات کنند. نمی دانم آن همه جمعیت در آن مدت کوتاه از کجا جمع



عکس از فریدون مشیری

شده بودند، مطمئناً همه آن ها هم باور نمی کردند آن کسی که در برابر آن هاست و برایشان دست تکان می دهد، خاتمی است.

بها ره بیات - همدان

زندگیم را نجات دهید

من با حکم یکی از دادگاه های شمال کشور، محکوم به پرداخت ۲۷ میلیون ریال جزای نقدی و تحمل محکومیت ۵ سال زندان هستم که از این مدت تاکنون ۲۰ ماه را گذرانده ام. اگرچه خود را مستحق این حکم نمی دانم. من دارای همسر و دو فرزند هستم. فرزند بزرگم به نام سجاد در کلاس های قرآن منطقه، نمونه شناخته شده و پسر کوچکم به نام صادق در دو مرحله المپیاد ریاضی منطقه رتبه اول را کسب کرده است. آنان از مشکلی که من داشته ام بی اطلاع بودند. ولی از چند وقت پیش که متوجه این موضوع شده اند صدمات روحی و روانی بزرگی را متحمل شده اند. ضمن آن که فرزند کوچکم نیز به دلیل عارضه چشمی و مراجعه نکردن به پزشک دچار مشکلات فراوان شده است. همسر من نیز از نظر روحی و روانی دچار اختلال است و پدرم نیز در هنگامی که من در زندان بودم از دنیا رفت و من که پسر ارشد خانواده هستم حتی موفق به دیدن جنازه او نشدم و خانواده ام اکنون برای امرار معاش با مشکلات و معضلات فراوانی روبه رو هستند. از همه مسئولان خواهشمندم که به خاطر خدا این بنده حقیر و نادم را که خانواده اش در حال تلاشی شدن است باری کنند و با لطف و عطوفت انساندوستانه اجازه دهند تا به آغوش خانواده بازگردم و پدری خوب برای فرزندان و همسری شایسته برای همسرم باشم.

محمدرضا میرباقری - تهران

با مسئولان

آیا تأهل، تعهد می آورد؟

به پیشنهاد آقای مهاجرانی، شورای انقلاب فرهنگی، بخشنامه ای صادر کرده است که به موجب آن، افراد مجرد برای تأسیس مؤسسات انتشاراتی صلاحیت ندارند! خواهش می کنم به مسئولانی که در ذهن اینجانب جوانه زده است پاسخ دهید:

۱- آیا یک مرد باید ابتدا کار داشته باشد و بعد ازدواج کند یا برعکس؟
۲- من در کنار تدریس در دانشگاه های کشور، در زمینه های نویسندگی، طنزپردازی و ترجمه نیز فعالیت دارم. هنگامی که تقاضای دریافت پروانه یک مؤسسه انتشاراتی را به وزارت ارشاد دادم، چنین بخشنامه ای وجود نداشت. ولی بعد از یک سال معطل شدن و وقتی در گزینش قبول شدم، به من گفته شد که دو هفته قبل بخشنامه ای آمده که به مجردها مجوز ندهیم! به چه علت این بخشنامه عطف به ماسبق شده است؟ اصلاً چرا در کشور ما، فقط و فقط بخشنامه های منفی و متضاد با منافع مردم عطف به ماسبق می شوند؟ چرا به عنوان مثال بعد از این که از ابتدای سال جاری، وام مسکن اعضای هیأت علمی دانشگاه ها از ۴ میلیون تومان به ۶ میلیون تومان افزایش یافت، به افرادی که سابقاً (حتی در اسفند سال ۷۷) وام ۴ میلیونی دریافت کرده اند، مابه التفاوت پرداخت نمی شود؟

۳- مايلم بدانم که ازدواج از نظر دين مابين اسلام امری اجباری است يا اختیاری؟ اگر اجباری است، لطفاً مرجعی را که چنین برداشتی از آن شده است معرفی کنید و اگر اختیاری است، پس این بخشنامه به چه علت صادر شده است؟

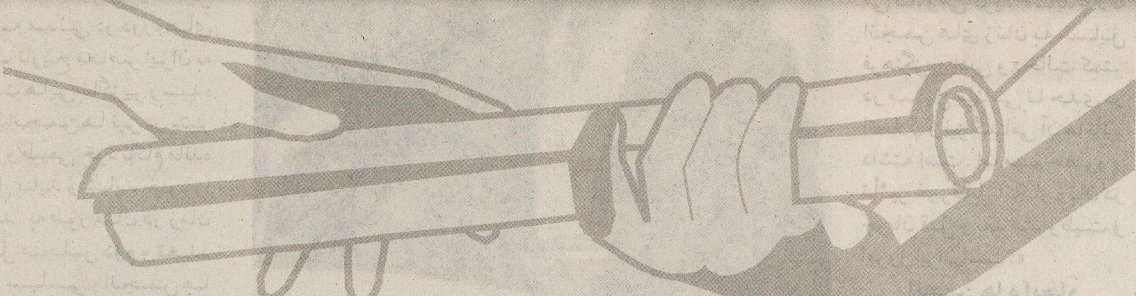
۴- به گفته یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی، علت صدور این بخشنامه آن بوده است که «نهادهای فرهنگی و هنری در باروری و به فساد کشاندن جامعه مؤثر هستند». من نمی خواهم نهادی تأسیس کنم و بلکه، هدفم تنها تأسیس یک «مؤسسه» برای چاپ و نشر کتاب است.

۵- یکی از مقام های وزارت ارشاد، گفته است که «شرط تأهل در کشور ما، ازجمله قوانینی است که باعث می شود افرادی که به رشد و تکامل فکری رسیده اند و پله ای بالاتر از بقیه هستند به کارهای فرهنگی بپردازند». اگر گفته درست باشد، چند سؤال به ذهن می آید: اولاً اگر افراد مجرد به «رشد و تکامل فکری» نمی رسند، پس نظر ایشان درباره دانشمندی مانند لئوناردو داوینچی یا دانشمند بزرگ اسلامی، ابوعلی سینا چیست؟! گفته درخور توجه این که، با توجه به بخشنامه مزبور، قطعاً اگر ابوعلی سینا فی الحال زنده بود، وزارت ارشاد به وی مجوز تأسیس یک مؤسسه انتشاراتی را نمی داد و لذا، وی نمی توانست کتاب های شفا، قانون را بنویسد و منتشر کند. ثانیاً اگر این افراد متأهل هستند که «پله ای بالاتر از بقیه هستند»، پس چگونه است که خداوند منان، حضرت عیسی مسیح (ع) را به عنوان یکی از تنها ۵ پیامبر اولی العزم خویش اعلام کرد؟

۶- آقای خاتمی! آیا به راستی وقت آن نرسیده است که دست از این گونه تضييع حق ها برداريم.

۷- آقای خاتمی! بهتر نیست که موضع خود را درباره «توسعه فرهنگی» به روشنی مشخص کنید؟ شما از یک طرف با محدود شدن آزادی مطبوعات مخالف هستید و آقای مهاجرانی نیز نگرانی شدید خویش را از تصویب قانون جدید مطبوعات به کرات بیان کرده اند. ولی صلاحیت من استاد دانشگاه را که وزارت ارشاد و فرهنگ و آموزش عالی تأیید کرده است، وقتی بخواهم یک بنگاه چاپ و نشر کتاب ایجاد کنم، حق چنین کاری را نباید داشته باشم.

فرامرز آشنای قاسمی - تهران



فرم درخواست شرکت در پنجمین دوره معرفی پایان نامه برتر دانشجویی

نام و نام خانوادگی:	عنوان کامل پایان نامه:
استاد راهنما:	رشته تحصیلی:
گرایش پایان نامه:	دانشگاه محل تحصیل:
نشانی کامل:	تاریخ دفاع:
	تلفن:

ب-بخش جنبی:

دبیرخانه پنجمین دوره معرفی پایان نامه برتر دانشجویی در نظر دارد در سال جاری علاوه بر بررسی و انتخاب پایان نامه های برتر، در بخش جنبی، پژوهش های دانشجویی را نیز به مسابقه بگذارد.

۱- در بخش جنبی، کلیه پژوهش ها و تحقیقات انجام شده در سرفصل های بخش مسابقه (رشته های گروه علوم انسانی، رشته های گروه هنر، پژوهش های سایر گروه های آموزشی به شرط داشتن مضامین و محتوای مرتبط با مقوله فرهنگ، موضوع اختصاصی انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره))، در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا که از سال ۷۶ به بعد انجام شده باشد، پذیرفته خواهد شد.

۲- علاوه بر ارسال یک نسخه از متن کامل پژوهش، ارسال یک چکیده حداکثر ۳ صفحه ای A4 الزامی است.

فرم درخواست شرکت در بخش جنبی پنجمین دوره معرفی پایان نامه برتر دانشجویی (پژوهش برتر دانشجویی)

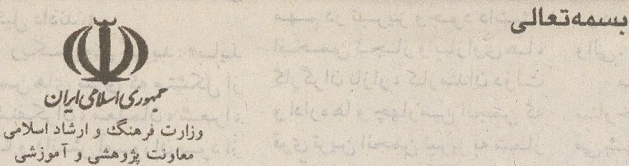
نام و نام خانوادگی:	دانشگاه محل تحصیل:
رشته تحصیلی:	عنوان واحد درسی مرتبط با پژوهش:
عنوان کامل پژوهش:	
نشانی کامل:	تلفن:

تهران- خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، معاونت فرهنگی،

دبیرخانه پنجمین دوره معرفی پایان نامه های برتر دانشجویی، صندوق پستی ۴۳۶۴-۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۴۶۶۵۶۸

دبیرخانه پنجمین دوره معرفی پایان نامه های برتر دانشجویی



فراخوان پنجمین دوره معرفی پایان نامه های برتر دانشجویی

به منظور ارج گذاری پژوهشهای دانشگاهی و با هدف ایجاد زمینه مساعد برای بروز خلاقیت های علمی و پژوهشی دانشجویان و بهره مندی هرچه بیشتر جامعه از اندیشه ها، آموخته ها و آثار دانشجویی، «پنجمین دوره معرفی پایان نامه های برتر دانشجویی» برگزار می شود.

الف-بخش مسابقه:

فارغ التحصیلان دوره های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه های کشور که پایان نامه های آنها در زمینه های ذیل باشد، می توانند در این فراخوان شرکت نمایند:

- ۱- کلیه رشته های گروه علوم انسانی
- ۲- کلیه رشته های گروه هنر
- ۳- پایان نامه های تحصیلی سایر گروه های آموزشی دانشگاهی (به شرط داشتن مضامین و محتوای مرتبط با مقوله فرهنگ)

موضوع اختصاصی: انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره):

با عنایت به نامگذاری سال ۱۳۷۸ به نام امام خمینی (ره) و تقارن آن با بیستمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، پایان نامه های برتر دانشجویان در ارتباط با «امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی» نیز انتخاب و معرفی خواهند شد.

شرایط شرکت در فراخوان:

- ۱- پایان نامه های کارشناسی ارشد دفاع شده در سال ۷۷ و پایان نامه های دکتری سال های ۷۷-۷۵
- ۲- ارائه گواهی از دانشگاه محل تحصیل مبنی بر تاریخ دفاع و نمره پایان نامه
- ۳- تکمیل و ارسال فرم درخواست به همراه یک نسخه از پایان نامه تا تاریخ ۷۸/۶/۳۰

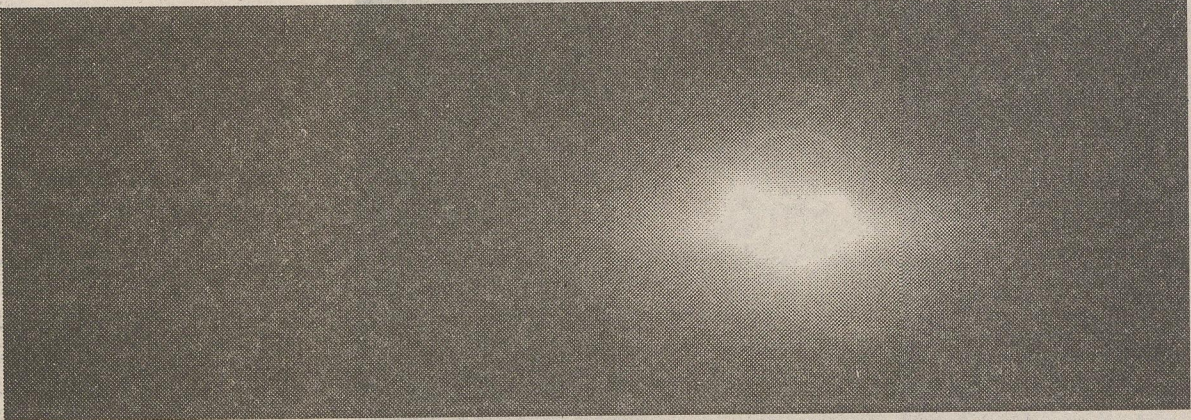
ملاحظات ویژه:

- ۱- انتشار نتایج پایان نامه به صورت مقاله در نشریات معتبر و رسمی علمی، دارای امتیاز ویژه خواهد بود
- ۲- به پایان نامه هایی که بیشترین استفاده را از منابع فرهنگ اسلامی داشته اند، امتیاز ویژه تعلق خواهد گرفت.
- ۳- ارسال متن خلاصه شده پایان نامه حداکثر در پنج صفحه A4 الزامی است.

گذری بر باورهای عامیانه مردم دربارهٔ کسوف

آی اژده‌های مخوف، چهره خورشید ما را سیاه نکن!

ریحانه قاسم رشیدی



زن پدر و حیوانات ظاهراً زمینی که گویا مظهر آسمانی بودند از آیین‌هایی قبل از زرتشت همچون مانوی، میتراییسم وارد شده‌اند و در قالب باورها زنده مانده‌اند.

آیین‌های رفع خورشید گرفتگی

این بخش از رسم‌های قدیمی که صورت اجرا و برگزاری آیین دارد، به راه‌های رفع خورشید گرفتگی می‌پردازد و برپایه باورهای اولیه شکل گرفته است. اگر باور کنیم که در زمان کسوف، اژدها جلوی خورشید را گرفته‌است، حال باید برای کنار زدن آن کاری کنیم. به نظر می‌رسد، آیین‌هایی همچون تیراندازی و ایجاد سر و صدا به طرق مختلف بازمانده چنین تصوراتی باشد، چرا که به گفته دکتر میرشکری، انسان ابتدایی فکر می‌کرده اگر در زندگی عادی می‌تواند حیوانات وحشی را با سروصدا دور کند، همین شیوه را برای رفع کسوف نیز به کار می‌برد.

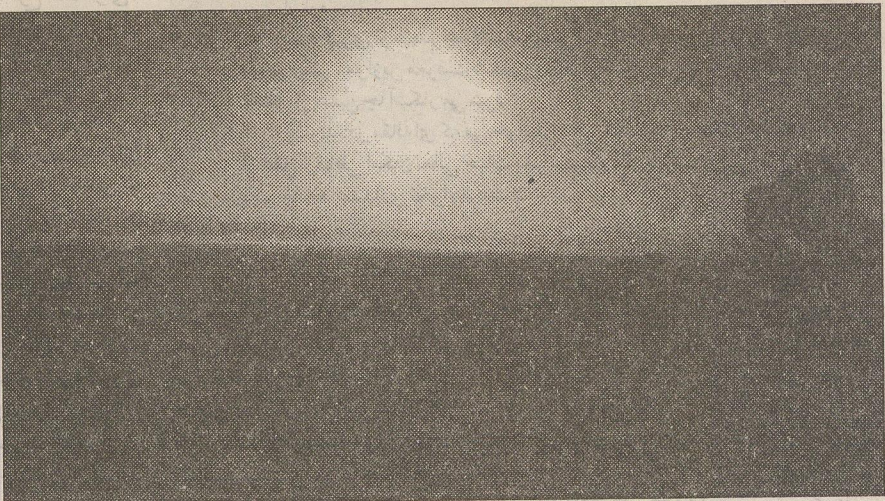
وی در توضیح این امر می‌گوید: «به‌جنوب ایران، برای درمان روان پریشی مراسم خاصی با بهره‌گیری از سازهای موسیقی اجرا می‌شود. درجامعه ابتدایی نیز ممکن است که آدمی از گرفتن خورشید به عنوان منبع حیات بترسد. برای برطرف

خورشید گرفتگی به پایان رسید

اما آثار آن بر جای ماند

دکتر عباس عظیمی

استادیار علوم بنیانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد



۳- بررسی و مطالعه برروی طیف نوری خورشیدی.

تشعشعات خورشیدی

تشعشعات خورشیدی یا Solar radiations در حقیقت امواج نورانی و از اجزای نور هستند که مجموعاً طیف و یا اسپکترۆم نوری را تشکیل می‌دهند که برحسب انرژی فوتونی خود و براساس واحد اندازه‌گیری طول موج یعنی نانومتر تقسیم بندی می‌گردند. از مجموع طیف نوری آن دسته از امواج نوری که بین ۸۰۰-۴۰۰ نانومتر هستند برای چشم انسان قابل رؤیت اند و سبب تحریک سلول‌های گیرنده چشم می‌گردند. امواج نورانی قبل و بعد از دامنه فوق به‌صورت امواج ماورای بنفش و نیز امواج مادون قرمز تلقی می‌شوند که به‌دلیل خواص انرژی‌زایی خود نه تنها برای سلامت چشم بلکه برای سلامت پوست نیز مضر می‌باشند.

قرنیه چشم که در حقیقت لایه شفاف چشم می‌باشد و نور بدون هیچ گونه ممانعتی از آن عبور می‌کند نیز مانع عبور امواج نورانی UV-B و UV-A

۸ به درون چشم می‌شود و خود در حقیقت به‌صورت یک جاذب نوری ایفای

اشعه‌های ماورای بنفش نوع UV-A

به چند ویزینور مجرب

جهت کارهای تبلیغاتی نیازمندیم

۹۲۶۳۵۲

قابل توجه کارخانجات مواد غذایی،کارتی سازی وصنایع بسته بندی و شن و ماسه و آجر
فروشگاه تسمه سعدي عرضه کننده انواع تسمه های مواد غذایی، دور متغیر، Vbelt (ویبلت)، انتقال نیرو، P.V.C، نوار نقاله و انواع بلبرینگ و یاطاقانهای صنعتی و سوزنی، کاسه نمـد.
آپارات انواع تسمه های لاستیکی و P.V.C با نازلترین قیمت ساخت کلیه قالببهای لاستیکی در ابعاد مختلف.
اجناس این فروشگاه با قیمت سالهای ۷۴ و ۷۵ بفروش می رسند.
نشانی: سعدي جنوبی، پاساژ رضوی، پلاک ۳
تلفن: ۳۹۱۳۵۳۲-۳۹۱۱۲۸۹۳- دور نویس ۳۹۱۹۴۸۴

وقتی آفتاب چهره خود را در پشت نقاب تاریک پنهان می‌کرد، گلیک‌ها برای برطرف کردن خشم خداوند که در خورشید گرفتگی نمایان شده بود، بچه‌های کوچک را پای پیاده راهی زیارتگاه‌ها می‌کردند و خود، در قوطی‌های حلبی‌شن می‌ریختند و آن‌ها را به صدا در می‌آوردند.

ترکمن‌ها نیز اعتقاد داشتند کسوف نشانگر برهم خوردن نظم جهان است، آنان با چوب بر ظرف‌های فلزی می‌کوفتند و دست به‌دعا بر می‌داشتند. کنی‌پایین‌تر، در بخش مرکزی ایران، مردم اراک همچون بسیاری از ایرانیان، ظروف مسی را به صدا در می‌آوردند. گروهی هم به سمت خورشید سیاه شده از سایهٔ ماه تیراندازی می‌کردند ودر مراسم آیینی بانواختن شیپور و طبل در قسمت‌های جنوبی کشور، روشنی دوباره آفتاب عالمتاب را از خدا می‌خواستند.

این‌ها گوشه‌ای از آداب و رسوم فراموش شده مردم در زمان کسوف است. سنت‌هایی که امروز با افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در مورد علل وقایع طبیعی به شدت کاهش یافته یا از بین رفته است. وحشتی که پیش از این در زمان بروز پدیده خورشید گرفتگی در بین مردم دیده می‌شد و ناشی از نشناختن دلیل این واقعه طبیعی بود، دیگر وجود ندارد.

به گفته مهرازمان نوبان، مردم شناس که در مورد فرهنگ مردمی منطقه قم مطالعه می‌کند، امروز تنها افراد بالای هفتاد سال، همچنان از کسوف می‌ترسند.

وی می‌گوید: «پیش‌تر، مردم معتقد بودند که زیاد شدن گناهان و خشم خداوند، باعث کسوف می‌شود. علاوه بر این، در نقاط مختلف کشور، هیولای آسمانی، اژدها، مار، نهنگ، پلنگ، دیو، شیاطین، از ما به‌تران، بیماری و موجود موهومی که نماد بیماری است یا حتی پیرزن طلبکار و عزرایل را هم در بعضی موارد موجب تاریک شدن خورشید می‌دانستند. »

مردم در طی هزارها سال، باورهای خود در مورد علل خورشیدگرفتگی را در قالب حکایت‌های کوتاه بیان می‌کردند. برخی از این قصه‌ها در گذر قرن‌ها به تدریج فراموش شده است و برخی دیگر هنوز در گوشه و کنار یادها زنده مانده است.

مردم کرد کنگاور هنوز معتقدند کسوف ریشه در دلگیر شدن خورشید و باران از عروس گله‌داری دارد. این حکایت می‌گوید: «روزی از روزها باد و باران و خورشید به مهمانی گله‌دار می‌روند و عروس گله‌دار مطابق رسم، پیش از غذا آفتابه و لگن را برای مهمانان می‌آورد. اما اول آب را نزد بادی می‌برد. دو مهمان دیگر از این کار ناراحت می‌شوند و تصمیم به انتقام می‌گیرند. پس باران آن قدر می‌بارد که همه جا پر از آب می‌شود. سیاه چادرها را به پیشنهاد عروس بالای کوه می‌برند و آنگاه خورشید برای انتقام گرفتن، خود را به سرعت به بالای کوه می‌رساند تا را حرازش آنان را بیازارد. در این هنگام باد از راه می‌رسد و آن قدر شدید می‌وزد که چهره خورشید سیاه می‌شود و خورشیدگرفتگی رخ می‌دهد.»

جست‌وجوی تاریخ

اگر تاریخ را جست‌وجو کنیم به داستان‌های مربوط به کسوف و خسوف در دوران پیش از اسلام، بر می‌خوریم. چرا که این پدیده‌ها همواره مورد توجه گروه‌های مختلف انسانی بوده است. در تمدن‌های ابتدایی افراد، علل امور طبیعی را نمی‌دانستند. رویدادها را براساس مجموعه دانسته‌ها و جهان بینی خود تبیین می‌کردند و به افسانه سرایی دست می‌زدند. به گفته دکتر محمد

در بیستم مرداد ماه ۱۳۷۸ که مطابق با اوت ۱۹۹۹ بود آخرین خورشیدگرفتگی قرن بیستم بوقوع پیوست. این پدیده مهم از غرب کشور آمریکا شروع و پس از پانصد کیلومتر عبور از روی آب‌های اقیانوس اطلس به نقطه‌ای در انگلستان رسید و پس از تاریک کردن حداقل دوازده کشور اروپایی وارد ترکیه و سپس از مسیر مرز سوریه و عراق وارد ایران شد.

پس از عبور از پاکستان و هندوستان در خلیج بنگال پایان پذیرفت. به دلیل طولانی بودن مسیر خورشیدگرفتگی که حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است و نیز پهناوری آن صدها میلیون نفر در نیمکره جنوبی و بخش عمده‌ای از نیمکره شمالی و خط استوا توانستند این گرفتگی خورشید را به صورت کامل و یا جزئی مشاهده کنند. خورشیدگرفتگی در ایران به‌صورت جزئی از شهرستان ماکو در آذربایجان غربی آغاز شد و در شهرستان سراوان از استان سیستان و بلوچستان در حالی که گرفتگی آن به‌صورت کلی بود خاتمه یافت.

معنای کسوف

همچنان‌که در لغتنامه مرحوم دهخدا آمده است: «کسوف در نزد فلاسفه از صفات خورشید است و آن گرفتگی خورشید است هنگامی که در مواجهه با زمین، ماه میان آن‌ها حایل باشد. در زبان عرب کسوف به معنی گرفتن آفتاب و گرفتن ماه‌رو آمده است ولی در عرف فارسی زبانان کسوف در آفتاب و خسوف در ماه گویند.»

در زبان انگلیسی کلمه Eclipse برای خورشیدگرفتگی به کار می‌رود و این خورشیدگرفتگی ممکن است به چهار صورت مطابق زیر رخ دهد:

- خورشید گرفتگی سایه‌ای Lunar eclipse
- خورشیدگرفتگی جزیی Partial eclipse
- خورشیدگرفتگی حلقوی Annular solar eclipse
- خورشیدگرفتگی کلی Total solar eclipse

صرف نظر از مباحث نجومی و مطالعات اخترشناسی باید اذعان کرد که خورشیدگرفتگی فرصتی مناسب برای کشف واقعاتی درباره عالم کیهانشان و اجرام آسمانی است. در هنگام خورشیدگرفتگی نور شدید آن پنهان و درخشندگی بخیره‌کننده آن تقریباً خاموش و آسمان درخشنده روز تبدیل به تاریکی شب می‌گردد و نیز تنها زمانی است که می‌توان حتی با چشم غیرمسلح لایه‌های خورشید و آتمسفر آن به‌خصوص خارجی ترین لایهٔ آتمسفر خورشید که به نام کرونا (Corona) نامیده می‌شود و دارای حداقل دو میلیون درجه فارنهایت گرما است، مشاهده کرد. در خورشیدگرفتگی سال ۱۸۶۸ قمری محققان و اخترشناسان با استفاده از روش اسپکتروسکوپی (Spectroscopy) توانستند به بزرگترین کشف خود یعنی وجود گاز هلیوم (Helium) در خورشید پی ببرند که سال‌ها بعد محققان توانستند این گاز را در کره زمین نیز کشف نمایند. با اختراع وسایل کامل‌تر نجومی و گستره دانش محققان در خورشیدگرفتگی‌های دیگر یافته علمی بسیار مهم دیگری را به دست آوردند که اهم آن‌ها به قرار زیر است:

۱- مطالعه و کشف حلقه‌ها و نوارهای غباری اطراف خورشید.

۲- بررسی و مطالعه و به دست آوردن اطلاعات سودمند برروی میادین

مغناطیسی خورشیدی.

دعوت به همکاری

یک شرکت معتبر دولتی جهت انجام اموز قراردادهای خارجی خود نیاز به استخدام ۲ نفر کارشناس ارشد با شرایط زیر دارد:

مدرك تحصیلی: لیسانس به بالا در رشته‌های مدیریت بازرگانی
زبان انگلیسی: تسلط کامل به نوشتن، ترجمه، مکالمه و تهیه متون قراردادهای خارجی
تجربه: حداقل ۲سال مرتبط
سن: حداکثر ۴۰سال

از داوطلبان درخواست می‌شود مشخصات و سوابق کاری و شماره تلفن تماس خود را به صندوق پستی شماره ۶۳۹۳-۱۴۱۵۵ (روی پاکت ذکر شود دفتر روابط‌عمومی) تا تاریخ ۳۰مرداد۱۷۸۵ارسال نمایند.

۲۸۹۹۱

کردن این ترس، از سنت‌های کهن درمان روان پریشی، درمان زار، استفاده‌کند. سر و صدا باعث می‌شده تاذهن آشفته مردم به نظم کشیده‌شود. به تدریج با آگاهی انسان، این مراسم عملکرد خود را از دست داده و پوسته بدون محتوایی از آن به جای مانده **است. گاهی هم ممکن است از این آیین‌ها فقط برای نگار هم قرار دادل مردم** و جمع کردن آنان در کنار یکدیگر استفاده شده باشد. »

وی می‌گوید: «رسم‌ها و آیین‌هایی که برای رفع خورشیدگرفتگی اجرا می‌شدند یا ریشه در باورهای کهن داشتند یا از اعتقادات اسلامی مردم نشأت می‌گرفتند.»

میرشکرای می‌گوید: «به نظر می‌رسد، باورهای کهن، فراموش شده‌اند. به‌عنوان مثال در کسوف سال ۷۴ بیرجند، پژوهش در روستاهای شرق خراسان نمونه آیین‌های باستانی را نشان نداد و مشخص بود که دانش مردم بآدانش روز هماهنگ شده است و آنان علل کسوف را می‌دانند. بیشتر آنان به دنبال مکان مرتفعی بودند که از جایی این پدیده زیبای طبیعی را تماشا کنند.»

به گفته این مردم شناس، پوسته‌های باقی مانده باورهای کهن از حدود نیم قرن پیش از بین رفته‌است. با این حال، بررسی و مطالعه آن‌ها، گاه نتایج غافلگیر کننده‌ای در پیش دارد و پژوهشگران را به رگه‌های فرهنگی می‌رساند. به طوری که باورهای عامیانه مردم بشاگرد و چابهار در مورد کسوف، میسر حرکت سکاها در هزاره دوم قبل از میلاد را آشکار کرد. اهالی این نواحی، تنها ایرانیانی هستند که فکر می‌کنند خورشیدگرفتگی و ماه گرفتگی در اثر بیماری ماه و مهر رخ می‌دهد. آنان، برای درمان، چند گیاه دارویی را در لحظات خورشیدگرفتگی در هاون می‌کوبند. در این مراسم هم صدای هاون مهم است و هم نوع گیاه. آنان اعتقاد دارند که کوبیدن این گیاه شفابخش‌ک از دیرباز داروی بسیاری از دردها بوده، موجب روشنی دوباره خورشید می‌شود.

مردم شناسان با بررسی این آیین به تشابه آن با آیین هوم پرستی دست یافتند. به گفته رئیس پژوهشکده مردم شناسی، پیش از ظهور زرتشت، گروهی از آریایی‌ها که به ایران مهاجرت کرده بودند، ایزدی به نام هوم را می‌پرستیدند. مظهر زمینی ایزد هوم گیاهی دارویی بوده که در زمان پگاه (طلوع آفتاب) در هاون می‌کوبیدند و عصاره آن را می‌نوشیدند. بعدها زرتشت این آیین را نفی کرد اما هوم پرستی به طور کامل از بین نرفت. به طوری که در متون بعدی اوستایی از آن تجلیل شده است.

وی می‌گوید: «در کتیبه بیستون هوم‌نوشان یکی از سه گروه سکاها معرفی شده‌اند و سیستان سرزمین سکاهاست. با بررسی رسوم مربوط به خورشیدگرفتگی مشخص شد که این قوم آریایی، سکاها ی هوم‌نوش در سفر به فلات ایران به بخش جنوب شرقی، حوالی چابهار و بشاگرد، مهاجرت کرده‌اند.» بنابراین کسوف، خط سیر سکاها در هزاره دوم پیش از میلاد را مشخص کرد.

نتایج خورشیدگرفتگی

در این بخش موضوعات مربوط به کسوف در غالب باورها شکل گرفته است. از آنجایی که تاریک شدن مایه شراست، در هیچ جای ایران عوارض خوبی برای خورشیدگرفتگی در نظر گرفته نشده است. مردم، مرگ، زلزله و شیوع بیماری را پیش‌بینی می‌کردند و از کسوف می‌ترسیدند اما اکنون آموخته‌اند که پدیده طبیعی یکی از زیباترین جلوه‌های خلقت الهی است و با به کار بستن نکات آیینی می‌توان از آن لذت برد.

نقش می‌کند. البته اگر همین قرینه چشم با نور خورشید به‌طور دائم و مستمر برخورد داشته باشد دچار التهاب و ناراحتی‌های متعددی می‌گردد. نه تنها نور خورشید تولید امواج ماورای بنفش می‌نمایند بلکه بعضی از اقلام و وسایل ساخت بشر و نیز مخطیهای مختلف طبیعی می‌توانند تولید این امواج را بنمایند که از آن میان می‌توان چراغ‌های بسیار درخشان، چراغ‌ها و لامپ‌های مخصوص اتاق‌های جراحی، انواع لیزرها، لامپ‌های خورشیدی، نورهای خیره‌کننده حاصله از جوشکاری، انعکاس نور خورشید در اثر برخورد با سطوح کاملاً صاف و صیقلی مانند سطح فلزات و آب و برف و امواج حاصله از خورشیدگرفتگی را نام برد.

همه موارد به انضمام ده‌ها عامل دیگر می‌توانند تولید امواج ماورای بنفش نمایند و اگر چشم به‌طور مستمر در برخورد با آن‌ها باشد دچار صدمه خواهد شد.
امواج ماورای بنفش
علاوه بر امواج ماورای بنفش هنگام کسوف امواج مادون قرمز نیز ساطع می‌شود که بر طبق مطالعات محققان در کالج پزشکی ویرجینیا، مشخص شد که چشم‌های انسان در برابر امواج ماورای بنفش ۸۰۰ برابر حساس‌تر و صدمه‌پذیرتر از امواج مادون قرمز است، ولی به دلیل این‌که امواج مادون قرمز دارای انرژی حرارتی زیادی هستند، لذا مواجهه همزمان چشم با امواج ماورای بنفش و مادون قرمز می‌تواند ضریات چشمگیری را به سیستم بینایی وارد آورد و می‌تواند نهایتاً منجر به یک بیماری چشمی به نام رتینیت خورشیدی (Solar retinitis) گردد. از صدمات دیگر امواج مادون قرمز می‌توان تشکیل نوعی آب‌مروارید به نام cataract”Glassblowers را نام برد. این عارضه در اشخاصی به وجود می‌آید که به‌طور دائم و مستمر در مواجهه با نور خورشید هستند. منابع دیگری غیر از خورشید نیز می‌توانند تولید امواج مادون قرمز نمایند که اهم آن‌ها عبارتند از: مواد در حال ذوب به خصوص ذوب شیشه و فلزات، لامپ‌های مادون قرمز و غیره.

مطالعه در هلند

پس از کسوف سال ۱۳۷۲ هجری در کشور هلند جمعی از محققان روی تعدادی از افرادی که حتی با وسایل نسبتاً مطمئن به خورشیدگرفتگی نگاه کرده بودند معاینات و مطالعات چشمی انجام دادند و نتایج زیر حاصل گردید: از تعداد افرادی که مورد معاینه قرار گرفته بودند ۲۱ نفر آنان دچار صدمات چشمی از نوع زخم ماکولایی در ناحیه شبکیه چشم شده بودند. قدرت بینایی آن‌ها حداقل تا سه خط از چارت سنجنش بینایی کاهش پیدا کرده بود و نکته قابل اهمیت این‌که کاهش بینایی تا ۸- ۷- هفته پس از خورشیدگرفتگی ادامه و به ۵ خط از چارت سنجنش بینایی تقلیل یافته بود. این اختلالات بینایی در حالی رخ داده بود که همه آن‌ها مدعی بودند که در هنگام نگاه کردن به خورشیدگرفتگی از عینک‌های فیلتردار نیز استفاده کرده بودند. لذا از این تحقیق می‌توان چنین استنباط کرد که در بعضی موارد حتی استفاده از عینک‌های مخصوص و نیز فیلترهای جاذب نور نیز به تنهایی نمی‌تواند عامل جلوگیری از صدمات چشمی باشند. در تحقیقات مشابهی هم که در سال ۱۳۷۴ هجری در آمریکا روی تعدادی از افرادی که به خورشید نگاه کرده بودند صورت گرفت متوجه زخم‌های شبکیه‌ای در ۱۴ درصد از معاینه شوندگان شدند.

شرکت صنایع بتون شیمی مبنا (سهامی خاص)

بازاریابی

نظر ادارات ، ارگانها و سازمانهای دولتی ، شرکتهای معظم انبوه ساز . پخش کنندگان کالا و عموم شهروندان گرामी را به آ گییی خود جلب مینمایید.

اولین تولید کننده کنیتکس آ لکیدی (روغنی) ویژه نمای خارجی ساختمان و کنیتکس موولیت

(پلاستیک) ویژه نمای داخلی ساختمان و کنیتکس ضد ز نگ ویژه سطوح پشت باهما و شیروانی ها

و کنیتکس عایق رطوبتی ویژه سطوح در معرض بارش باران در ۳۲ رنگ بسیار دیدنی بعلاوه

کنیتکس روغنی زرین (طلایی) و سیمین (نقره ای) با ۵ سال ضمانت واقعی . دارای پروانه بهره برداری

از اداره محترم صنایع استان مازندران بشماره ۴۸۴۵-۳۸۸۰ در بهترین کیفیت ممکن . مفتخر است

تا آ غاز تولید و بهره برداری خود را به اطلاع عموم مردم عزیز . ساز مانها ارگانها و ادارات دولتی ،

شرکتهای انبوه ساز . شرکتهای پخش کالا . پیمانکاران ارجمند فروشگاههای رنگ در اقصی نقاط کشور

اسلامیمان ایران ، با عرض صمیمانه ترین تبریکات و شایسته ترین درودها برساند .

ما افتخار میکنیم که قدمی هر چند کوچک در جهت رونق بخشیدن به صنعت ساختمان برداشته ایم .

محصولات ما را با نام مبنا کنیتکس بشناسید

بازاریابی

فروش

تولید

بازاریابی

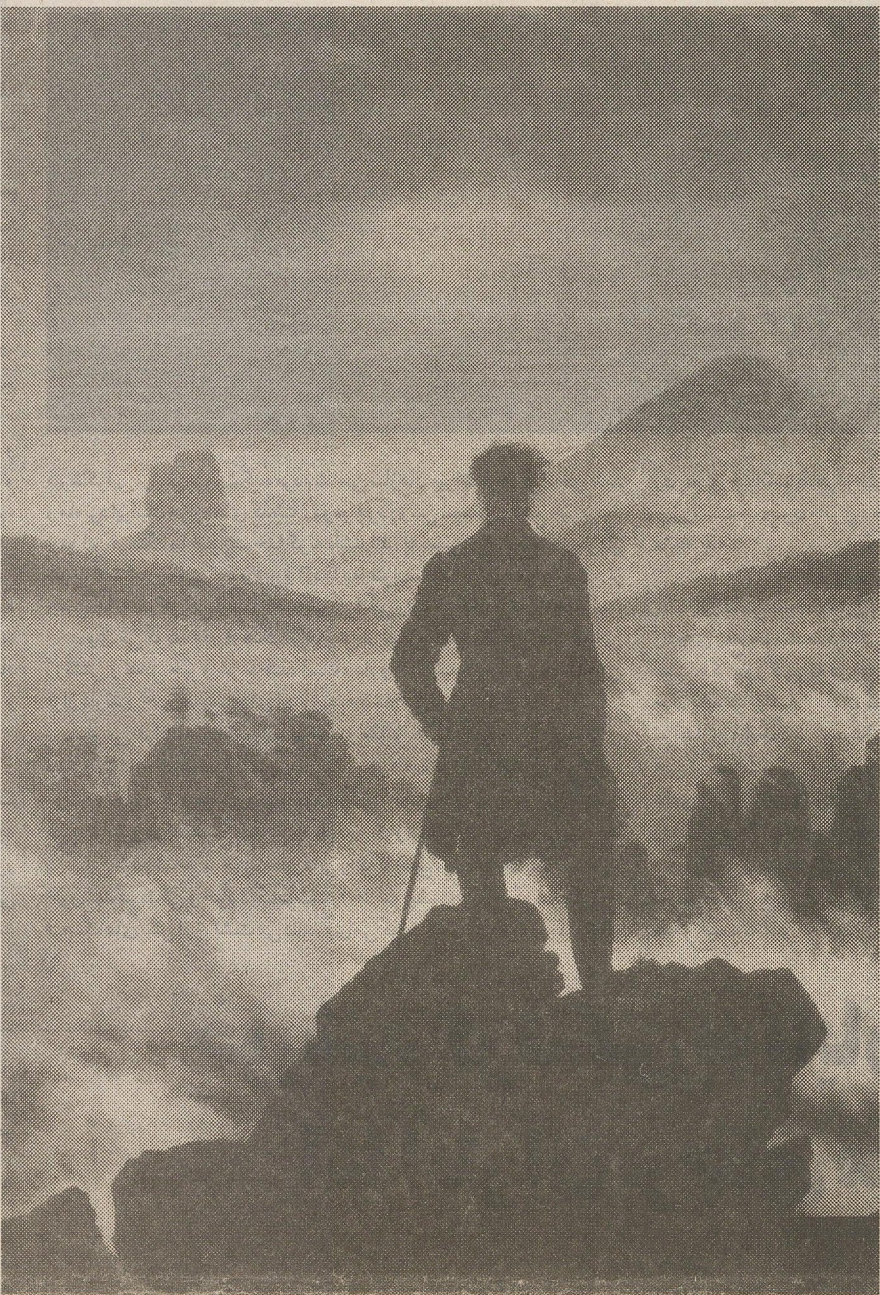
اجرا

تلفن دفتر مرکزی و کارخانه مازندران ، نور : ۲۳۴۸۸-۰۱۹۶۴ • دفتر فروش تلفکس: ۲۲۰۷۳۰-۰۱۹۶۴ •

با یک تماس تلفنی یا مکتوبه ما را از نزدیک بشناسید

کسوف عقل

محمدتقی قزل‌سلفی



اشاره

بهره‌گیری از عنصر عقلانیت، یکی از اصول اساسی ترقی و تعالی حیات آدمی است. از سوی دیگر، موازین معرفت‌شناسی بیانگر وصول جوامع به حقیقت بوده است. تمایز عقل و ناعقل از همین جا آشکار می‌شود.

نگارنده در مقاله‌ای که می‌خوانید مدعی شده است با اتکا به یک عقل کل و نفی بهره‌گیری از عقل ارتباطی امکان تعالی حیات بشر نیست و اگر باشد، نهایی جز کسوف عقل و شکل‌گیری یک جامعه استبدادی نخواهد داشت.

گروه فرهنگ و اندیشه

خود را از بزرگان اندیشه و خرد

به حساب می‌آوردند. عقل بی‌حدوحصر آنان، نابهنجاری خطرناکی بود.

حقایقی که کارل پوپر در خصوص جامعه باز و مردان بزرگ تاریخی که وامدار دفاع از جامعه باز بوده‌اند، امروز با فاصله چند دهه‌ای از ۱۹۲۳ که وی این مطالب را بیان کرده بود، واقعی‌تر به نظر می‌رسد. وی گفته بود: «اگر تمدن مابقا یافته، شایسته است آن را با خصلت دفاع از مردان بزرگ، درهم آمیزیم. مردان بزرگ، البته اشتباهات بزرگ هم مرتکب می‌شوند برخی از بزرگ‌ترین رهبران گذشته، حامی همیشگی تهاجم به آزادی و عقل که ازجمله گنجینه‌های باارزش بشری است، بوده‌اند. این گونه رهبران با نفوذی که در میان توده‌ها کسب کرده‌اند، به تصور ادعای دفاع از تمدن، بشریت را منکوب کرده‌اند.»

مدعیان عقل کل، به زبان «هانا آرنت» با وعده بهشت دست‌ساز، با عوام فریبی تمام، در تیرگی ناشی از کسوف خرد انسانی، بر مسند قدرت تکیه

متافیزیک نوع افلاطونی که عقلانی کردن را به معنای تسری دادن ضرورت و حقیقت ماورای تجربی بر زندگی سیاسی نیز عقل به مفهوم کشف ضرورت‌های تجربی یا عقل عملی در معنایی که پوزیتیویسم در نظر دارد هر دو تیرگی خورشید داشت عقل را در پی خواهد

خود را از بزرگان اندیشه و خرد به حساب می‌آوردند. عقل بی‌حدوحصر آنان، نابهنجاری خطرناکی بود.

حقایقی که کارل پوپر در خصوص جامعه باز و مردان بزرگ تاریخی که وامدار دفاع از جامعه باز بوده‌اند، امروز با فاصله چند دهه‌ای از ۱۹۲۳ که وی این مطالب را بیان کرده بود، واقعی‌تر به نظر می‌رسد. وی گفته بود: «اگر تمدن مابقا یافته، شایسته است آن را با خصلت دفاع از مردان بزرگ، درهم آمیزیم. مردان بزرگ، البته اشتباهات بزرگ هم مرتکب می‌شوند برخی از بزرگ‌ترین رهبران گذشته، حامی همیشگی تهاجم به آزادی و عقل که ازجمله گنجینه‌های باارزش بشری است، بوده‌اند. این گونه رهبران با نفوذی که در میان توده‌ها کسب کرده‌اند، به تصور ادعای دفاع از تمدن، بشریت را منکوب کرده‌اند.»

مدعیان عقل کل، به زبان «هانا آرنت» با وعده بهشت دست‌ساز، با عوام فریبی تمام، در تیرگی ناشی از کسوف خرد انسانی، بر مسند قدرت تکیه

خود را از بزرگان اندیشه و خرد به حساب می‌آوردند. عقل بی‌حدوحصر آنان، نابهنجاری خطرناکی بود.

حقایقی که کارل پوپر در خصوص جامعه باز و مردان بزرگ تاریخی که وامدار دفاع از جامعه باز بوده‌اند، امروز با فاصله چند دهه‌ای از ۱۹۲۳ که وی این مطالب را بیان کرده بود، واقعی‌تر به نظر می‌رسد. وی گفته بود: «اگر تمدن مابقا یافته، شایسته است آن را با خصلت دفاع از مردان بزرگ، درهم آمیزیم. مردان بزرگ، البته اشتباهات بزرگ هم مرتکب می‌شوند برخی از بزرگ‌ترین رهبران گذشته، حامی همیشگی تهاجم به آزادی و عقل که ازجمله گنجینه‌های باارزش بشری است، بوده‌اند. این گونه رهبران با نفوذی که در میان توده‌ها کسب کرده‌اند، به تصور ادعای دفاع از تمدن، بشریت را منکوب کرده‌اند.»

مدعیان عقل کل، به زبان «هانا آرنت» با وعده بهشت دست‌ساز، با عوام فریبی تمام، در تیرگی ناشی از کسوف خرد انسانی، بر مسند قدرت تکیه

خود را از بزرگان اندیشه و خرد به حساب می‌آوردند. عقل بی‌حدوحصر آنان، نابهنجاری خطرناکی بود.

حقایقی که کارل پوپر در خصوص جامعه باز و مردان بزرگ تاریخی که وامدار دفاع از جامعه باز بوده‌اند، امروز با فاصله چند دهه‌ای از ۱۹۲۳ که وی این مطالب را بیان کرده بود، واقعی‌تر به نظر می‌رسد. وی گفته بود: «اگر تمدن مابقا یافته، شایسته است آن را با خصلت دفاع از مردان بزرگ، درهم آمیزیم. مردان بزرگ، البته اشتباهات بزرگ هم مرتکب می‌شوند برخی از بزرگ‌ترین رهبران گذشته، حامی همیشگی تهاجم به آزادی و عقل که ازجمله گنجینه‌های باارزش بشری است، بوده‌اند. این گونه رهبران با نفوذی که در میان توده‌ها کسب کرده‌اند، به تصور ادعای دفاع از تمدن، بشریت را منکوب کرده‌اند.»

مدعیان عقل کل، به زبان «هانا آرنت» با وعده بهشت دست‌ساز، با عوام فریبی تمام، در تیرگی ناشی از کسوف خرد انسانی، بر مسند قدرت تکیه

خود را از بزرگان اندیشه و خرد به حساب می‌آوردند. عقل بی‌حدوحصر آنان، نابهنجاری خطرناکی بود.

حقایقی که کارل پوپر در خصوص جامعه باز و مردان بزرگ تاریخی که وامدار دفاع از جامعه باز بوده‌اند، امروز با فاصله چند دهه‌ای از ۱۹۲۳ که وی این مطالب را بیان کرده بود، واقعی‌تر به نظر می‌رسد. وی گفته بود: «اگر تمدن مابقا یافته، شایسته است آن را با خصلت دفاع از مردان بزرگ، درهم آمیزیم. مردان بزرگ، البته اشتباهات بزرگ هم مرتکب می‌شوند برخی از بزرگ‌ترین رهبران گذشته، حامی همیشگی تهاجم به آزادی و عقل که ازجمله گنجینه‌های باارزش بشری است، بوده‌اند. این گونه رهبران با نفوذی که در میان توده‌ها کسب کرده‌اند، به تصور ادعای دفاع از تمدن، بشریت را منکوب کرده‌اند.»

گزارشی از کتاب

فیلسوفان سیاسی قرن بیستم

مایکل ایچ. لسناف
فیلسوفان سیاسی قرن بیستم
۴۷۶ صفحه / ناشر: نشر کوچک / قیمت: ۲۴۰۰ تومان

نویسنده: مایکل ایچ. لسناف / مترجم: خشایار دیهیمی / ۴۷۶ صفحه / ناشر: نشر کوچک / قیمت: ۲۴۰۰ تومان

انتشار آثاری در خصوص فلسفه سیاسی معاصر از کارهای ارزنده‌ای است که مورد توجه مترجمان و ناشران قرار گرفته است. کتاب «فیلسوفان سیاسی قرن بیستم»، با ارایه تصویری از زندگی و آرای اصلی‌ترین فیلسوفان سیاسی قرن بیستم منتشر شده است. کتاب حاضر به سه بخش مجزا تقسیم شده است: بخش اول به منتقدان سرمایه‌داری اختصاص دارد. بخش دوم، درباره اندیشمندان لیبرالیسم و نئولیبرالیسم پرداخته است و در بخش سوم به معاصرانی چون جان راولز و هابرماس اختصاص دارد.

نیچه

ژیل دلوز
نیچه
۱۴۶ صفحه / ناشر: نشر گفتار / قیمت: ۷۵۰ تومان

نویسنده: ژیل دلوز / ترجمه: پرویز همایون پور / ۱۴۶ صفحه / ناشر: نشر گفتار / قیمت: ۷۵۰ تومان

توجه به نیچه و آثار نیچه حاکی از اهمیت این فیلسوف در مباحث فلسفی دارد. یکی از مفسران بزرگ آثار نیچه در فرانسه «ژیل دلوز» است که در حوزه مباحث پست مدرنیسم از او یاد می‌کنند.

ژیل دلوز در کتاب «نیچه» خود به فراسات خوانندگان متعدد آثار نیچه را از تعبیر نادرست درباره اندیشه او برحذر می‌کند.

جامعه‌مدنی ایرانی

سید علی‌رضا جانی
جامعه‌مدنی ایرانی
۳۳۲ صفحه - نمایه / مرکز: ۳۳۲ صفحه - نمایه / ۱۹۵۰ تومان

مجید محمدی / ناشر: نشر مرکز / ۳۳۲ صفحه - نمایه / ۱۹۵۰ تومان

کتاب جامعه‌مدنی ایرانی در کنار شرح و بیان مبانی نظری عام مفهوم جامعه‌مدنی، عوامل و شرایط مساعد و نامساعد برای تحقق آن را در ایران بررسی کرده و تحلیل می‌کند.

مجید محمدی بر آن است که جامعه‌مدنی ایرانی نیز همانند دموکراسی و لیبرالیسم ایرانی و توسعه به سبک ایرانی امکان‌پذیر است.

کجاست «عقلی» که ما آن را در دانش گم کردیم؟ و کجاست «دانشی» که ما در سودای اطلاعات، از کف دادیم.

تی. اس. الیوت، آوازخوانان صغره‌ها جهان‌امروزی در ابعاد قابل توجهی عقلانی است. تمام جوانب حیات آدمی نیاز دارد تا در شکل‌دهی به زندگی متعالی بر محور خرد سازنده بگردد. در چنین جهان عقلانی شده، که روشنائی خورشید خرد، بر ناهموارترین پهنه‌های عمل و کردار، نیز اندیشه آدمیان تابیده است و نادیده‌ها را برمالی‌کند، تعریف خرد هرچند به اجماع درنیاید، اما شاخص‌هایی دارد که فهم آن را ممکن می‌سازد. به زبانی می‌توان گفت: عقل توانایی درک روابط ضروری، یعنی «حقیقت» و ناعقل، موضوع حقیقت و چندانچون آن، اهمیت اساسی دارد.

به عبارت دیگر «عقل نوعی توانایی ویژه برای ملاحظه این ادعاست که چه چیزی برای گذران بهتر امور آدمی اهمیت دارد. یا چه چیزی واقعاً مضر به حال زندگی است. عقل از این حیث، همسو با ژرف‌نگری، در مقابل سطحی‌گرایی و در وهله دوم همراه با اقتدار سازنده است».

(Tallis, 1997, p. 105).

این اقتدار در سطح برتر، وجهی از اقتدار تعالی دارد؛ یعنی ساحتی از خواست خدا در آفرینش جهان است و در سطوح پایین، آن چیزی است که در قوانین و نوامیس حیات بشر جلوه‌گر می‌شود.

اقتدار بشر در امکان برقراری جامعه‌ای عقلانی است. اقتداری از آن نوع که آدمی را از عصر حقارت به درآورد و به بلوغ رساند. این بلوغ با جرأت خطر کردن همراه بود. به این ترتیب بود که «عصر عقل» (Age of Reason) فرا رسید و در پی آن عقلانیت در دو شکل ابزاری و ارتباطی، وسیله‌ای برای توسعه و ترقی حیات اجتماعی و سیاسی شد. آن خردی که در این معنا به کار سازندگی و حقیقت‌جویی برآمد، از تعادل میان سرخوشی دینوسیوسی و خردباوری اپولونی خارج شد تا آن که در قرن بیستم، جامعه بشری در تیرگی ناشی از کسوف عقل، شدیدترین لطامات را دید. به رغم نگارنده عقل با قرائت «تک‌ذهنی»، در عین حال که منادی عقل است شکل مخوفی از عقل‌سنیزی را بر جای می‌گذارد و در صورت قرائت «جمعی» مانع جدی در راه کسوف عقل خواهد بود.

عقل تک‌ذهنی
عقل در معنای کشف ضرورت‌های ماورای تجربی یا عقل فلسفی در معنای معرفت‌شناسی در نزد علما، اگر بر مدار تک‌ذهنی قرار داشته باشد، سرانجامی جز کسوف ندارد. عقل به معنای کلان روایت، اگر بستی جمعی نداشته باشد و در شکل افراد کامل قرار بگیرد، نابهنجار خواهد بود. به علاوه عقلانی کردن اجباری، یعنی تحمیل الگویی بسته که در جمع اندیشیده نشده و مبتنی بر افتاق و ارتباطات ذهنی نباشد، یا امکان‌باز اندیشی و تجدیدنظر در آن راهی نبرد، معرفتی تک‌ذهنی، تک‌منطقی و غیرعقلانی است.

با اتکا به بحث‌های موجود در فلسفه سیاسی می‌توان، ضمن شناسایی عقل، بحث را پی

گرفت. متافیزیک نوع افلاطونی، که عقلانی کردن را به معنای تسری دادن ضرورت و حقیقت ماورای تجربی بر زندگی سیاسی - اجتماعی تلقی می‌کند، نیز عقل به مفهوم کشف ضرورت‌های تجربی یا عقل عملی در معنایی که پوزیتیویسم در نظر دارد، هر دو تیرگی خورشید عقل را در پی خواهد داشت. نهایی که «عصر عقل» سده هجدهم در قرون ۱۹ و ۲۰ پیدا کرد، مؤید گرایش به سوی بهره‌گیری افراطی از عقل ابزاری و وداع با روشنائی و بصیرت اپولونی و منقوش کردن جهانی از افراط ناشی از تاریکی دینوسیوسی بود. در حالی که اندیشه روشنگری با این مبنای معرفتی، پرچمدار انسان‌گرایی نوینی بود که تاریخ را چونان خیابانی برای پیشرفت به سوی آینده روشن می‌دید.

لذا گرایش فائوستی چنان رغبتی به ساخت و ساز جهان نوین پیدا کرد که تنها ابزاریت و دانش را وسیله وصول به سعادت قرار داد. در حالی که انسان حقیقی موردنظر روشنگری، می‌بایست انسان آزاد از کشش‌های درون و برون و آزاد از اشکال غیرانسانی می‌بود. کسوف عقل روشنگری، خود را با فاجعه ضدانسانی نیمه‌اول قرن بیستم متکامل کرد. گویی عقل راه نابهنجاری از تکامل را می‌پیمود. در چنین شرایطی آدورنو در نقادی از عقل ابزاری، با نگاهی ترازیک همچون نگاه نیچه بر پیامد عقل معطوف به سعادت، گفت: «آری من عقل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول	سر دبیر	مدیر تحریریه	معاون سر دبیر	رئیس شورای سیاستگذاری	مشاور کنترل کیفی	مدیر پروژه	مدیر هنری
لطیف صفری	ماشاءالله شمس الواعظین	محمد دهقانی آرانی	علی اکبر قاضی زاده	حمیدرضا جلائی پور	سید مرتضی مردیها	باقر ولی بیگ	کوروش قاضی مراد

گروه داخلی دبیر گروه: علیرضا جانی معاون گروه: رامین راندیا همکاران: عبدالله جانی، فر... سها روحانی، محمد رفیر محمد رضا سرداری، محمد قوچانی، سیتا مطلبی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه اجتماعی دبیر گروه: مینو بدیعی همکاران: سیمیا سعیدی، مهرداد خلیلی، ریچانه قاسم رشیدی فرمان قاضی زاده - سحر نمازی خواه - زهرا خورش ننگ	گروه اقتصادی دبیر گروه: کوروش رحیم خانی همکاران: سیمیا رادمش	گروه فرهنگ و اندیشه دبیر گروه: عبدالرحیم مرشدی همکاران: محمدتقی قزل‌سلفی	گروه بین الملل دبیر گروه: حسن فتحی همکاران: سهیلا زمانی، چیله کلکاران - رضا پوریان	گروه ورزشی دبیر گروه: مسرالدین کاظمی همکاران: رضا کاظمی - مهین کرچی - وصال روحانی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	---	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی
--	--	--	--	--	--	--	--

گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری همکاران: ندا کشاورز - نیشا توگیان، امید صالحی	گروه ادب و هنر دبیر گروه: لیلی فرهاد پور همکاران: امیرحسین رسائل - مریم سپهری - مهرداد فرهنگ گروه عکس دبیر گروه: جمشید بابیری
--	--	--	--	--	--	---

● قبول می کنیم که خانمی سقط جنین نکرد، آیا جسد پوینده و مختاری هم به عنوان سند خشونت وجود نداشت؟

مسعود ده نمکی: شما فاز اولش را اگر قبول کردید که این جریان به دنبال بزرگ کردن خشونت است من هم در مورد دم بحث می کنم.

● من معتقدم بعضی از جریان ها هستند که جریان خشونت یا گروه فشار را بزرگ می کنند، می دانم اگر در تهران دو نفر کشته بشوند ممکن است رادیو بی بی سی بگوید ۱۵ نفر و رادیو اسرائیل بگوید ۴۰ نفر.

مسعود ده نمکی: ما دیگر به گفته رادیو فرانسه و اسرائیل کار نداریم، اسرائیل الان در داخل است. فرض می کنیم این درست باشد، اگر کسی چنین رفتاری را انجام داد آیا با او باید به صورت قانونی و منطقی برخورد کرد یا او را کتک زد و کشت؟ مسعود ده نمکی: منظور آن را نمی فهم؟

● کسی که زمینه خشونت را فراهم کرده است؟ مسعود ده نمکی: حالا شما رسیدید به بحث قتل ها، قتل ها یک چیز واضیحی است یک جنایتی بود که مرتکب شده اند و رکن نظام یعنی مقام معظم رهبری هم آن را محکوم کرد. من کی هستم که بخوام در مورد تبعات آن بحث کنم؟ من کاری به اصل جریان ندارم، من تبعات این جریان را می خواهم عرض کنم. جریان قتل ها هم مثل جریان سقط جنین است، مثل سینما است، مثل سینما قدس است بر اثر ندانم کاری و بر اثر توطئه، چهار پنج نویسنده که به قول مقام معظم رهبری دشمن بی خطر بودند کشته شدند، اما بهره اصلی را فکر می کنید چه کسی برد؟ قاتل یا مقتول؟

آن کسی بهره برد که دوست داشت این جریان را بزرگ کند و دوباره یک جریانی را به عنوان سمبل خشونت مطرح کند و خودش به عنوان مدافع مردم دربیاید.

● این جریان اعمال خشونت بود یا نه؟

مسعود ده نمکی: بود، ولی مثل جریان سینما قدس است.

● یعنی این که یک عده ای آمدند فقط برای این که یک بازی را انجام دهند چهار نفر را کشتند؟ مسعود ده نمکی: نه بازی نبود، آن موقع هم بازی نبوده آن ها براساس تحلیلی به آن نتیجه رسیده اند. شاید اصلاً تحلیل آن ها توطئه بر علیه انقلاب بود، من معتقدم که جریانی که در صدد کوبیدن این جریان است، برایش کف رفتن وزارت اطلاعات مهم بود، نه قاتل و نه مقتول.

● یعنی چه؟ یعنی کسانی که این قتل ها را انجام دادند می خواستند وزارت اطلاعات را بگیرند؟ مسعود ده نمکی: نه، کسانی که الان بحث خشونت را در جامعه مطرح می کنند می خواستند این کار را بکنند. ببینید، پرونده قتل ها تمام شد و رفت. محکوم شد و رفت.

● یعنی چه؟ به همین راحتی تعدادی آدم کشته شدند و چون گروهی آن را محکوم کردند تمام شد و رفت؟

مسعود ده نمکی: بله، باید مجازات شوند، الان دارند همین کار را می کنند.

● خوب، حالا من سؤال می کنم که اگر کسی از قاتل که شما می گوید جایب کتف، دفاع کرد چه جور آدمی است؟

مسعود ده نمکی: گفتم در مورد مسائل ویژه این جریان قتل ها اجازه بدهید چندماه دیگر که نتایج اعلام شد بحث کنیم، از کجا معلوم حسینان چیزی می داند که من و شما نمی دانیم؟ من آدم های اطلاعاتی را من نمی شناسم، حسینان در این کارها بوده می تواند حرف بزند. که نبوده آن نمی توانم اظهار نظر کنم. حسینان دروغ می گوید یاراست می گوید من نمی دانم من موسوی را ندیده ام که ببینم منتسب به جناح این رو است یا آن ور...

● به مورد واقعه کوی دانشگاه چه؟ آن هم توطئه بود؟

مسعود ده نمکی: بازی بود.

● یعنی چه؟ کی بازی کرده؟ تحکیم بازی کرده؟ نیروی انتظامی بازی کرده؟

مسعود ده نمکی: تحکیم بازیچه بوده، نیروی انتظامی هم با آن روش برخورد بازی خورده. این تحلیل من در مورد واقعه کوی دانشگاه است. البته دست های خارجی و این جور چیزها مطرح می شود من با اطلاعاتی که دارم به آنجا نرسیده ام.

● به چه چیزی؟

مسعود ده نمکی: این که دست های خارجی مستقیماً دخالت کرده باشند و یک جریان دانشجویی راه انداخته باشند. من معتقدم براساس تحلیلی که خودم دارم این است که جریان دوم خرداد در حادثه کوی دانشگاه بیشتر از همه شغ می برد.

● نتف داشتن مسأله بعدی است، چه کسی نقش داشته؟

مسعود ده نمکی: خودشان رفتند و بازی کردند؟ ● یعنی چه؟ یعنی خودشان حمله کردند به خوابگاه؟

مسعود ده نمکی: این ها نکات مبهمی است که باید هیأت تحقیق مشخص کند. من یک زمینه این جریان برابم مهم است، زمینه جریان این است که تئوربینی از قبل چنین وقایعی را پیش بینی می کند. یعنی در عرصه رقابت بین جریانات سیاسی داخلی یک تئوری وجود دارد به نام فشار از پایین، چانه زنی از بالا.

● منظور آن آقای حجابیان است ؟

مسعود ده نمکی: بله، آقای حجابیان، حالا این تئوری فشار از پایین، چانه زنی از بالا یعنی چه؟ یعنی این که جنبش دانشجویی، راهبیمایی ها، مطبوعات، افکار عمومی همه اینها را می شود در این قالب آورد. می گوید بر اثر این فشار از پایین و چانه زنی از بالا، باید به حاکمیت فشار آورد و بعد نشست در یک جایی و به توافق رسید. می گوید شما کوتاه بیاید ما هم کوتاه می آییم، اینها معتقدند که یک جایی دیگر که باید این چانه را بزنند از اصول عدول نخواهد کرد و حضرات هم دنبال اصول هستند. می بینند که مشکلشان بر سر اصول است، مشکل برسر سلیقه ها دیگر نیست، آنجا هم وقتی اختلاف بر سر اصول پیش آمد می بینند که انسداد سیاسی پیش می آید. پیش بینی می کنند که بعد از انسداد سیاسی، قیام خوئین یا انفجار در پیش خواهد بود.

● یعنی این افراد به حکومت بعداز قیام خوئین فکر می کنند؟ یا تغییر شما آقای حجابیان می خواهد یک حکومت سراسر یک سر کار بیآورد؟

مسعود ده نمکی: نه

● به چه می خواهد برسد؟

گفت وگو با مسعود ده نمکی در مورد قتل های اخیر و فاجعه کوی دانشگاه

دانشجویان از پشت پرده خبر نداشتند

اشاره

بخش کوتاهی از گفت وگوی سید ابراهیم نبوی با مسعود ده نمکی را روز هجده مرداد خواندید، که در آن ده نمکی درباره خشونت موضع روشنی گرفت. در بخش آخر این گفت وگو، سردبیر نشریه جبهه از مشاهدهاش به عنوان خبرنگار در وقایع کوی دانشگاه و پس از آن می گوید.



بود، نیروی انتظامی به چه دلیل ریختند به کوی دانشگاه این ها که می دانستند چنین توطئه ای ممکن است

مسعود ده نمکی: باید بررسی کرد.

● شما در آنجا بودید، فکر می کنید اصل ماجرا چه بود؟

مسعود ده نمکی: من ساعت ۶/۵ بود که رسیدم به کوی دانشگاه.

● چه جوری خبردار شدید؟

مسعود ده نمکی: بچه ها خبر دادند معمولاً پیام می گذارند بچه ها، از همه جا خبر می دهند. تلفنم هم شبانه روز روشن است من مطلع شدم که کوی دانشگاه باز هم برنامه است و وقتی وارد محوطه شدم نیروی انتظامی داخل کوی دانشگاه بود و اولین نکته ای که جلب توجه کرد این بود که نیروی انتظامی هیچ وقت وارد محوطه دانشگاه نپاید می شد، خیلی برابم سؤال برانگیز بود. این ها نکات ابهامی است که باید تحقیق مشخص کنند. البته می شی شود روی اظهارنظرها حرف زد. این که دانشجویان سه نفر را گروگان گرفتند، بردند و روی آن ها بنزین ریختند و گشتند اگر نیروی انتظامی بیایند این ها را آتش می زنیم. تهدیدشان کردند و آن ها را زدند. ماجرا خیلی پیچیده است.

● چه کسی گروگان گرفت؟ مگر نیروهای انتظامی کجا بودند؟

مسعود ده نمکی: نیروهای انتظامی از ساعت ۱۱ شب تا چهار صبح آنجا بودند و در مقابل کوی با این ها در گیر بودند. ● می گفتند وقتی حمله شد دانشجویها خوابیده بودند؟ مسعود ده نمکی: نه، این جور نیست. می گویم این را هیأت تحقیق باید مشخص کند، من اطلاعی ندارم که بین ساعت ۱۱ تا ۶ صبح آن جا چه گذشته، من هم مثل شما با این و آن حرف زدم و این اطلاعات را جمع کردم. من نمی دانم چی گذشته؟ دانشجویان گروگان گیری از نیروی انتظامی چه بوده، شعارهایی که دادند چه بوده، آنها تحریک کردند، شعارهایی داده اند که نیروی انتظامی وارد آنجا بشود. اینها همه چیزهایی است که من نمی دانم، ولی آن چیزی که من بعد از ساعت ۶/۵ آنجا دیدم این بود که این درگیری با همه در گیرها فرق می کرد. وقتی وارد کوی دانشگاه می شادی. داخل ساختمان دوربین های متعدد کار می کرد و...

● دوربین؟

مسعود ده نمکی: بله، دوربین فیلم برداری و عکاسی، از هرکسی که وارد کوی می شد عکس و فیلم تهیه می شد. من دوربین های متعدد را دیدم. یعنی آمادگی فیللی برای این جریان بوده است و حتی آنان قرار داشت، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است و بی بضای دارد، عضو مجمع روحانیت مبارز هم هست، البته تحلیل های دیگری را هم هست. می گویند آقای خجاریان با چاپ این نامه و احتمالاً دستی که برای جران چاپ این نامه داشته می خواسته مجمع را در این جریان درگیر کند، چون مجمع نسبت به جریان اصول گرا تر است. نامه چاپ می شود و آن طرف قانون تصویب می شود و روزنامه سلام تعطیل می شود، اما تعطیل روزنامه سلام بنا به آن مطالبی که خود شما در روزنامه تان نوشتید و اخباری که در جامعه موجود است این بود که هزینه های دیگر را هم تعطیل توس و جامعه نیست که کسی چیزی بگوید. به قول شما سلام بی سلام، آن ها فکر کردند به عنوان مجمع روحانیون مبارز و موسوی خوئینی ها مگر می شود به همین راحتی سلام را تعطیل کرد. به دنبال این نیروهای اجزای دفتر تحکیم به عنوان گروه فشار، عامل ضربت و جاده صاف کن جریان دوم خرداد وارد عمل شدند و ساعت ۱۰ یا ۱۱ نیمه شب ریختند در خیابان و تظاهرات کردند وزیر کشور هم اسم این حرکت را گذاشت خودجوش، البته روزی که قرار است یکی را بگویم می شود حرکت های غیرقانونی و بدون مجوز و اسمش را می گذاریم خشونت طلبی، اما اگر به نفع خودمان بود اسمش را می گذاریم حرکت خودجوش، یعنی این ها خودجوش آمدند به خیابان و خودجوش شعار دادند و خودجوش سنگ زدند.

● فرض بر این است که این حرکت غیر قانونی

بود، ۳۰۰ نفر بریزند آدم را کتک بزنند شما هم عصبانی می شوید و واکنش نشان می دهید؟

مسعود ده نمکی: من می خواهم عرض کنم که دانشجویان هم این وسط مظلوم واقع شدند.

● کدام دانشجویان؟ همه شان؟

مسعود ده نمکی: همه شان مطّولم واقع شدند چون از مسائل پشت پرده خبر نداشتند.

● مسائل پشت پرده؟

مسعود ده نمکی: مسائل پشت پرده یعنی همین جریان بر خورد. بابا! این همین دولت جمهوری اسلامی اعلام می کند کسی کشته نشده، ولی آن جریانی که احتیاج دارد مثل قتل های اخیر که همیشه باید اخیر باشد و حتی تا پنجاه سال دیگر اخیر خواهد بود، احتیاج دارد از جریان کوی دانشگاه ده همه شان شهید بسازند. مثل اینکه خودشان ده ها کشته بسازند، مگر ساختند؟ ولی این دانشگاه از کجا می داند که ده ها نفر کشته شده اند، صبح روزنامه ها را می خواند. فقط همه آنها که نبودند به بقیه هم می روند به ایشان می شناسند. مثل اینکه راست می گویند، ده ها نفر کشته شدند، باید برویم خونخواهی برادرانمان. آن دستهایی که احتیاج به خشونت دارد و کشته پروری می کند از چنین حادثه ای. ببینید! اصل جریان محکوم است، قتل ها را هر کسی کرده باید پای اعدام آن هم بایستد. ولی دست هایی دیگر جریان دارد که نان این خشوت را بخورد. این مهم است در جامعه، رقابت سیاسی که آغشته شده به خون مقتولین، مثل آن جران جنین سقط شده یا دانشجویان کوی دانشگاه. این مهم است در عرصه رقابت سیاسی مبانی و اصول از دست رفته و اخلاقیات از دست رفته است. در عرصه رقابت های سیاسی انصار حزب الله قربانی فتنه و شانتاژ حضرات هستند. از آن یک جناح خشونت طلب می سازند، چون به این موضوع احتیاج دارند. دانشجویان کتک می خورند، نیروهای انتظامی تحریک می شوند و دخالت می کنند. شعارها به گونه ای طرح می شود و خرج می شود از همه چیز. فقط بخاطر این که امروز احتیاج به این فشارهاست، این تحلیل من این است که وقتی در یک حادثه جنایتی روی می دهد همیشه نگاه کن که چه کسی از این جنایت نفع می برد...

● حالا فرض کنید شما دور از جان یک برادری دارید که اگر کسی شما را بکشد ارت شما می رسد به برادران. این کسی با شما معاوضی بشود و شما را بزند بکشد. باید نتیجه گرفت برادر شما چون از قتل شما نفع می برد برابر تحلیل شما قاتل برادر شماست، آیا می شود چنین نتیجه ای گرفت؟

مسعود ده نمکی: نه، شما نفع اصلی را نگاه کنید. این نفع های جزئی را نگاه نکنید.

● شما یک نکته را در نظر نمی گیرید. وقتی یک نفر، یک نفر دیگر را می کشد طبیعتاً او با برخورد می کنند. مثلاً شما نگاه کنید در وزارت اطلاعات یک عده ای آدم خودسرانه آمدند و چند نفر را کشتند. ضعیف، طبیعی است که در این حالت وزارت اطلاعات تصمیم می شود. وقتی وزیر از زیردستش خبر ندارد، نهایتاً تضعیف می شود. می آیند و می گویند آقای وزیر توجه ویزی هستی که خبر نداشتی؟ با مثلاً در نیروی انتظامی، وقتی از نیروی انتظامی چنین رفتاری درمی آید که خیلی ها از جمله شما می گوید جنایت بوده و فاجعه بوده، نمی شود انتظار داشت نیروی انتظامی تضعیف نشود. یک کار اشتباهی صورت گرفته...

مسعود ده نمکی: کار اشتباه صورت پذیرفته و جواش را هم می دهد، باید بدهد، ولی این وسط مرده خوری سیاسی صورت می گیرد.

● یعنی چه؟

مسعود ده نمکی: یعنی شما عوامل دست دوم خشونت را می بینید ولی عوامل دست اصلی خشونت را نمی بینید. شما آن دانشجویی کتک خورده را می بینید و پلیسی که کتک زده را می بینید ولی آن کسی که دانشجویی را فریب داده که ده ها نفر کشته شده اند...

● مگر دانشجوی بچه است که فریب بخورد؟

مسعود ده نمکی: افکار عمومی مگر چنانچه، افکار عمومی با چه هدایت می شوند؟

● افکار عمومی فکر می کنند، حرف می زنند، تصمیم می گیرند...

مسعود ده نمکی: روش های رقابت های سیاسی در جامعه، یعنی به همین راحتی حاضر نشویم از چیزی خرج کنیم، به همین راحتی حاضر نشویم از منافع ملی و ارزش ها خرج کنیم، یاگیری سیاسی کنیم، به خاطر این که افکار عمومی با روزنامه ما همراه بشوند، از شورش ها و اراذلی که به بانک ها حمله می کردند و مغازه های مردم را آتش می زدند حمایت کنیم و بگویم تظاهرات، لباس شخصی ها رفتند آن ها را زدند.

● چه کسانی این کار را کردند؟

مسعود ده نمکی: مثلاً روزنامه خرداد.

● روزنامه خرداد که از دوشنبه به بعد تیتیر خشونت طلبی نداشت.

مسعود ده نمکی: خشونت طلب یعنی چه؟

● تیتیر نداشت، دعوت به آرایش کرد.

مسعود ده نمکی: من عامل آتش گرفتن مسجد هدایت را روزنامه شما و خرداد می دانم...

● روزنامه نشاط و خرداد؟ چرا؟

مسعود ده نمکی: چرا در داخل روزنامه هاشان آدرس این مساجد را به عنوان پایگاه انصار دادند. آن هم پایگاه بسیجی هایی که شورای امنیت تصویب کرده این ها بیایند با همکاری نیروی انتظامی آشوب های خیابانی را سرکوب کنند. بعد رئیس جمهور مملکت در همدان می گوید من خیلی افتخار می کنم که انقلاب ما به اینجا رسیده که بدون سلاح گرم توانسته شورش ها را سرکوب کند؛ یعنی این بسیجی که قرار شده براساس تصویب شورای امنیت ملی باید با نیروی انتظامی همکاری کند دیگر اسلحه دستش نکیرد، اگر دست آن ها چوب است دست نیروی انتظامی باید باتوم باشد، ولی این ها می آیند همین را محکوم می کنند. یعنی عبدالله نوری نمی داند این ها چه کسانی هستند؟ می داند که هستند و می آید آدرس آن ها را می دهد و می گوید آدرس مسجد آنجاست. بعدازظهر می بیند که وقتی این ها چاپ می شود می ریزند آن جا و مسجد را به آتش می کشند. من می گویم شاید اصلاً تیت آن ها آتش زدن آن مسجد نبود.

● یعنی می گوید اصلاً قصد این ها این نبود که مسجد آتش بزنند؛ قصدشان این بوده که با آن نیروهای که فکر می کنند خشونت طلب هستند، برخورد کنند؟ مسعود ده نمکی: من می گویم خرداد و نشاط جهت دادند به آشوب.

● آیا واقعاً معتقدید که نشاط و خرداد به آشوب جهت دادند؟

مسعود ده نمکی: بله، به خاطر تیرها و به خاطر مطالبشان.

● مگر خود این ها روز دوشنبه و سه شنبه تیرها را آرام نکردند و مردم را دعوت به آرایش نکردند. مسعود ده نمکی: اتفاقاً من می گویم اگر بخوایم منوچهر محمدی را محاکمه کنیم به نظر من یک حیاتی باید بنشیند مطبوعات آن روزها را بررسی کنند. من معتقدم که نباید در این جریان ضعیف کشی بشود.

● ضعیف از نظر شما که هستند؟

مسعود ده نمکی: زوری مصداقاً بحث نکنیم. نرم فقط یک عده خاص را سبب این جریان معرفی کنیم و محرکین آن را فراموش کنیم، آن ها که در حاشیه امنیت قرار دارند، ترمخ هم نزد را نگیریم شتر درد را رها کنیم.

● بسیار خوب من دو سه تا سؤال دارم که تقریباً از این بحث به خارج خارج است. روزنامه های مخالف خودتان را می خوانید؟ به قول معروف روزنامه های جبهه دوم خرداد را.

مسعود ده نمکی: من تقریباً همه روزنامه ها و هفته نامه ها را نگاه می کنم.

● از کدامیک از کسانی که علیه نان می نویسند خوست می آید؟

مسعود ده نمکی: من در جنگ از عدنان خیرالله خوشم می آمد، چون خوب می جنگید، یعنی هر موقع که در خط پایدانی می رفتم و می گفتند عدنان خیرالله آمده برای پاتک زدن، احساس می کردم یک جنگ مردانه در پیش داریم. از او خوشم می آمد.

● شیدم در جنگ جهانی دوم یکی بود که عکس جعلی نفر ژنرال ارتش متیلتر را زده بود به دیوار محل کارش، وقتی پرسیدند چرا این عکس ها را زدی؟ می گفت من به این ها احترام می گذارم، به خاطر این که جنگجویان خوبی هستند. من معتقدم در جریان مقابل ما افرادی هستند که در جنگ فریب خورده می جنگند، سرعت عمل خوبی دارند، خلایق در روش هایشان به خرج می دهند؛ البته در روش هایشان هم که بعضاً حتی غیراخلاقی و غیرارزشی هم هست خلایق تندن. از این افراد یکی که شما هستید که در طنزهایی که می نویسید فکر می کنم مایه قوی و زبان گزنده دارد که باید به همان محکمی هم جوابت را داد که من هم سعی می کنم همین جواب ها را در نشریه به شما بدهم.

● دست شما درد نکند، دیگر چه کسی هست؟ مسعود ده نمکی: حجابیان در نشریه اش خوب عمل می کند. فحش هایی که لای زوروری می دهد که مفصل و کاربردی است و در به کار بودن روش های زورنارایی در نشریه ای تر از بقیه عمل می کند.

● دیگر؟

مسعود ده نمکی: در کاریکاتوریست ها نیک آشتاد کوفتر در طرف مقابل خوب عمل می کند. شما به هر کس طنز می اندازی و متلک می اندازی یا متولی آن باشیم. من فقط در خطوط قرمز احساس می کنم باید جواب شما را بدهم. به خاطر همین هم سعی می کنیم با یک تک شما یک پاتک حداقل داشته باشیم.

● همین مطلب آخر که در مورد من نوشته بودید.

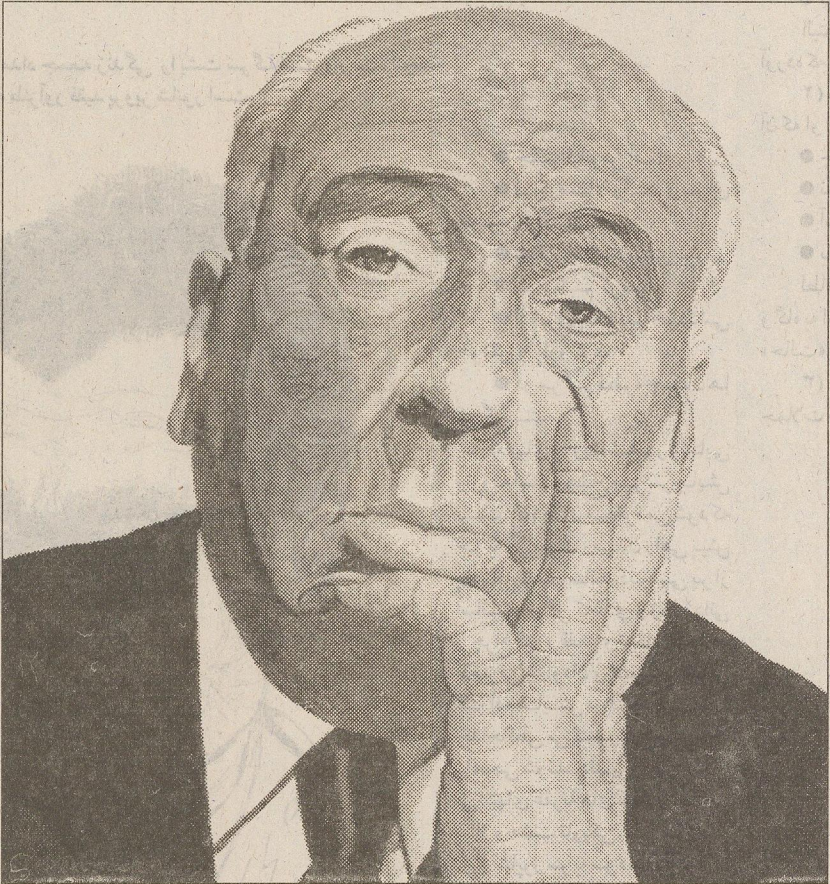
● مطلب بازمه بود، مثل طنز کیهان نبود که آدم به زور هم خنده اش نکیرد. مسعود ده نمکی: ما را به تقابل با کیهان ننداز.

● به روی چشم.

آلفرد هیچکاک

مردی که زیاد می‌دانست

محسن آرم



اشاره

فردا «آلفرد هیچکاک» صد ساله می‌شود.

هیچکاک در سیزدهم آگوست هزار و هشتصد و نود و نه (۲۲ مرداد ماه ۱۲۷۸ شمسی) در حومه لندن متولد شد و بیست و نهم آوریل هزار و نهصد و هشتاد (نهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) در لوس آنجلس درگذشت. مرگ «همیشه استاد» را بسیاری باور نکردند یا نخواستند باور کنند که این مرگ نیز موضوع یک فیلم «دلهره‌آور» نیست، شاید از همین رو است که با چند باره دیدن فیلم‌ها «ترس» را در خود زنده می‌کنند، آنان می‌گویند «مردی که زیاد می‌دانست» خوب می‌داند دیگران را چطور بترساند! در آستانه تولد هیچکاک با نگاهی به جنبه‌هایی از سینمای او تولد او را گرامی می‌داریم کسانی که هیچکاک را دوست دارند از این هدیه شاد می‌شوند.

گروه ادب و هنر

بد است. «روی آرمز» در کتاب فیلم و واقعیت فصلی را به «هیچکاک» اختصاص داده است و می‌گوید: «[در فیلم‌های هیچکاک] حوادث با چنان ضرباهنگی پشت سر هم ظاهر می‌شوند که ابراهای احتمالی قصه پوشیده می‌مانند و ضرباهنگ حوادث آن قدر خاص و «هیچکاک» است که با فیلم‌های گنگستری هم شباهت پیدا نمی‌کند.

«آلفرد هیچکاک» گفته بود من از قصه‌های «آگاتا کریستی» خوشم نمی‌آید. چون معماهای خنک و بی‌مزه‌ای هستند که مخاطب را عمیقاً

روانکاوی

در آثار آلفرد

هیچکاک

کاوه علوی - آرش نیک‌گو

۱- این دو فیلم بر مبنای فرضیه روانکاوی فریاد بنا شده‌اند. روانکاوی (Psychoanalysis) به عنوان شاخه‌ای از روان درمانی (Psychotherapy)، در اواخر قرن ۱۹، توسط زیگموند فروید (۱۸۳۹ – ۱۸۵۶) ابداع شد. فروید در سال ۱۸۸۶ و در ادامه مسیر استادش «شارکو» تلاش کرد تا پیمانار هیستریک را با استفاده از تکنیک هیپنوتیزم درمان کند. او می‌خواست بیمارانش تحت تأثیر این روش خاطرات دردناکی را بازگو کنند که در حالت عادی شعور، آن‌ها را به یاد نمی‌آوردند. فروید معتقد بود بخشی از شعور هوشیار مانع از یادآوری این حوادث می‌گردد، اما با تضعیف آن در خواب می‌توان بر آن غلبه کرد. چندی بعد فروید روش تداعی آزاد را ابداع کرد که طی آن بیمار درحالت هوشیاری افکارش را با صدای بلند بیان می‌کند و به این ترتیب ناگامی‌های گذشته آشکار می‌شود. فروید در سال ۱۹۰۰ با انتشار رساله‌ای به نام «تعبیر خواب» اظهار کرد آن چه در خواب دیده می‌شود، به نحوی با واقعیات زندگی در ارتباط است. در طلسم شده روانکاو است ولی در مارنی ضمن نمایش فیلم به این نکته پی می‌بریم. شاید علت آن این باشد که در مارنی هیچ روانپزشکی وجود ندارد و خود «مارک» این نقش را به عهده می‌گیرد.

۲- در هر دو فیلم بیماران با مسأله‌ای حاد (قابل تطابق با فوبیا) مواجه هستند. در طلسم شده، بیمار مرد در مواجهه با خطوط موازی و رنگ سفید دچار واکنش حاد اضطرابی می‌شود. در این فیلم ۷ پارتموجه این ترس می‌شویم (به ترتیب هنگامی که کنستانس با چنگال خطوط موازی روی میز می‌کشد، هنگام مشاهده لباس کنستانس در کتابخانه، در مواجهه با نرده‌های موازی جلوی باجه بلیط فروشی، هنگام مشاهده ریل قطار، در اتاق خانه آکس، در حمام خانه آکس و هنگام مشاهده برف از پنجره). در مارنی نیز صحنه‌های هراس شامل ۷ سکانس است. ۵ سکانس مشاهده مستقیم رنگ قرمز را در برمی‌گیرد (به ترتیب گل‌های قرمز در خانه مادر، چکیدن لکه جوهر بر لباس مارنی، صحنه رعد و برق در اتاق مارک، لباس قرمز اسب سوار در مسابقه اسبدوانی و جلیقه شکار و ۲ سکانس کاپوس‌های مارنی را به تصویر می‌کشد و سرخ شدن صفحه (فد) به رنگ قرمز) ارتباط آن‌ها را با منشأ ترس به ما نشان می‌دهد.

۳- در هر دو فیلم «عشق» منجی اصلی است. در طلسم شده کنستانس و جان به هم علاقه‌مندند و سرانجام کنستانس او را نجات می‌دهد. در مارنی نیز مارک عاشق مارنی شده است و اصرار او بر کشف معمای همرشش سبب رهایی او می‌شود.

وقوع آن اهمیت دارد و این همان کنار هم نشاندن نظم و بی‌نظمی است. بی‌نظمی چیز مشکلی نیست. منظم بودن و حفظ نظم کار سخت است. این جهان جایی نیست که آدم‌های خوب در آن طاقت بیاورند. فشار ترس و تهدید برای آدم‌های بد قابل تحمل‌تر است.

به‌طور مسلم «آلفرد هیچکاک» تنها کسی نیست که در نوع «دلهره‌آور» فیلم ساخته است. اما فیلم‌های او به راحتی از فیلم‌های دیگران متمایز می‌شود. دلیل این امتیاز آن است که فیلم «دلهره‌آور» برای او فقط یک پازل نیست که با کنار هم چیدن قطعات آن را کامل کند. پس زمینه و فضای پشت واقعه یا به بیانی دیگر مکان وقوع حادثه برای او مهم‌تر است، تماشاگر فیلم «دلهره‌آور» هم دغدغه مکان وقوع حادثه را دارد. حادثه به هر حال اتفاق می‌افتد، چه این دلهره قابل باور باشد و چه نباشد. اما اگر حادثه در جایی اتفاق بیفتد که برای تماشاگر قابل باور نباشد، فیلم پا در هوا است. چیزهایی که «هیچکاک» در فیلم هایش تصویر می‌کند کمتر مرموز هستند. برای او ماجرا یک معمای هوشمندانه نیست. فقط یکی از عواملی است که یک فیلم را به صورت درست پیش می‌برد و صحنه‌ها را کنار هم می‌چیند.

حقیقت این است که نمی‌توانم این متن را بدون «پرنده‌گان» به پایان برسانم. یعنی پر سر و صداترین ساخته «هیچکاک» که به گفته برخی منتقدان اگر جز این فیلم، دیگر چیزی نساخته بود، باز هم یکی از بزرگترین فیلمسازان سینما به شمار می‌آمد. «آلفرد هیچکاک» یا آن‌طور که نوشتم «مردی که زیاد می‌دانست» با نگاهی تازه به قصه‌های کهنه، بهترین فیلم‌ها را ساخت و «پرنده‌گان» هم یکی از آن‌هاست. دانش زیاد «هیچکاک» این اجازه را به او می‌داد که تماشاگر را بترساند؛ ترسی که نه به خاطر حمله پرنده‌گان که به خاطر خفارت و پستی انسان امروز است. بسیاری سینما را با «پرنده‌گان» شناخته‌اند. بسیاری با این فیلم «هیچکاک» را نابغه خوانده‌اند و بسیاری هنوز از آن لذت می‌برند، چیزی که هست این که فیلم بر خلاف نام آن ارتباط کمی با «پرنده‌گان» دارد و بیشتر به آدم‌های می‌پردازد. مثلاً «ملانی» در صحنه‌ای که پرنده‌گان جشن کودکان را بر هم می‌ریزد، حقیقتاً آدم‌های جادو شده را به تماشا می‌گذارد. با جایی که شهر از دیدگاه «پرنده‌گان» به تماشا گذاشته می‌شود. «هیچکاک» در این صحنه‌ها آدم‌ها را از اتاق زیر شیروانی وارد می‌شوند (پرنده‌گان). در جهان بر ساخته «هیچکاک» امکان وقوع جنایت و فاجعه مهم نیست، بل پیشگیری از

آدم‌ها را به زانو در می‌آورد که محل عبور و مرور روزانه است... خانه مسکونی، فروشگاه، اداره، رستوران. کار مهم «هیچکاک» این است که یک موقعیت طبیعی را انتخاب می‌کند و بعد تصمیم می‌گیرد آن را به صورتی ناپهنجار به نمایش درآورد.

خانه مسکونی معمولاً جای

امنی است. اما گاهی پرنده‌گان مزاحم

از اتاق زیر شیروانی وارد می‌شوند

(پرنده‌گان). در جهان بر ساخته

«هیچکاک» امکان وقوع جنایت و

فاجعه مهم نیست، بل پیشگیری از



۴- در هر دو فیلم روش‌های درمانی «فرویدی» نقش کلیدی دارد. طلسم شده با صحنه‌ای از تداعی آزاد فروید آغاز می‌گردد. در مارنی نیز مارک پس از دومین کاپوس مارنی از این روش استفاده می‌کند پی‌برمانی در رنگ قرمز می‌هراسد. باز در هر دو فیلم «هیچکاک» نقش اساسی دارد. با این تفاوت که در طلسم شده تعبیر خواب کلید درمان است و مطابق نظریه فروید، هر شبی در خواب بیانگر حقیقتی در پیداری است (Symbolic representation) اما در مارنی خواب مشخص شده‌اند و وسعت درگیری در زندگی مارنی و آغازگر راه درمانی است که مارک برمی‌گزیند. بازهم در طلسم شده، در نخستین اظهار علاقه مستقیم کنستانس و جان به یکدیگر، با یک شاهکار تصویری، یعنی باز شدن هفت در، مواجه هستیم و بعدتر سخن از بستن درپچه‌های ذهن در مقابل کشف حقایق زندگی توسط دیگران به میان می‌آید (باز هم بنگرید به نظریه‌های فروید).

۵- کلید هر دو معما در کودکی شخصیت مرکزی نهفته است (نظریه دیگری از فروید). در طلسم شده جان تصور می‌کند که در کودکی و هنگام سر خوردن بر سطحی شیدار سبب کشته شدن برادرش شده است و این عقده گناه سبب ترس او از خطوط موازی می‌گردد. در مارنی، کودک توسط مادرش رانده می‌شود تا مادر برای به دست آوردن پول دست به خودفروشی بزند. تهدید کودک در این ماجرا، که در شی طوفانی رخ می‌دهد، منجر به قتل مرد متجاوز می‌شود و آغاز ترس مارنی از رنگ قرمز (به نشانه خون مرد مقتول) و رعد و برق است. همچنین سرکوب میل جنسی در مارنی پس از آن حادثه سبب سودمزداجی او امتناع از عشق می‌گردد. باز در هر دو فیلم از مکانیسم دفاعی سرکوب (repression) استفاده شده است. در طلسم شده جان هویت اصلی خود را فراموش می‌کند تا دیگر قاتل نباشد و در مارنی، دختر دست به زدنی می‌زند تا ترس خود از فقر را فراموش کند و به اسب پناه می‌برد تا در خیال خود آزاد باشد.

اما فراموش نکنیم آثار هیچکاک جهت آموزش روانشناسی ساخته نشده‌اند، بلکه تصویری از آن را به ما نشان می‌دهند. در نتیجه انتقاد صاحب نظران براساس علمی این آثار منطقی است، اما از ارزش آن‌ها نمی‌توان گذشت.

پی‌نوین:

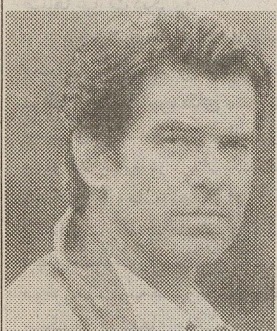
* فریاد ترسناک بارز، مغرط یا بی‌لیل است که با رخداد یک موقعیت یا حضور یک شیئی روی می‌دهد و به صورت پاسخ اضطراری و سریع نمایان می‌شود و فرد نیازمند اجتناب از آن است. در ضمنی نشان می‌افزاید، یادآوری یک فشار (استرس) درجه‌ای مهم از زندگی سبب غلایمی مشابه می‌شود و اختلال استرس حاد و پی از سانحه (Post- traumatic and acute stress disorder) نام دارد.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با پیرس برازنان

همه کارهای من از ایرلند سرچشمه می‌گیرد

ترجمه: فاطمه شعاعی



پیرس برازنان در آخرین فیلم خود، برادرزاده (The Nephew) هم تهیه‌کننده و هم بازیگر بود. این فیلم اولین تجربه او به عنوان تهیه‌کننده نیز بود. برازنان در این گفت‌وگو علاقه‌دیرینه به سرزمین مادری خود، ایرلند را آشکار می‌کند.

«The Nephew» قصه یک جوان نیویورکی است که پس از مرگ مادرش به ایرلند بازمی‌گردد

تا بفهمد چرا مادرش و وطنش را ترک کرده است و برازنان یار او در جست‌وجو است آیا فیلم قصه بازگشت خود او به سرزمین مادری نیست؟ این فیلم در عین حال اعلام ایجاد شرکت Irishland Dreams Time دوران روایی ایرلند است که برازنان مؤسس آن است.

● اولین اجرای شما در نقش کارآگاه رینگتن استیل بود. سپس موفقیت چشمگیرتان در نقش جیمز باند و کار تهیه‌کنندگی... آیا همیشه همان چیزی را که می‌خواهید تهیه می‌کنید؟

-بله این خواسته‌ای از اعماق ذهنم است. آنچه من از این کار آموخته‌ام صبر و شکیبایی است. فقط باید بدانید که زمان مناسب برای این کار چه موقع است. البته زمانی که شرکت ایرلندی «Dream Time» تأسیس شد، به نظر می‌رسید که زمان مناسب فرارسیده است.

● چه نوع فیلم‌هایی را می‌خواهید تهیه کنید؟

-امیدوارم همیشه فیلم‌های خوبی را تهیه کنم؛ فیلم‌هایی که ضرورتاً از یک نوع (ژانر) نباشند. فیلمی که ویژگی و حرارت وجودی داشته باشد، فیلمی که فرد را تکان دهد و زمانی که او از تماشای آن برمی‌گردد، تا مدتی بتواند مضمون آن را با خود حفظ کند.

● آیا به کار کارگردانی علاقه‌مندید همان‌طور که هنرپیشه‌هایی از جمله (جودی فاستر، باربارا استرینسد، روبرت ردفورد...) کارگردانی هم کرده‌اند.

-بله کارگردانی در وجود من است. وجهی در من هست که دوست دارد خود را آشکار سازد. اما باید محتاط باشم. می‌خواهم وقتی در موقعیتی قرار می‌گیرم واقعاً برای ایفای نقش به همان صورتی که باید اجرا شود، دانش و اطلاعات کافی داشته باشم. در غیر این صورت آن را بدون آمادگی اجرا می‌کنم. این وضعیت تاحدی مربوط به اعتماد به نفس داشتن است. پس از تأسیس شرکت ایرلندی «Dream Time» و تهیه یک فیلم، اکنون با اعتماد به نفس بیشتری می‌توانم به تهیه فیلم بعدی بپردازم. ● چرا شرکت جدید خود را به نام Dream Time ایرلندی نام گذاری کرده‌اید؟

-این اسم نمایانگر روح و سرشت ایرلند است که با روح و سرشت استرالیا عجین شده است. هر دو فرهنگ تاحد زیادی به رؤیا و تصوف می‌پردازند. من و همسر مرحوم، کیسی، (که استرالیایی بود) شرکتی به نام «Dream Time» داشتیم. وقتی زمان آن رسید که اوراق مربوط به تأسیس این شرکت را امضا کنیم، من و همسکام به نام بو (Beau) می‌خواستیم تا نام آن را محفوظ نگه داریم. اما وکلای ما گفتند که باید این دو اسم را از هم مجزا کنیم و چون اولین فیلم سینمایی خود را در ایرلند ساخته بودیم فکر کردیم که گذاشتن نام «ایرلندی» مناسب باشد.

● چه رابطه خصوصی میان شما و ایرلند وجود دارد؟

-هرچند زمانی که یک پسرپسرچم بودم ایرلند و برادرم را با این حال همه کارهای من از ایرلندی بودن من سرچشمه می‌گیرد. هرچه بیشتر زندگی می‌کنم احساس وابستگی بیشتری به کشورم دارم.

● چرا فیلم The Nephew برای اولین تجربه تهیه‌کنندگی انتخاب کرده‌اید؟

-بو (Beau) گفت که می‌خواهد به ایرلند برود تا در آنجا فیلم بسازد. من هم همین تصمیم را داشتم. اما فکر نمی‌کردیم این اتفاق ظرف یکسال روی دهد. ما هر دو مکمل هم بودیم و به رؤیای یکدیگر احترام می‌گذاشتیم. خیلی خوب است که انسان با فردی روبه‌رو شود که کشورش را دوست دارد من ایرلندیم و او فرد تازه‌کاری بود و مسئولیت را به چه چیزی باعث شد تا نقش صاحب مشروب فروشی، جو بردی، را بازی کند؟

-خودم خواستم تا در این نقش بازی کنم. درست مثل این بود که از تولید خود حمایت می‌کنید. به عنوان یک تهیه‌کننده تازه‌کار خوشحال بودم از اینکه خودم در فیلم نقش داشتم. هنوز به عنوان برجسته‌ترین هنرپیشه طراز اول هستم.

● سبک ایوچین بردی را که یک کارگردان تازه‌کار است، چگونه توصیف می‌کنید؟

-آزارنده، عصانایی‌کننده و لجبازانه. او فردی متعهد، دارای احساسات شدید و هوش سرشار است. از او به خاطر اولین فیلمش تعریف و تمجید بسیار زیادی کرده‌ام. به خاطر من و بو توانست فرصت این کار را به دست آورد. فکر می‌کنم شهامت زیادی داشت. به این شهامت گاهی نیاز داریم. این کار سخت و توقع برانگیزی است. نمی‌توان از آن دوری و اجتناب کرد. او داستان سرای خوبی است.

● در فیلم «The nephew» با یک گروه ایرلندی بسیار جالب همکاری می‌کنید. کسانی مثل دنال مککن سیند کوساک و هیل هارپر ستاره بسیار معروف هالیوود. آیا می‌توانید کمی درباره کار با آنان برای ما صحبت کنید؟

-به‌طور قطع دنال اولین انتخاب من (در بازی فیلم عموئی) بود. مسلماً او فردی قابل تحسین و تاحدی شناخته شده است. برای من ملحق شدن چنین هنرپیشه و بازیگر خوبی در ساختن اولین فیلم، اهمیت زیادی دارد. دیگر این که فیلم بازی کردن فردی مثل او جادوی محض است. برای سیندهم همینطور بود. او زن بسیار زیبایی است.

هیل - فردی باورنکردنی است. او درست مانند یک فرد بسیار برجسته، روشنفکر، کاملاً باهوش، شاداب و احساساتی ایفای نقش می‌کند. دیدن او در این نقش لرزه بر اندام من می‌اندازد. چندین مرتبه به خودم گفتم: «پسر تو خیلی کم می‌کنی» و پس از اندکی تأمل به خودم می‌گویم «یک لحظه صبر کن برو سنن! تو اصلاً به اندازه کافی کار نمی‌کنی... شور و شوق تو به عنوان یک هنرپیشه تا به کجا کشیده شده است؟» هیل خیلی چیزها را بر من آشکار کرد. من او را همان‌طور شناختم که دونالد و سیندر را شناختم بودم. او فرد تازه‌کاری بود و مسئولیت را به زیردستانش محول می‌کرد.

● چه احساسی دارید وقتی در آن واحد هم هنرپیشه هستید و هم تهیه‌کننده؟

-هردوی آن‌ها مکمل یکدیگر هستند. در تولید فیلم برادرزاده آن قدر نگران بودم که هنرپیشگی را فراموش کردم، چیزی که یک هنرپیشه هیچوقت فراموش نمی‌کند، فکر بازیگری را از سر خود بیرون کردم و کارم را با آرامش و آسودگی انجام می‌دادم.

● پروژه‌های بعدی شما به عنوان تهیه‌کننده و هنرپیشه چیستند؟

-به عنوان تهیه‌کننده / هنرپیشه برداشت جدیدی از فیلم «Kings Grown Affair» / هنرپیشه برداشت نقش «Greyowl» را برای (جغد خاکستری) ریچارد آتئورو ایفا می‌کنم.

● آیا قصد دارید در هر دو زمینه به فعالیت خود ادامه دهید؟

-بله اما در درجه اول من یک بازیگرم. شغل من این است. من با این حرفه امرار معاش می‌کنم. فعلاً تهیه‌کنندگی اهمیت زیادی ندارد. اما می‌تواند مهمتر از این باشد. شور و شوق تهیه‌کنندگی باعث می‌شود افراد دور هم گرد می‌آیند. من همیشه می‌خواهم با آنان کار کنم و داستان‌های جالب بگویم.

منابع: Movie Newsletter

گذاشتن نامی بر کتابی یا مقاله ای درباره پرویز شاپور کار دشواری نیست، فقط کافی است که یک از جملات آن کتاب یا مقاله را بردارید و از آن استفاده کنید تا مشکل حل شود.
فرقی هم نمی کند که کدام جمله را انتخاب کنید؛ همه جمله های شاپور گویا، زیبا و کامل هستند. مثلاً می توان نام «حمام شبنم» را انتخاب کرد، در جمله ای که می گوید: «گل ، حمام شبنم گرفت»، یا مثلاً جمله «هر برگ زرد، پاییز کوچکی است» را می توان استفاده کرد. یا صدها عبارت دیگر را.

پرویز شاپور در میان طنز نویسان ، شاعران و کاریکاتوریست های ایرانی یک استثنا است. او موضوع هایی مخصوص خودش دارد و درباره آن موضوع ها ، با شیوه های متفاوت حرف می زند. کلمه ها را چنان کنار هم معماری می کند که می توان از روی کلمه های یک جمله او چندین طرح متفاوت کشید یا درباره آن یک مقاله مفصل نوشت. جمله هایش گاه پهلوی به شعر می زند، مانند «هایکو ایی ۱ کو چک و دلپذیر و لذتبخش. حرفهایش گاه سیاه است و تلخ، گاه شیرین ، گاه آگاهی بخش و گاه فلسفی. طرح هایش دنیای متفاوت را نشان می دهد. طرح هایی که هر خطش یک امضا است. مواش ها، گربه ها، رخت آویزها، دورباطل گردش های پایان ناپذیر، عینک ها، شنگ های ماهی و حتی رادیکال های مهجور و گرفتار کننده او، هر کدام امضایی است بر نقشی برخاسته از ذهن و و روح شاپور که گاه بر چشم آسان بینندگان مبتذل به دلیل تربیت غلط طنز نویسان معاصر ما سخت می نشیند و مبهم جلوه می کند و گاه مسخره می نماید.

شاپور موجودی است بسیار خسیس! شاید حوصله توضیح دادن را ندارد و شاید هم از زدن حرف اضافه بدش می آید و به همین دلیل است که در کاریکاتورها و کاریکلماتورهایش نهایت، خست را در استفاده از خط و کلمه به خرج می دهد. شاید هم از این روست که او را دوست داریم؛ چون قدر عافیت «اجمال» پرویز شاپور را در روزگار مصیبت «وراج»هایی که حرفی برای گفتن ندارند، می فهمیم. شاید احمد شاملو هم در توصیف نوشته های پرویز شاپور درمانده بود که نام «کاریکلماتور» را بر آن نهد؛ حرف هایی که گاه مانند چند تصویر کوتاه، نمایشی فضایی تازه از موقعیت آدم ها و اشیاء را می نمایند.

سه چهارم دنیای پرویز شاپور را آب گرفته است؛ آبی که ماهی ها در آن گرفتار مانده اند یا آبی که فواره می شود و به آسمان سر می کشد یا آبی که باران می شود و سقوطش را می بارد و بیشتر از همه آبی که اشک می شود و در چشم های پرویز شاپور سرود غم و ناامیدی را فر باد می کند.

پیشنهاد می کنم این کلمات را از جملات پرویز شاپور حذف کنید: «آب، مرگ، زندگی، جسد، گریه، اشک، قفس، زمان، ساعت ، گل، گربه، فواره، رنگین کمان، زنبور، درخت، آینه، خورشید، ماهی، امید، عتکبوت، و …» ببینید دیگر چه می ماند؟ قول می دهم که تمام جمله هایش بی معنی شود!

واقعیت این است که پرویز شاپور دنیایی مخصوص به خود دارد و برای این که حرف بزند و خودش را عرضه کند جمله قصار صادر نمی کند، – البته گاهی هم چنین می کند، ولی این قدر این استثنا محدود است که قاعده را به هم نمی زند – او روایت گر خود است.

جملات پرویز شاپور شخصیت دارد. شخصیتی برخاسته از نویسنده و نشانگر حضور دائمی وی در ارزش شاپور روایت گر صادق و بی پیرایه کلمات و تصاویری است که از جان و روحش بر می آید.

پرویز شاپور واقعیت را جور دیگری می بیند؛ جوری که ما نمی بینیم. شاید به همین دلیل است که دنیایش برای ما این همه عجیب و باور نکردنی است: انگار تا به حال به این نمایشگاه و ارونگی و بی منطقی واقعیت چشم ندخته بودیم، انگار هرگز نمی دانستیم چقدر تنهایی، انگار هیچ وقت نفهمیده بودیم درخت ها و قفس ها و خاک و گربه و آسانسور و عتکبوت چقدر حرف برای گفتن دارند، انگار تا امروز متوجه آویختگی بی پایانمان بر میخ هایی که هیچ نقطه اتکالی ندارند نشده بودیم.

دنیای شاپور دنیایی سیاه و تلخ است. دنیایی پر از تنهایی و قفس. دنیایی که ولادتش نشان از مرگ دارد و هر لحظه زندگی در آن، ما را به مرگ نزدیک تر می کند و همیشه هر کس با تمام مهربانی اش می رود و سلام را از یاد می برد و ما را تنها می گذارد. حتی در آینه های شاپور نیز «تنهایی» موجودیت اصلی را دارد.

- شاپور می گوید: «یک عمر دنبال روزنه امید گشتم.» او دائماً روزنه امیدش را مسخره می کند. می گوید:
- تولد مرگ را به من تحمیل کرد.
- مرگ را از زندگی دارم.
- مرگ مرا به همه چیز امیدوار کرده است.

تمام مردم دنیا به یک زبان سکوت می کنند.

❑ زنبور عسل بازنشسته روی گل قالی می نشیند.

❑ سطل زباله هرگز سیر نمی شود.

❑ مهاجرت فواره چند لحظه بیشتر طول نمی کشد.

❑ فواره به اندازه ارتعاش با قوه جاذبه زمین مبارزه می کند.

❑ ابر تا مرز نابودی گریست.

❑ آدم برفی به قصد خودکشی خودش را پارو کرد.

❑ گل کاغذی

بهار و پاییز سرش

نمی شود.

❑ شب را بدون

چادر سیاه ندیده‌ام.

با صدای پای

مرگ از خواب پریدم!

بی انصافی

است که پرواز را به

خاطر خواندن از

پرند بگیریم.

❑ لحظه خودش

را به پاندول ساعت

حلق آویز کرد.

تعجب

می‌کنم یا این‌که

نباتات قادر به حرکت

نیستند باز در پارک

شهر اطرافشان سیم

خاردار کشیده‌اند.

❑ برای خورشید میسر نیست در دل شب به گردش بپردازد.

❑ شب ستارگان را با من آشنا کرد.

❑ بشار سرود سقوط را زمزمه می کند.

❑ کسی که خودکشی می کند از مردن مأیوس است.

❑ امروز بالای جسد دیروز اشک می ریخت.

❑ مسلم جزو اموال مسروقه محسوب می شود.

❑ در مرگم قطره چکان‌ها می گریستند.

❑ بعضی‌ها مرگ را اقتدر بزرگ می کنند که دیگر جلیلی برای زندگی باقی

نمی ماند.

❑ حاضرم به خاطر یک گل تمام سطح کره را شخم بزنم.

❑ از روی چین و چروک آکاردئون نمی شود درباره سنش قضاوت کرد.

پرویز شاپور؛ دنیای گربه وسنجاق و ماهی و کاریکلماتور

		پرویز شاپور باامداد جمعه زندگی را پشت سر گذاشت و رفت. آنچه می خوانید نگاهی به طنزآور فقید پرویز شاپور است.
		اشاره
		مرگ و زندگی مثل شبانه روز به هم متصل اند.
		نمردن زندگی نامیده می شود.
		سیفون زندگی را کشیدم.
		بعد از فوتم پشیمان شدم که چرا خودکشی نکردم.
		مرگ به فاجعه تولدم خاتمه داد.
		چون حوصله خودکشی ندارم زندگی می کنم.
		او بارها و بارها از مرگ و خودکشی حرف می زند.در دنیای او مرگ یک رهایی است از فاجعه زندگی. حضور «عزرائیل»، جمله های شاپور را رها نمی کند.
		و تنهایی حوصلگی او را به زندگی وامی دارد! شوخی او با «گیوتین»، «اسلحه»، «رگ هایی که زده می شود» و «پرتاب از ساختمان بلند» گاه چنان معمولی و ساده است که اصلاً ما را به وحشت نمی اندازد.کمی که جلوتر می رود گل های پیراهن و گل هایی که برای دیدنشان می ارزد که تمام دنیا را شخم بزنی، ما را به دنیای او امیدوار می کند.
		پرویز شاپور از پیری و بازنشستگی حرف می زند. «هنواییمای بازنشسته»، «باغبان بازنشسته و گل های قالی»، «پرند بازنشسته»، «عتکبوت بازنشسته و آسانسور»، «زنبور عسل بازنشسته و گل های قالی» .. و در تمام این ها، کاریکاتور زندگی را نشان می دهد: وقتی که بازنشسته می شوی و با مشغولیات مصنوعی سرت را گرم می کنی.
		زمان یکی از مسائل بسیار مهم شاپور است؛ ساعتی که تیک تاک می کند و ما را روی عقربه هایش به سوی مرگ می برد. او از نابودی حرف می زند و تمام شدن را به ما نشان می دهد. در دنیای پرویز شاپور دنبال روزنه امید نگردید؛ چون آن قدر این روزنه مسخره و مسخره کرده که حتماً از یافتن آن ناامید خواهید شد!
		پرویز شاپور اگر چه نوید، اما مهربان است. تمام وجودش از قلب ساخته شده و معیار قضاوتش درباره هر چیزی، احساس اوست. آن قدر مهربان است که اگر میله قفس بود، لاغر می شد تا امکان رهایی همگان را به وجود بیاورد و آن قدر مهربان است که در مقابل بهار از چیدن گل ها شرمنده می شود. معیار قضاوت او درباره دیگران قلب آنان است و گاهی نیز ما را از خشونت به مهربانی دعوت می کند.
		پرویز شاپور تنهاست. او برای این که تنها نماند باهمه حرف می زند. به اشیاء نگاه می کند و به آن ها جان می بخشد. باحیوانات صحبت می کند و منظورشان را در می یابد. در دنیای شاپور آسانسورها هم مغرورند، پیر می شوند و بازنشسته حتی ممکن است خودکشی کنند. او رابطه گل آفتابگردان و گل ریخ را می فهمد. برای «گل مژه» هم احترام خاصی قائل است. او در این مورد حرف ها دارد:
		یخچال گل ریخ به سینه اش زده بود.

		چراغ قوه اش را کج می کند.
		حرف هایش گاه به نقش های «سالوادور دالی» می ماند و طرح هایش گاه به «موریس اشتر» نزدیک می شود. گربه هایش گاه چنان سوررئالیستی هستند که سگ آندلسی «بونوتل» و همه این ها در پشت پشانی کوتاه مردی گرفتار است که موهای انبوه و ریش انبوه دارد و کاریکاتور آدمی است که مجبور است کاریکاتور زندگی را ادامه دهد. پرویز شاپور از ذلت گریزان است، حتی به قیمت سکوت.
		می گوید: «برای این که کسی در کارم دخالت نکند مدتی است که اصولاً کاری انجام نمی دهم.»
		او از خود خواهی بدش می آید و برای همین خودخواهی ها را مسخره می کند: فواره های خودخواه، آسانسورهای خودخواه، آدم های خودخواه و ...
		و سال هاست که گریه می کند. اشک یکی از مهم ترین عناصر جملات شاپور است. او «اشک هایش را از چشم هایش بیشتر دوست دارد».
		گاه احساس می کنم که شاپور جز گریه، مهربانی، تنهایی، کاریکلماتور و کاریکاتور چیزی در این دنیا ندارد.
		...

		پرویز شاپور برای بیان حرفهایش از شیوه های مختلفی استفاده می کند. تقریباً یک قالب ثابت در نثر دارد. جمله هایی کوتاه که معمولاً تصویری اند. و در بیشتر موارد خود او حضور دارد؛ با قلبش، ساعتش، کنش هایش و ...
		قالب های زیر در آارش تشخیص داتی است:
		۱) بازی با کلمات: پرویز شاپور با دقت در معانی کلمات، آن ها را به کار می گیرد و با ظرافت آن ها را کنار هم می گذارد. او از معانی گوناگون
		دست خط پرویز شاپور و چند کاریکلماتور او

		درباره پرویز شاپور گفتنی زیاد است. به اندازه ده برابر همه جملاتش باید حرف زد تا بتوان به او نزدیک شد. دنیای او پر از گفتنی های تازه است و البته پر از تکرارها. یکی از انتقادهایی که به کارهای پرویز شاپور وارد است، تکرارهایی است که بارها و بارها در آوازش می توان یافت. مردن در لحظه تولد موضوعی است که ده ها بار در جملاتش آمده است و بالا رفتن درخت از خودش و خودکشی عزرائیل و سرود سقوط باران. اما این ها چیزی را عوض نمی کند. پرویز شاپور فیلسوفی است با جملاتی کوچک و پر معنی، او را دست کم گرفته ایم و مثل پرندۀ ای در قفس محدود ادراک مان محبوس کرده ایم. چه گناه بزرگی!
		- نسل زنبور عسل با رواج گل های کاغذی رو به انقراض است. - خودم را در آینه ملاقات می کنم. - زندگی ام جزیره دور افتاده ای بود که جز خودم ساکنی نداشت. - عمم باران در سقوط سیری می شود. - آسانسور پیر از پلکان بالا می رود. - روحم حوصله تحمل جسمم را ندارد. - اشک هایش را با من در میان گذاشت. - پرواز پرندۀ در قفس می میرد. - زندگی از شمال، جنوب، مغرب و مشرق به مرگ محدود است. - زمان لحظه به لحظه می میرد. - آدم خودخواه یک عمر با دسته گل انتظار خودش را می کشد. - در قعر اقیانوس به دنبال قطره اشک گمشده ام می گردم. - کمر تک درخت زیر بار تنهایی شکست. - با به هم خوردن پلک هایم از خواب می پرم. - برای این که آینه تنها نباشد در مقابلش ایستادم. - پرندۀ محبوس تشنه آسمان است. - ستارگان آن قدر زیر بار ماندن که فراموشان کردم. - وقتی بهار دید با دسته گل انتظارش را می کشم بابت چیدن گل ها سرزنشم کرد. - وصیت کرده ام پس از مرگم از ریه ام زیرسیگاری بسازند. - فاصله بین گریستن و خندیدن را دفاع پر می کند. - قلبم به احترام مهربانی کلاهش را بلند کرد. - تا آخرین قطره باران منتظر رستن گل خواهم بود. - قطره بارانی که دچار مرض خود بزرگ بینی شده بود خودش را اقیانوس می دانست. - میرآب محل به قطره قطره باران امر و نهی می کرد. - چوب کبریت درآلر سوختگی در گذشت.
		بافتد.
		در قفس بازمانده بود، ولی پرندۀ برای این که آخرین دانه را بخورد این شانس را برای همیشه از دست داد.

یک کلمه برای ساختن تصاویر چند معنی استفاده می کند.

- شیر باغ وحش چکه می کرد.
- فواره یک عمر نشست و برخاست می کند.
- در خشکسالی آب از آب تکان نمی خورد.
- برق سایه سیم سایه ام را گرفت.

شاید این مهم ترین شیوه پرویز شاپور است و همین است که دنیای دیوانه وار او را می سازد و او را از دیگران متفاوت می کند. البته، گاه در این گونه چنان به افراط می پردازد که عبارتی بی معنی و صرفاً شکل گرا را به ما ارایه می دهد. عباراتی که دوست داریم در مجموعۀ جملات پرویز شاپور نباشند. این عبارات نقاط ضعف پرویز شاپور هستند:

- چشم اقیانوس آب آورد.
- با هفت تیر آبی خشکسالی را از پا در آوردم.
- نور چراغ قوه ام را کج نمودم.
- البته، بازی شاپور با کلمات در بیشتر موارد قاعده ای دلپذیر را به وجود آورد که میزان استثنائات نه چندان قابل قبول، بسیار محدود است.
- شعر: جملات پرویز شاپور گاه بسیار به شعر نزدیک می شود، بدون آن که او ادعای شاعری داشته باشد:

- چشمت نزدیک ترین ستاره است.
- نگاهم در پشت پلک هایم شب را به صبح رساند.
- آسمان درشت ترین چشمان آبی را دارد.
- با نگاهت قلبم را چراغانی می کنم.

لطفات شعرواره های شاپور چنان است که گاه به اندازه یک غزل، زیبایی و گاه به اندازه شعری بلند تخیل و ابهام را نثار جان آدمی می کند. «تصویر» و «حالت» عمده ترین ویژگی های شعر واژه های شاپور است.

۳) جملات قصار: پرویز شاپور گاه جملات قصار می گوید؛ بی آن که جملات قصارش شعر یا کاریکلماتور باشند. جملات قصاری که می می تواند

		زندان را پیدا نکنند.
		مرگ راه زندگی را مسدود می کند.
		ستارگان زیبایی شان را مدیون بی نظمی شان هستند.
		اسمم را از لیست زندگان، قلم زدم.
		۴) تصویرسازی فیلسوفانه فرا واقعی: گاه، پرویز شاپور با تصاویری فرا واقعی که می سازد به گونه ای نو از طنز می رسد که او را از دیگران متفاوت می کند؛ پرویز شاپور در این موارد نه به انتقاد اجتماعی می پردازد و نه از انسان حرف می زند. او درباره هستی و زندگی حرف می زند و قضاوت می کند. نگاه او در این تصویرسازی ها، اگر چه در قلمرو جزئی اشیاء باتناجیبی عام گرا و فلسفی همراه است، او حتی اگر درباره مسائل جزئی هم حرف بزند، باز در پس کلماتش تلفی فیلسوفانه ای از هستی را نهان کرده است.

در نامه یا مقاله ای استفاده شوند و نمی دانم چرا این جمله ها را به عنوان کاریکلماتور آورده اند:

- زندگی فریادی است که با مرگ خاموش می شود.
- آرزو می کنم برخی افراد همیشه مشغول خوردن باشند تا فرصت حرف زدن را پیدا نکنند.
- مرگ راه زندگی را مسدود می کند.
- ستارگان زیبایی شان را مدیون بی نظمی شان هستند.
- اسمم را از لیست زندگان، قلم زدم.

۴) تصویرسازی فیلسوفانه فرا واقعی: گاه، پرویز شاپور با تصاویری فرا واقعی که می سازد به گونه ای نو از طنز می رسد که او را از دیگران متفاوت می کند؛ پرویز شاپور در این موارد نه به انتقاد اجتماعی می پردازد و نه از انسان حرف می زند. او درباره هستی و زندگی حرف می زند و قضاوت می کند. نگاه او در این تصویرسازی ها، اگر چه در قلمرو جزئی اشیاء باتناجیبی عام گرا و فلسفی همراه است، او حتی اگر درباره مسائل جزئی هم حرف بزند، باز در پس کلماتش تلفی فیلسوفانه ای از هستی را نهان کرده است.

- قلبم پرجمعیت ترین شهر دنیاست.
- وقتی سایه میله های قفس روی سرتون پرند می افتد بیشتر رنج می برد.
- ماهی در آب محبوس است.
- چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح بالاترین رقم تلفات از آن لحظات است.

- خورشید به شب مدیون است.
- بشر در شبانه روزی زندانی است.

پرویز شاپور در این عبارتش درباره «مرگ»، «زندگی»، «جبر»، «آزادی»، «تعادل»، «زمان»، «نابودی» و «خیر و شر» حرف می زند. او بیش از آن که دستورالعملی برای زندگی ارایه بدهد در فکر مرگ است و بیش از آن که قضاوت کند نشان می دهد.

- انتقاد از رفتارها و وضعیت: پرویز شاپور از «خودخواهی»، «رذالت»، «سقوط» و «ابتذال» انتقاد می کند و به «آزادی» و «رهایی» و «مهربانی» فکر می کند. در برخی نوشته هایش این گرایش را می بینیم:
- معمولاً افرادی که فکری ندارند سعی می کنند فکرشان را به آدم تحمیل کنند.
- تکان نخوردن مجسمه آزادی مرا به شک انداخته است که نکند آزاد نباشد.

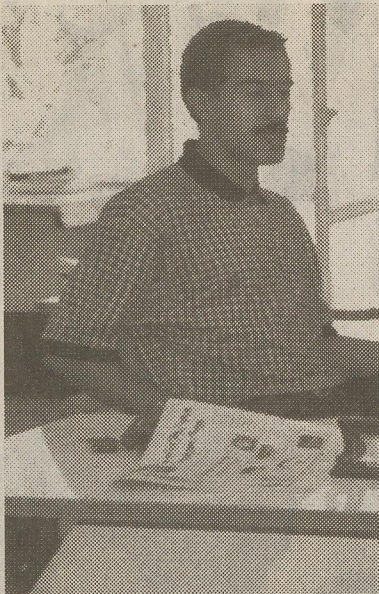
- باعچه را به خاطر معصومیت گاهی اش دوست دارم.
- وقتی به کسی زخم زبان می زنم بلافاصله در صدد پانسماش بر می آیم.
- کارمندان همیشه به «آب باریکه» فکر می کنند، به همین جهت غیرممکن است کارمندی بتواند از رودخانه ای بپرد.

		- به عقیده گیوتین، سرادم زیادی است. - در ایام پیری سایه ام سفید می شود. - به یاد ندارم بابتانیی به من تته زده باشد. - اگر بهار بود، تیر چراغ برق را هم از نعمت رویدن محروم نمی کردم. - برخی از موجودات وقتی از نعمت شنوایی هم محروم می شوند حاضر نیستند پرندۀ نغمه سر را آزاد کنند. - ساعتم برای این که غرورش را اقعناع کند جلیو می رود. - آسانسور مغرور به هیچ وجه حاضر نشد از بالا به پایین بیاید. - قفس پرندۀ کنسرو بی عدالتی است. - داخل روزنه امیدم اشک می ریزم. - کهنه سرایان «کنسرو واژه» استعمال می کنند. - عتکبوت مهربان با تارش برای مگس پولیسور می بافت. - من به پاندول ساعت بیشتر از مجسمه آزادی معتقدم چون حرکت دارد. - تعجب می کنم چطور انبوه غمی که در دل پرندۀ است داخل قفس جای می گیرد. - برخی از سیاستمداران جهان درصدد اصلاح نژاد جغد برآمده اند. - پرندۀ محبوس در دستگاه مخالف می خواند. - افرادی که پوست موز را روی زمین می اندازند با شخص خاصی دشمنی ندارند. - پرندگانی که داخل قفس دست به جفتگیری می زنند به آزادی حوجه هاشان بی علاقه هستند.
----------------------------	--	---

		این که غرورش را اقعناع کند جلیو می رود.
		آسانسور مغرور به هیچ وجه حاضر نشد از بالا به پایین بیاید.
		قفس پرندۀ کنسرو بی عدالتی است.
		داخل روزنه امیدم اشک می ریزم.
		کهنه سرایان «کنسرو واژه» استعمال می کنند.
		عتکبوت مهربان با تارش برای مگس پولیسور می بافت.
		من به پاندول ساعت بیشتر از مجسمه آزادی معتقدم چون حرکت دارد.
		تعجب می کنم چطور انبوه غمی که در دل پرندۀ است داخل قفس جای می گیرد.
		برخی از سیاستمداران جهان درصدد اصلاح نژاد جغد برآمده اند.
		پرندۀ محبوس در دستگاه مخالف می خواند.
		افرادی که پوست موز را روی زمین می اندازند با شخص خاصی دشمنی ندارند.

گیی خودمانی با افشین پیروانی

فقط گفتم حق من بازی کردن بود، همین



● تو با مربیان زیادی کار کردی. در مورد پروین چه نظری داری؟
علی آقا روی رفاقت و دوستی بچه ها و کل تیم خیلی حساس است در عین حال که همیشه روی نظم و انضباط هم تأکید زیادی دارد.
● رفتار پروین با تو چگونه است؟
علی آقا معمولاً در صحبت کردن مرا لحاظ قرار می دهد. یعنی وقتی چیزی را بخواهد به تیم انتقال بدهد اسم من را می برد. می گوید افشین این کار را بکند و در مجموع همیشه می گوید افشین توپ نباید توی گل ما برود!

● ماجرای رفتن تو به خارج چه شد؟
کار من با یکی از تیم های ترکیه ای که متعلق به شهر ازمیر است تقریباً به پایان رسیده بود و باید از آلمان به این کشور می رفتم اما به من گفتند بیا ایران و از این جا برو که متأسفانه همین تأخیر باعث شد که کمی در کار انتقال من اشکال به وجود آید حالا هم منتظر فرصت هستم تا به ترکیه بروم.

● قرارداد تو با پرسپولیس به چه صورت است؟
با این تیم هیچ مشکلی ندارم تا هر زمان که در ایران هستم پرسپولیسی خواهم بود.
● راستی چه طور شد که مدافع پوششی شدی؟

به خاطر برادرم. او من را تشویق کرد یعنی اگر برادرم هافبک بود شاید الان من هم یک هافبک بودم.
● از اینکه با «نشاط» بودی تشکر می کنیم اگر حرفی باقی مانده گوش می کنیم؟
از شما و روزنامه نشاط ممنون هستم. این را هم اضافه کنم که روزنامه شما را همه اقدشار جامعه می توانند ببخوانند چه آنهایی که به سیاست علاقه دارند و چه آنها که به ورزش تعلق خاطر دارند.



باشگاه ناچیز است. حالا که ویه ری را نیز به جمع خود اضافه کرده ایم، توان صعود و پیشرفت بیشتر را داریم و می توانیم به سایر مقام های چشم بدوزیم. یکی از آنها لیگ ایتالیا است.
اما فکر می کنی برای فتح لیگ ایتالیا به چه مواردی نیاز است؟
در درجه اول «تداوم» عاملی که فصل گذشته از آن بی بهره بردیم و باید حتماً شروعی قوی داشته باشیم و از همان آغاز

پیشتر شویم. پیروزی های تازه می تواند بهترین محرکت خوشحالی را در پی داشته باشد. خود من نیز قصد دارم دیر باز دو مقام اولم را در جهان رقابت های جام ملت های آمریکا انجام دادم، قسمتی از این مهم را برآورده باشد و بقیه مأموریت با حضور خوب من در لیگ ایتالیا تحقق خواهد یافت. از سال جاری (میلادی) هنوز ۴ ماه و نیم مانده است باید باز هم قدرت نمایی کنم. به همه اطرافیانم نیز گفته ام که فقط مرا تماشا کنند! فصل جدید ممکن است بهترین فصل عمر من باشد.

پیش نمی آید.
● اگر در همان زمانی که شما جلو کشیدید توپ لو رفت و گل شد چی؟
اتفاقاً من نمی خواستم که خودم را با ماتپوس مقایسه کنم اما براساس تشابه وظیفه گفتم. در فوتبال ما همه فکر می کنند که پوشش فقط کار مدافع پوششی است. اما پوشش فقط مختص دفاع آخر نیست. حق باشماست اگر من فضا را خالی دیدم و جلو رفتم و آن توپ لو رفت مطمئن باشید که ۹۰ درصد آن توپ گل خواهد شد. اما اگر به سازمان دفاعی معتقد باشیم یعنی اگر من جلو رفتم و یک مدافع جای من را پر کرد دیگر از این مشکلات پیش نمی آید.

● فکر می کنی بازیکن کاملی هستی؟
نه ابداً. هر بازیکنی مشکل و نواقصی دارد ولی در پستی که من بازی می کنم باید کلیه خصوصیات و فاکتورهای مثبت در یک بازیکن جمع باشد. یعنی مجبوریم که چنین باشیم.
● آیا الگویی هم برای خودت در نظر گرفته بودی؟
بله. بازی محمد پنجعلی و برادرم غلامحسین پیروانی همیشه مدنظرم بود و هست.

● تا چه زمانی به فوتبال ادامه خواهی داد؟
تا زمانی که روپا باشم تا زمانی که به من احتیاج داشته باشند. الان تازه در مرز پست و نه سالگی هستم فکر می کنم تا چهار یا پنج سال دیگر در میدان باشم.
● آیا برای یک مدافع پوششی سن بیست و نه سالگی یعنی پیری؟
براساس تجربیات و گفته های مربیان و کارشناسان مطرح فوتبال در جهان اوج فوتبال یک مدافع پوششی از ۲۷ سالگی تا ۳۲ سالگی است. یعنی می گویند یک مدافع آخر در این سنین تازه جامی افتد.

● چطور شد که به پرسپولیس آمدی؟
ما در کل خانواده استقلال نداشتیم! هر چند که معمولاً هرکدام از بازیکنان جوان که به یکی از دو تیم مطرح ایران می پیوندند عنوان می کنند که از اول طرفدار این تیم بوده اند اما من حقیقت را می گویم من از ابتدا هم پرسپولیس را دوست داشتم یعنی از بچگی طرفدار تیم قرمز بودم و همانطور که گفتم در میان خانواده دوست نفری ما فقط پنج نفر استقلالی هستند.



از آقا جلال بپرسید

می گفت: یک مهاجم اگر صد اشتباه هم مرتکب شود مشکلی نیست اما اگر یک مدافع به خصوص از نوع پوششی آن اشتباه بکند یعنی فاجعه.
● در مواقعی دیده می شود که دفاع را راه می کنی و به خط حمله می پیوندی عده ای می گویند این یک نقطه ضعف است نظر خودت چیست؟
این بسته به ویژگی های یک بازیکن است. زمانی یک مدافع حالت تدافعی بیشتری دارد و بازیکنی برعکس. در عین حال معتقدم که این ویژگی های فردی نباید باعث شود که یک مدافع پوششی وظیفه اش را فراموش کند. من یک فصل در تیم السد قطر بازی می کردم در آنجا اجازه نفوذ و بازیسازی داشتم به همین دلیل چهار گل هم در لیگ قطر به ثمر رساندم. اما در آنجا براساس نظر مربی، هر وقت جلو می رفتم یک بازیکن جای خالی من را پر می کرد.

شما به لو تارماتئوس نگاه کنید او هم مدافع پوششی است ولی همیشه در خط هافبک یا کناره های زمین دیده می شود و هیچ مشکلی هم در دنبال رفع مشکلات خود می رود. اما اگر به او جواب داده نشود خودبه خود مشکلات جدیدی ایجاد می شود. این یعنی اقدام دو طرفه و متقابل بین مربی و شاگرد.
● در فصلی که پشت سر گذاشتیم تو در چند پست بازی کردی. خودت شخصاً دوست داری در کدام پست بازی کنی؟
پستی که تاکنون در تمام رده های ملی اعم از نوجوانان، جوانان، امید، بزرگسالان و حتی ارتش ما بازی کرده ام یعنی مدافع پوششی. فصل پیش برای اولین بار بود که در نقش یک هافبک دفاعی بازی کردم و امیدوارم آخرین بار هم بوده باشم.

انتشار اسامی جدید بازیکنان تیم ملی مثل همیشه بحث های فراوانی را به دنبال داشت. اما اکثر منتقدان در مورد دعوت نشدن افشین پیروانی مدافع پوششی تیم ملی پرسپولیس یک نظر داشتند: چرا پیروانی دعوت نمی شود؟ آیا مشکل خاصی در راه دوباره ملی پوش شدن پیروانی وجود دارد؟
مربیان تیم ملی در این مورد جواب هایی را به ورزش دوستان ارایه کردند، اما اعتقاد داشته و داریم که باید به پیروانی هم فرصت ابراز نظر داده شود. بنابراین از او دعوت کردیم که مهمان «نشاط» باشد، افشین با وجودی که سعی می کرد وارد حاشیه های فوتبال نشود، صادفانه جواب گوی پرسش های ما شد. با هم گفت و گوی مدافع شیرازی تیم پرسپولیس را می خوانیم.

علیرضا حافظی

● آقای پیروانی اولین سؤال ما سئوالی است که خیلی ها هنوز جواب آن را به طور مشخص از شما یا مربیان شما نشنیده اند. آیا در مسابقات جام جهانی فرانسه ماجرای بین شما و مربیان وقت تیم ملی به وجود آمده بود؟
نه من هیچ بحثی با کسی نداشتم و کوچکترین مشکلی هم به وجود نیاورده بودم. فقط در زمانی که برگشتیم در جواب سئوال هایی که در مورد بازی نکردن من می شود صحبت هایی کردم و گفتم که حق من بوده که بازی کنم. گفتم تا قبل از آغاز جام جهانی، من بازیکن ثابت تیم ملی بودم و حق من بازی کردن بود. به کسی هم بی احترامی نکردم و نخواهم کرد. در مجموع هر گز به خودم اجازه نمی دهم که به مربیان و پیش کسوتان بی احترامی کنم.

● اما از قول تو چیزهایی نوشته بودند؟
بله، می دانم. حرف های زیادی از قول من نوشته شده اما من هر چه گفتم حول و خوش همین موضوع بود که چرا بازی نکردم، من در طول دوران ورزش خود، مربیان زیادی داشتم و همیشه سعی کردم از لحاظ اخلاقی جزء بهترین ها باشم. مطمئن باشید. بروید از سر مربی آن زمان تیم ملی (جلال طالعی) بپرسید. اجازه بدهید به شما بگویم که شاید فوتبالبست خوبی نباشم. ولی همیشه سعی کرده ام از لحاظ اخلاقی در رده های بالایی باشم. من با هیچ کدام از مربیان تیم هایی که در آن بودم مشکل خاصی نداشتم خوشحالم که در این مدت هم من از مربیان راضی بودم و هم آنان از من.

● به اعتقاد شما بازیکن خوب باید با فشار مضبوطات یا مردم به تیم ملی ملحق شود یا با رضایت مربیان تیم ملی؟
ببینید! معمولاً انتخاب اعضای تیم ملی با سلیقه خاص مربی آن تیم انجام می شود. که در این جا نوع سلیقه سر مربی تیم ملی ملاک اصلی است. در مجموع فکر می کنم که باید بهترین ها به عضویت تیم ملی در آیند. این درست که سرمربی تیم در بعضی از پست ها به دنبال بازیکنی می گردد که نیاز تیمش را برآورده کند. مثلاً یک مربی به بازی هوایی اعتقاد دارد و معمولاً مهاجمان تیم را از میان بازیکنان سرن

از من.

● به اعتقاد شما بازیکن خوب باید با فشار مضبوطات یا مردم به تیم ملی ملحق شود یا با رضایت مربیان تیم ملی؟
ببینید! معمولاً انتخاب اعضای تیم ملی با سلیقه خاص مربی آن تیم انجام می شود. که در این جا نوع سلیقه سر مربی تیم ملی ملاک اصلی است. در مجموع فکر می کنم که باید بهترین ها به عضویت تیم ملی در آیند. این درست که سرمربی تیم در بعضی از پست ها به دنبال بازیکنی می گردد که نیاز تیمش را برآورده کند. مثلاً یک مربی به بازی هوایی اعتقاد دارد و معمولاً مهاجمان تیم را از میان بازیکنان سرن

«رونالدو» از مشکلات گذشته، پیروزی های تازه و امیدهایش برای آینده می گوید

چوب شهرتم را می خورم

اشاره

فصل جدید رقابت های لیگ فوتبال ایتالیا (کالچیو) از یکشنبه شب ۷ شهریور به راه می افتد و یکی از بازیکنانی که سخت منتظر آن است، رونالدو معروف و برزیلی است، وی از سه شنبه این هفته به تمرینات گروهی تیمش انترمیلان پیوست تا آمادگی اش را برای فصل تازه بیشتر سازد. پس از فتح مجدد جام ملت های آمریکا (کوپا اته ریکا) در خاک پاراگوئه که رونالدو در راه تحقق آن با زدن ۵ گل مقام آقای گلی را به طور مشترک با هموطن مشهورش ریوالدو به دست آورد، وی برای استراحت و بدر کردن خستگی دو هفته به برزیل بازگشت و آن جا با اقامش دیدار کرد. امروز او دوباره در اروپا است. همین یک سال پیش و در نقطه ای دیگر از این قاره (فرانسه)



هم به شدت به من اعتراض کرده بودند. بنابراین بازگشت به تیم ملی و با مربی تیم صحبت کردن و روحیه ای که او به من بخشید، به من کار آمد و موجب تقویت من شد و این همان چیزی بود که به آن نیاز داشتم.

و ظاهرأ بر اثر همین روحیه خوش بود که در آن مسابقه (با یارسلون) یک گل زدید و سپس در خاک پاراگوئه و در جریان رقابت های کوپا آمریکا هم بابیه پای هموطن تان ریوالدو ۵ گل به ثمر رساندید و آقای گل مشترک جام شدید.

اما غیبت شما و تنی چند از سایر نفرات دوباره در سطح ملی بسیار شادم و می توانم بگویم که این از بهترین ایام زندگی من است. این موفقیت ها به واقع اعلام صلاحیت و آمادگی مجدد من در سطح ملی بود در این یک ماه و حتی پس از شکست برزیل در فینال جام کنفدراسیون ها به آن بسیار اندیشیده ام و احساس رضایت کرده ام.

اعزای به کوپا آته ریکا، تیم حاضر در جام کنفدراسیون ها را به وضوح تضعیف کرد. چاره ای نبود و می بایست استراحت می کردم. آخر تا شروع فصل جدید لیگ

ضعف ها و عدم ثبات ما باعث حذف مان در یک چهارم نهایی جام قهرمانی باشگاه های اروپا و اکتفای ما به رتبه هشتم لیگ شد و این چیزی است که در فصل تازه باید آن را تغییر دهیم و به واقع از نقطه صفر و از نو شروع کنیم و انجام این کار فقط به عهده ما بازیکنان تیم و مسئولیت مستقیم خود ما است.

پس مارچولوپیی (مربی جدید انترمیلان) چه؟ آیا او او هم نظر هستید و مذاکرات لازم را داشته اید؟
الان دو سه ماهی است که داریم با او کار می کنیم و به عقاید هم آشنا می شویم. البته الان نمی توان قضاوت کرد که مسئله به چه شکلی درمی آید و باید صبر کرد و دید اما مهم این است که وی استراتژی و طرح دارد و می داند که چه می کند و می توان روی آن حساب کرد. به واقع هم باید او را به خاطر دستاوردهایش در یوونتوس مورد تجلیل قرار داد. البته به عنت تجربه و نشاط است و می داند که جهان فوتبال از او چه می خواهد. در مصاحبه پیش رو، او به مشکلات مسافرتی، مسائل متفاوت، پیروزی های تازه و امیدهایش برای فصل تازه اشاره می کند.

نظرتان راجع به واندرلوی لوکزامبورگو (سر مربی تیم ملی برزیل) چیست؟ آیا روش های کار او را می پسندید؟
بله. و بسیار دلم می خواهد همان طور بازی کنم که او می خواهد. روش های کار او مدرن و ادغامی از سیستم های سنتی فوتبال برزیل و نحوه کار اروپایی ها است. با این حساب حتماً با لوکزامبورگو به

خوبی کنار می آید؟
بر تو باجو هم درست پشت سر ما مستقر شده بود. مایلم که همیشه این روال برقرار باشند و باجو به عنوان حامی و

روش های کار «لوکزامبورگو» مدرن و ادغامی از سیستم سنتی برزیل و نحوه کار اروپایی ها است

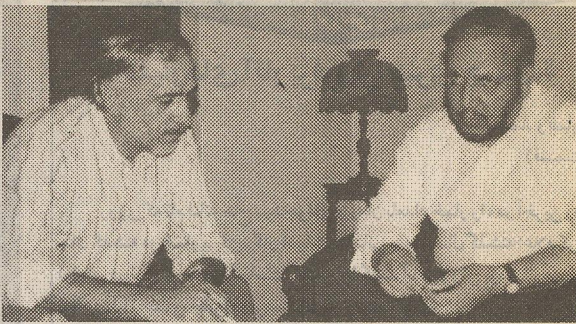
اگر رونالدو نبودم، کسی

با من کاری نداشت و بسیار زودتر خوب می شدم

منطقی شمرده.

من خودم درخواست کاپیتانی ندام، اما وقتی به این عنوان منصوب شدم بسیار لذت بردم. ضمن این که این وظیفه را حس می کردم که چنین مسئولیتی را عهده دار شوم در آن زمان لوچیانو کاسته لینی مربی موقتی ما بود و غیرقابل باور است که او در چنین

موردی (اهدای کاپیتانی انترمیلان به رونالدو) با ماسیمو موراتی (رئیس باشگاه) مشورت نکرده باشد. به هر حال این گونه اتفاقات همواره عکس العمل های منفی را نیز موجب می شود.



باتوجه به درگیری‌های اخیر و ادعاهای طالبان، وضعیت افغانستان چگونه است و نیروهای طرفدار دولت ربانی در چه شرایطی هستند؟ - مشکل افغانستان از گذشته تاحال، مداخله خارجی بوده است. به طوری که در طی ۲۰ سال اخیر، مشکل اساسی ما مداخلات بیگانه بود. هنوز از مشکل دخالت اتحاد شوروی سابق خلاص نشده بودیم، که همسایه جنوبی ما به دلیل جشمداشتی که به خاک ما داشت دست به مداخلات بی جازد و بعد از پیروزی مجاهدان تا امروز مداخلات آشکار و پنهان دولت پاکستان، در افغانستان ملموس بوده است. این اواخر با برنامه ریزی‌هایی که کرده بودند، خصوصاً پس از اجلاس ۶+۲ تا شکند، طالبان نشان دادند که حاضر به مذاکره نیستند و تن به هیچ تعهدی ندادند. از نظر روانی هم تبلیغات وسیعی درباره تهاجم تانستانی به راه انداخته بودند تا در مردم و نیروهای مدافع ایجاد ترس و وحشت بکنند. آنان می گفتند با این عملیات کار را یک سره می کنند و حکومت دلخواه خود را در افغانستان برقرار خواهند کرد. قبل از تهاجم زمینی، طالبان با کمک مستقیم پاکستان اقدام به بمباران و گلوله باران مناطق موردنظر کردند. در تهاجم‌های اخیر بسیاری از پرواز هواپیماهای جنگی از پیشاور پاکستان صورت گرفت. سپس با جمع آوری تمامی نیرووها و میلیشیا‌های خود، حمله خود را آغاز کنند که ابتدا توانستند در صفوف نیروهای جبهه متحد و دولت رخنه کردند و در این شرایط نیروهای دولتی برای جلوگیری از تلفات مردم غیرنظامی و نیروهای خودی دست به یک عقب نشینی تاکتیکی به داخل دره پنجشیر زد. پس از تخلیه مردم غیرنظامی، نیروهای دولت بایک

خیرخواه : خواسته‌ ما آزادی و زندگی در صلح است. ما می‌خواهیم کشوری آزاد داشته باشیم که در آن مطبوعات، عقاید و آرا و زنها آزاد باشند و حق تحصیل داشته باشند باید زمینه را برای فراهم آوردن جامعه‌ای مدنی مهیا سازیم

ملیت‌های دیگر به نفع طالبان جنگ می کنند. اگر طالبان قادر به تصرف تمامی افغانستان شود، آیا آرامش و صلح به این کشور بازخواهد گشت؟

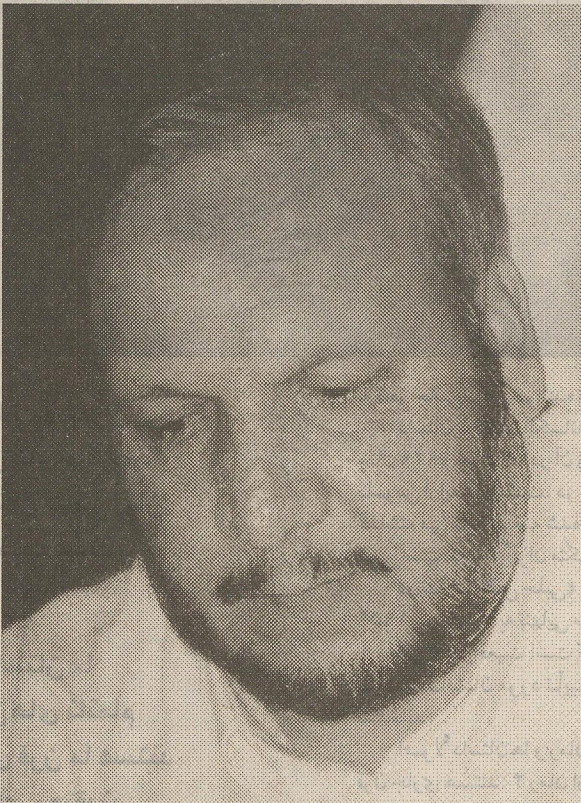
- طالبان به هیچ وجه نادر به تسلط کامل بر افغانستان نیستند و نمی‌توانند حکومت دلخواه خود را می‌شدند. البته به جز پاکستانی‌ها

وضعیت فومی و فرهنگی به گونه‌ای است که اجازه نمی دهد یک گروه با رویکرد خاص بر تمامی آنان حکومت کند. اصولاً این فکر غلط است که طالبان می‌تواند صلح را به

گفت‌وگوی اختصاصی نشاط با سفیر افغانستان در تهران

دخالت پاکستانمشکل اصلی افغانستان است

گفت وگو از: حسن فتحی



اشاره

طالبان طی هفته‌های قبل اعلام کرده بود که درصدد حمله تابستانی علیه نیروهای ائتلاف شمال است. در همین رابطه نیروهای طالبان تهاجمی را در اطراف دره پنجشیر و مرزهای مشترک افغانستان با تاجیکستان آغاز کردند که با موفقیت همراه بود. ولی قبل از این که موفق به تثبیت اوضاع شوند، با ضدحمله نیروهای احمدشاه مسعود و اتحاد شمال به عقب رانده شدند.

در رابطه با وضعیت افغانستان پس از درگیری‌های اخیر و شرایط این کشور گفت وگویی با سیدمحمد خیرخواه سفیر افغانستان در تهران انجام داده‌ایم.

خیرخواه که در رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آنکارا تحصیل کرده است. از سال ۱۳۷۲ به عنوان نماینده فوق العاده و سفیر افغانستان در تهران فعالیت می کند. نشاط: از تلاش‌های نبی خلیلی در این رابطه نیز تشکر می کنیم.

افغانستان مثل باغی است که باید باغی‌ها را از آن چند بوته گل وجود دارد. هر گل بویی دارد. ولی مجموعه این گل‌ها یک بوستان را می‌سازد. قومیت‌های افغان هم چنین هستند و همه مردم افغانستان باید در نظر گرفت؟

زندگی و حیات دارند. لذا مشکل افغانستان زمانی حل خواهد شد که به تمامی اقوامی که در این کشور زندگی می کنند، حق بدسیم که در تعیین سرنوشت و آینده خود نقش داشته باشند. افغانستان مثل باغی است که در آن چند بوته گل وجود دارد. هر گل بویی دارد. ولی مجموعه این گل‌ها یک بوستان را می‌سازد. قومیت‌های افغان هم چنین هستند و همه مردم افغانستان برادر هستند. آیا از طریق اجلاس ۶+۲ و تلاش‌های سازمان ملل می‌توان دولت فراگیری در افغانستان روی کار آورد؟

ما باید فشارهای لازم سیاسی را به طالبان و حامیان آنان وارد کنیم. این اقدامات باید از طریق مجامع و سازمان‌های مختلف صورت بگیرد. از سوی دیگر دفاع ما باید حرکتی برای جلوگیری از جنگ باشد. ما باید دفاع کنیم تا طالبان صلح و آشتی را قبول بکنند. فشار سیاسی و نظامی باید توأمآ صورت بگیرد. اگر مجامع بین‌المللی واقعاً به پاکستان فشار وارد بیاورند، جنگ در افغانستان پایان می‌گیرد. زیرا طالبان از خود اراده‌ای ندارند و تابع پاکستان هستند. مشکل افغانستان از طریق جنگ حل نمی‌شود بلکه از طریق گفت وگو قابل حل است.

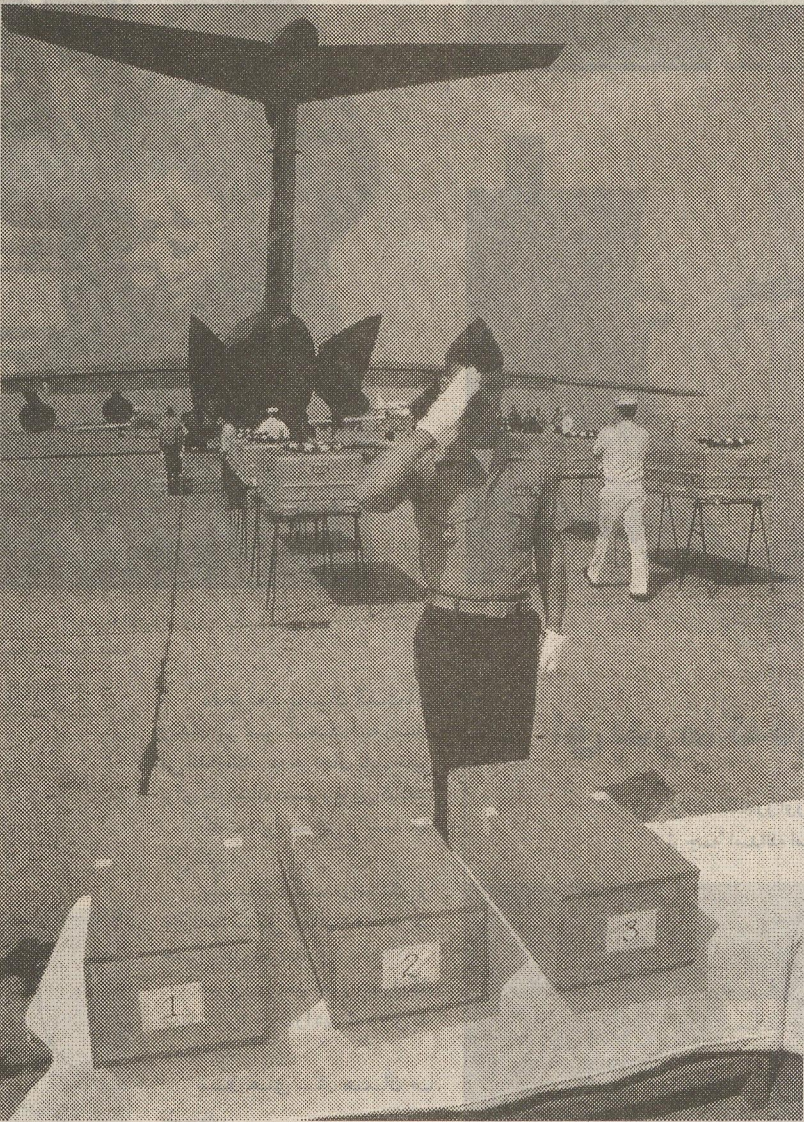
دارد؟ و با می‌توان نقشی برای او در آینده در نظر گرفت؟

- در قضیه افغانستان این حق را برای همه مردم قابل هستیم که اگر می‌توانند قدمی در راه صلح بردارند دست بکار شوند. ظاهر شاه هم به عنوان یکی از اتباع افغانستان می‌تواند و حق دارد وارد صحنه شود ولی این که او چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد بستگی به شرایط دارد.

ولی در حال حاضر باتوجه به سن او پادشاه سابق را در شرایطی نمی‌بینم که بتواند مؤثر باشد. البته ممکن است تأثیرات اندکی داشته باشد و با طرفداری از صلح گام‌هایی بردارد. وضعیت گروه‌های تشکیل دهنده دولت چگونه است؟ آیا اختلافی بین آنها وجود دارد؟ - فعلاً وضعیت مطلوب است و اختلافی بین گروه‌های تشکیل دهنده دولت وجود ندارد. اما اختلافی بین آنها وجود دارد؟ - فعلاً وضعیت مطلوب است و اختلافی بین گروه‌های تشکیل دهنده دولت وجود ندارد. لذا باید پیروزی‌هایی هم که بدست آمده

ریشه تنش‌های دیرینه خاور دور

حسام‌الدین امامی



اجساد نیروهای آمریکایی در ویتنام

در سال ۱۹۹۵ واشنگتن با دعوت «لی» رئیس‌جمهوری تایوان به آمریکا که درواقع نوعی شناسایی «دوفاکتو» جدایی تایوان بود، خشم چین را دامن زد و چین با پرتاب صدها موشک به آب‌های تایوان، سیاستی را ادامه داد که به «بازی جنگ» یا «تقریر جنگ» معروف شد و تا نیمه سال ۱۹۹۶ ادامه یافت. و این بار اظهارات صریح «لی» رئیس‌جمهوری تایوان، در مصاحبه با رادیو آلمان بود، که مرحله جدیدی از تشنج را در خاور دور دامن زد. وی در سخنان خود عبارات «دولت در برابر دولت» را در روابط بعدی خود با پکن به کاربرد و روز بعد معاون وی همچنین مفهومی را در عبارت دیگری بر زبان آورد.

چین بلافاصله عکس‌العمل نشان داد و با ترتیب مافوق نظامی وسیعی در منطقه «کوانگ‌زو» در جنوب چین، آخرین و پیشرفته‌ترین فن‌آوری‌های نظامی - تسلیحاتی خود را به نمایش گذاشت. به علاوه در کنفرانس اخیر کشورهای «آسه‌آن» (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) در سنگاپور بود که وزیر خارجه چین به «الکترایت» وزیر خارجه آمریکا اخطار کرد که در مسائل بین چین و تایوان از هر نوع مداخله‌ای اجتناب کند. وی افزود که «تایوان» یک ایالت یاغی چین

هنوز خاکستر آتش جنگ جهانی گرم

بود که تنش‌های سیاسی - نظامی خاور دور آغاز گشت. آمریکا که به دنبال شکست و تسلیم ژاپن، جنوب شبه جزیره کره را اشغال کرده و «مک‌آرتور» سردار جنگ‌های خاور دور را حاکم بلامنازع ژاپن کرده بود، «جورج مارشال» را هم به عنوان ناظر کل کمک‌های تسلیحاتی - مالی خویش به حمایت چیانگ‌ایکشک فرستاد که در برابر جنبش توده‌ای چین رو به زوال بود.

۱۹۴۸ به جزیره فورمز در آن سوی تنگه تایوان فرار کرد و آمریکا با اعزام سلاح و سپاه و استقرار ناوگان ششم خویش در آب‌های ژاپن همچنان حمایت خود را از چنان حکومتی ادامه داد. با وجودی که چین با بیش از یک میلیارد جمعیت از سال ۱۹۴۹ و آغاز حکومت «مائو تسه تونگ» از جانب بیشتر کشورهای عالم به رسمیت شناخته شده بود، باز هم آمریکا تا سال ۱۹۷۵ مانع عضویت پکن در سازمان ملل شده و تایوان (فورمز) ۲۰ میلیونی را همچنان نماینده واقعی سرزمین اصلی چین معرفی می‌کرد. پس از ناکامی‌هایی سیاسی که در مورد این لجاجت سیاسی دامنگیر واشنگتن شده بود، سیاست خارجی آمریکا همان‌الگویی را درباره چین به کار بست که پس از جنگ اول جهانی و استقرار حکومت شوراهای در روسیه از جانب اروپای غربی ابتکار شده بود - محاصره و محدود کردن! انگلیس و فرانسه که فاتحان جنگ اول جهانی بودند پس از سال ۱۹۱۷ و پیروزی بلشویک‌ها، ابتدا کوشیدند تا با مسلح کردن عوامل خویش در داخل آن سرزمین حکومت نوپای شوروی را از درون متلاشی سازند اما پس از ناکامی قطعی، بر نامه «محاصره» را در پیش گرفتند و از لهستان گرفته تا یونان و ترکیه و ایران (زمان رضاخان) و افغانستان حکومت‌هایی را میدان دادند که می‌توانستند عضوی از این حلقه زنجیر محاصره باشند.

در مورد چین هم پس از پیروزی کمونیست‌ها، آمریکا همین کار را کرد. پس از آن که کمک‌های نظامی بی‌کران آمریکا به علت فساد داخلی حکومت کومین‌تانگ چیانگ‌ایکشک نتوانست چین را از درون متلاشی کند، حلقه زنجیری از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، تایلند، مالزی، سنگاپور و غیره را در اطراف آن کشور پدید آوردند. بدین ترتیب دور تسلسل، طبق تنش و تشنج، جنگ گرم و جنگ سردتبلیغاتی از آن تاریخ تاکنون فضای خاور دور و روابط کشورهای همجوار چین را با آن سرزمین کم و بیش متشنج ساخته است.

مشکل اصلی

در این میان کره شمالی و ویتنام و کامبوج و لائوس با جنگ‌های خونینی قسمت‌هایی از این حلقه زنجیر را گسستند و به همین دلیل در کنار چین تاکنون آماج جنگ تبلیغاتی و روانی و اتهام بوده‌اند. آخرین پرده از این ماجرا، با یک سلسله مذاکرات طولانی و خسته‌کننده میان آمریکا - چین - دو پاره کره آغاز شد که از دسامبر ۱۹۹۷ با تشکیل اولین اجلاسبه آن در شهر «ژنو» جنبه رسمانه‌ای به خود گرفته است.

خواسته کره در مرحله اول بیرون رفتن ۳۷ هزار سرباز آمریکایی در خاک کره است که از زمان جنگ دوم تاکنون با حمایت یا دیکتاتورهای نظامی جنوب مانع توحید و وحدت دو پاره کره شده‌اند. سپس قرارداد صلحی است که تا امروز صورت عمل به خود نگرفته است آمریکایی‌ها کوشیده‌اند تا با وعده کمک به کره شمالی - کشوری که چند سال با خشکسالی روبه‌رو بوده، به هر ترتیبی است «پیونگ‌یانگ» را از تکامل تنش‌های دور برد خود منصرف سازند ولی کره شمالی می‌گوید تا روزی که تنش میان دو کره و پادگان نظامی آمریکا در جنوب وجود دارد، برای دفاع از خود و پیشگیری از یک جنگ احتمالی دیگر، چنین برنامه‌ای را زمین نخواهد گذاشت.

ولی مشکل اصلی آمریکا در خاوردور «تایوان» است. از روزی که در سال ۱۹۴۸ چیانگ‌ایکشک به آن جزیره گریخته، سرمایه‌گذاری‌های وسیع آمریکا در این جزیره یکی از جاذبه‌های اصلی آن برای حفظ آن جزیره در حلقه زنجیر «محاصره» چین بوده است. آمریکا خود خالق تایوان و بقایای حکومت «کومین‌تانگ» در این جزیره بوده و اکنون که چندسالی است، روابط سیاسی - اقتصادی واشنگتن - پکن رو

است که سرانجام باید به این کشور ملحق شود و مردم چین هر نوع تلاشی را برای جلوگیری از این هدف بی‌پاسخ نخواهند گذاشت. «جیانگ زمین» رئیس‌جمهوری چین هم طی گفت‌وگویی تلفنی با کلینتون گفته است که چین «توسل به زور» را از نظر دور نمی‌دارد!

به دنبال فعل و انفعالات مزبور بود که رئیس‌جمهوری آمریکا «ریچارد بوش» را به «تابیه» و «راس» معاون وزارت خارجه را برای رفع هر نوع سوءتفاهمی به «پکن» ارائه کرد.

آنچه که در شرایط فعلی اوضاع را پیچیده تر کرده سردی بی سابقه روابط چین - آمریکااست که به دنبال بمباران ۷ ماه مه سفارت چین در بلگراد پدید آمده و طی آن ۲ دیپلمات کشته و ۲۷ دیگر زخمی و قسمتی از سفارت منهدم گردیده است.

از سوی دیگر با شروع مرحله جدید تنش، آمریکا معادل ۵۵۰ میلیون دلارو اسلحه به تایوان داد. پکن متقابلاً اعلام داشت که تا روزی که تایوان «مفهوم» اظهارات «لی» را در مورد مسأله «دولت با دولت» روشن نکند، از اعزام هیأت نمایندگی چین به جلسه مذاکرات با تایوان خودداری خواهد کرد. از مدتها پیش قرار بود که هیأتی برای این منظور عازم «تابیه» شده و مذاکراتی را برای نزدیکتر کردن نظرات دو کشور آغاز نماید.

توس و تردید

سوآلی که برای کارشناسان سیاسی مطرح است این است که به چه دلیلی «لی» رئیس‌جمهوری جزیره تایوان پس از سال‌ها که تفاهم نوشته‌ای میان طرفین در مورد وضع سیاسی تایوان در برابر چین وجود داشت نگاهبان به اظهار چنان جمله تحریک‌آمیزی مبادرت ورزیده که مطمئن است پکن در مورد آن حساسیت خاصی دارد؟

پاره‌ای معتقدند که اظهارات وی بیشتر به مسائل داخلی خصوصاً انتخابات آینده نزدیک آن جزیره ارتباط دارد. «لی» در انتخابات قبلی حزب «کومین‌تانگ» در ۱۹۹۵ هم دست به چنین شگردی زده بود که خشم چینیان را برانگیخت و به موشک باران آب‌های تایوان و استقرار دو ناو هواپیمابر آمریکایی در مجاورت جزیره منتهی گردید. از اینرو به احتمال زیاد هدف او به تأخیر افکندن انتخابات مزبور با ایجاد بحران تازه‌ای در خاور دور است.

جانشین و نامزد شخصی وی برای احراز مقام ریاست جمهوری جزیره معاون وی «لی ین چان» است. که فاقد جاذبه سیاسی بوده و طبعاً بر رأی دهندگان تایوانی نفوذی نخواهد داشت.

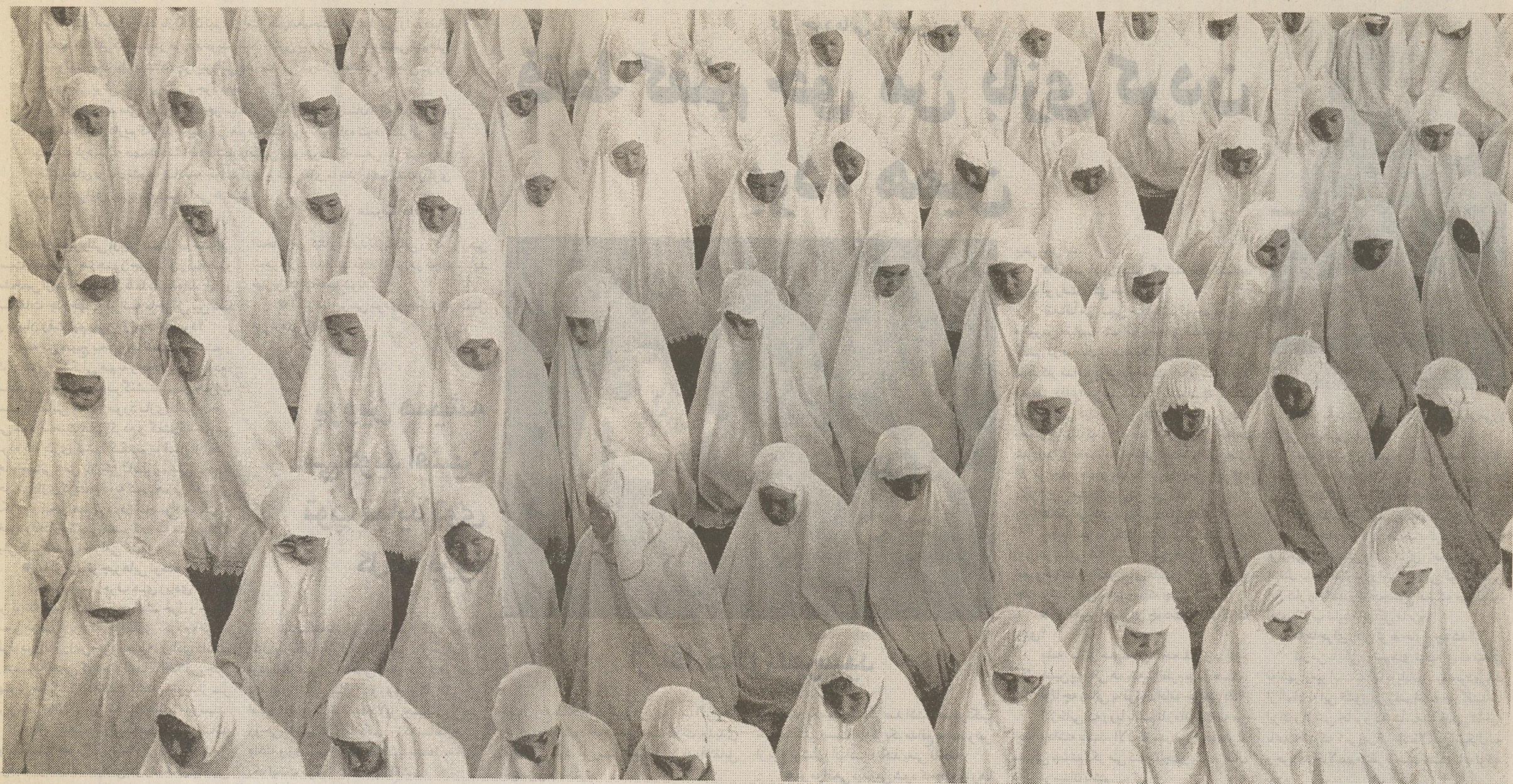
تنها رقیب قدرتمند او که از همان حزب «کومین‌تانگ» است، «جیمز سو نگ» نام دارد که تمایلاتی به سوی چین و وحدت نهایی دارد.

دلیل دوم اقدام او، به هم زدن سفر «وانگ دوهان» از انجمن روابط دو طرف تنگه تایوان است که قرار بود در ماه آبان برای مذاکراتی اساسی درباره «وحدت» عازم «تابیه» شود. وی عالی‌مقام‌ترین سیاستمدار چینی است که تا امروز ممکن است به «تابیه» سفر کند.

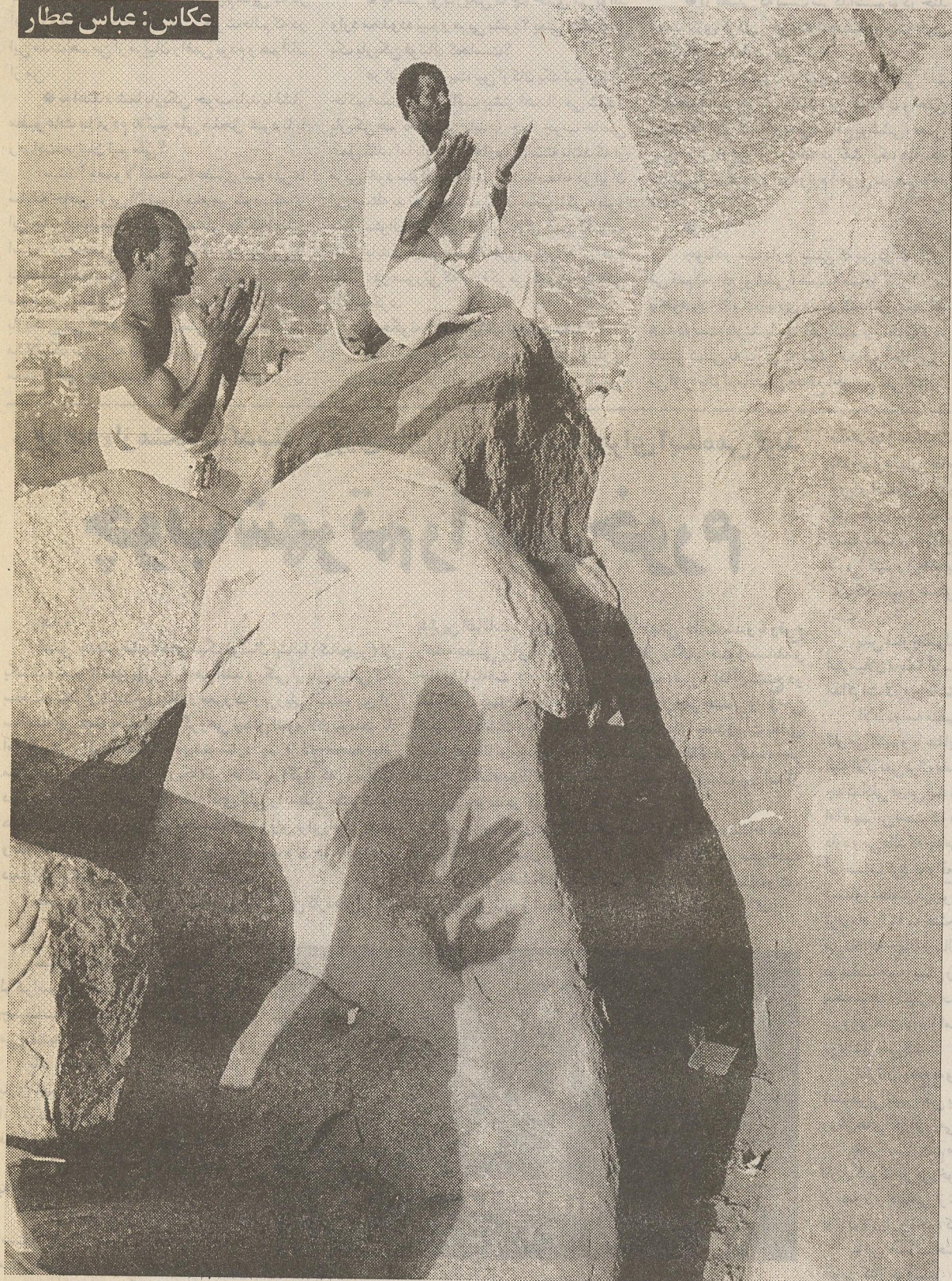
بندبازی

به‌طور کلی می‌توان گفت که رژیم مزبور خصوصاً بعد از شناسایی ۱۹۷۵ پکن از سوی واشنگتن همچون بندبازی بوده که هر لحظه خطر سقوط آن نزدیک است. چرا که: در خود جزیره طرفداران استقلال و جدایی معدودند. سیاست کلی کومین‌تانگ هم «نه استقلال - نه وحدت» است. بدین ترتیب بن بستنی که پدید آمده هم می‌تواند تا مدت نامحدودی ادامه یابد و هم تاگهان بر اثر تحول پیش‌بینی نشده‌ای، یکباره شکسته شود. خصوصاً که «جیانگ زمین» رئیس‌جمهوری چین مصمم است تا سال ۲۰۰۲ که دوره ریاست جمهوری اش منقضی می‌شود، کار وحدت را تمام کرده باشد.

تنها امید ضعیفی که به چشم می‌خورد کنفرانس آتی سازمان جهانی تجارت است که هم تایوان و هم چین به عضویت در آن مشتاقند. آمریکا این نیاز طرفین را به عنوان برگ برنده خود در نزدیک کردن نظرات آنها تلقی می‌کند. از سوی دیگر به نظر کارشناسان سیاسی تکرار عملی خسونت‌آمیز نظیر موشک باران تنگه تایوان در ۱۹۹۵ این بار اتفاق نخواهد افتاد. زیرا چین به سرمایه‌گذاری خارجی و وام بانک‌های خارجی در شرایط اقتصادی فعلی آسیا، اهمیت زیادی می‌دهد و حاضر نیست با تشدید بحران از چنان امتیازی محروم گردد.



عکاس: عباس عطار



عباس عطار در سال ۱۳۲۳ در کاشان به دنیا آمد. کار عکاسی را در سال ۱۹۶۲ با فعالیت در یک روزنامه الجزایری آغاز کرد و در سال ۱۹۸۶ در رشته ارتباطات جمعی در انگلستان فارغ التحصیل شد. در طول سال های ۶۹-۶۸ برای کمیته المپیک عکاسی کرد و بعد به عنوان عکاس آزاد با *jeune A friquely* به همکاری پرداخت. سپس تا سال ۱۹۷۳ از طرف آژانس *Sipa* به کشورهای بیافرا، بنگلادش، ایرلند شمالی و ویتنام جنوبی سفر کرد. در سال ۱۹۷۴ به آژانس گاما پیوست و همچنان به سفر و عکاسی در جهان سوم پرداخت. در سالهای ۸۰-۷۸ از وقایع آفریقای جنوبی و روزهایی انقلاب در ایران عکاسی کرد. پس از جدا شدن از آژانس گاما، در سال ۱۹۸۱، به عنوان عکاس آژانس مگنوم انتخاب شد.

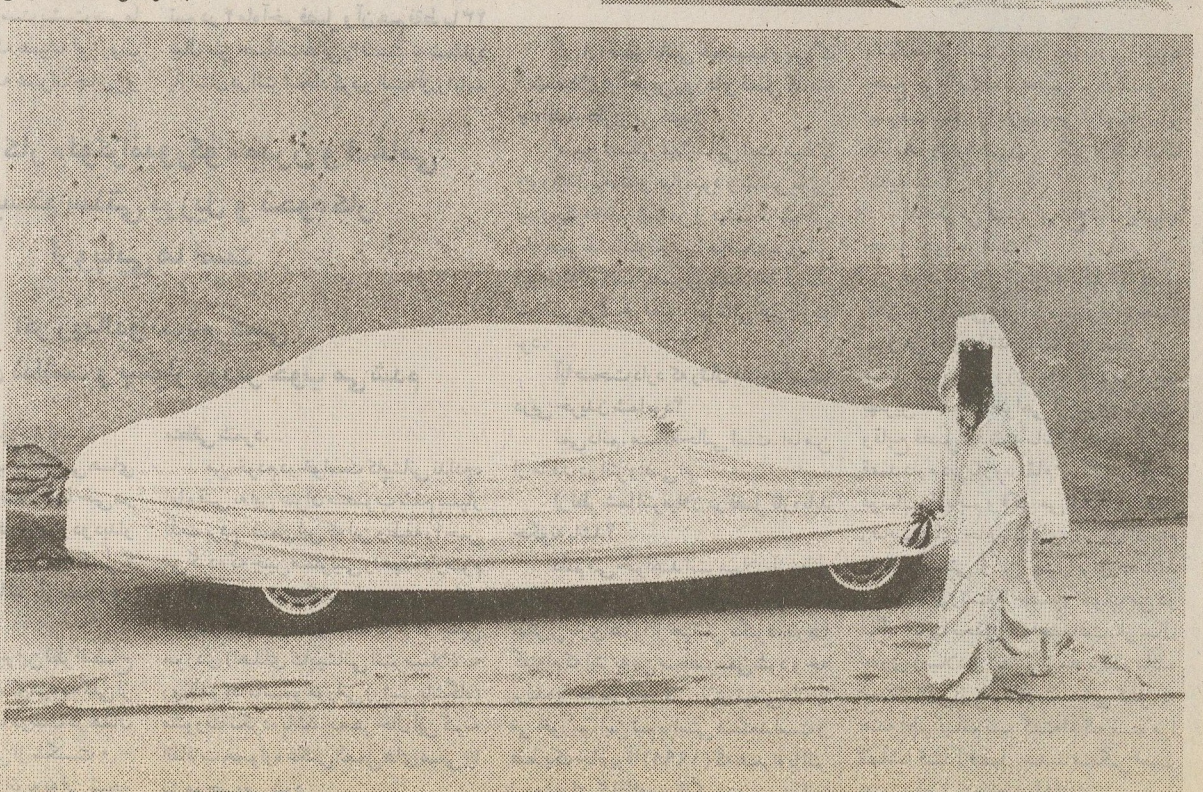
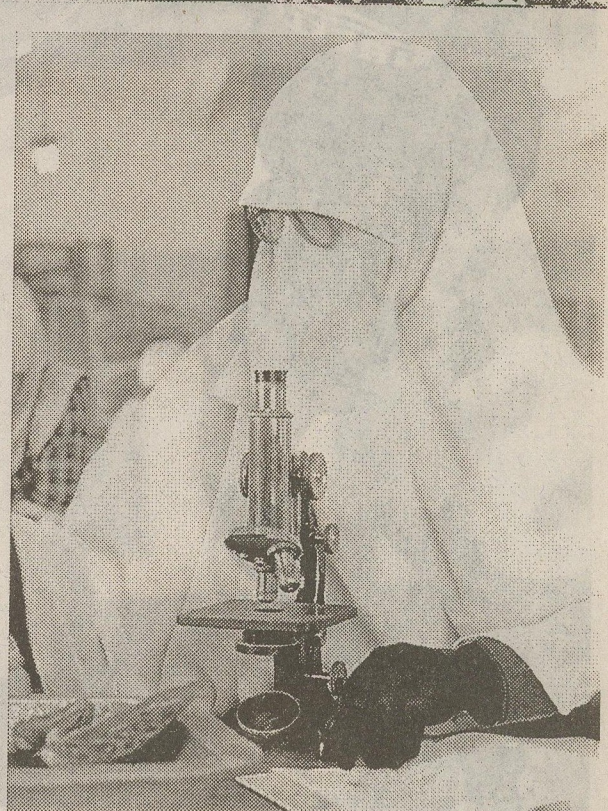
«الله اکبر» آغاز اذان و دعوت به نماز است که از مناره های دهکده ها و شهرها، از سینیکی یانگ تا مراکش، از پاریس تا تیم بوکتو، به گوش می رسد. هر کجا که باشیم کلام یکی است: «خداوند بزرگ است». این پیام، فریادی رسا در سرزمین های مؤمنین مسلمان نیز هست.

عباس عطار، عضو آژانس معروف مگنوم، برای تهیه عکس های این مجموعه، به مدت هفت سال به کشورهای مختلف جهان اسلام سفر کرد.

او در این عکس ها به عنوان یک فتوژورنالیست، از اتفاقات مهم سیاسی جهان سوم مانند جنگ و انقلاب تأثیر گرفته و در فهم و ارائه جریان های درونی جوامع اسلامی تلاشی بسزا داشته است. به نظر می رسد که بسیاری از کشورهای اسلامی در حجابی رازآمیز از مذهب و فرهنگ پوشیده شده اند اما عباس عطار، با کلمات و تصاویرش، به درون این دنیای پر رمز دست می یابد. او بی شک یکی از برجسته ترین آفرینندگان «تصویر گوینا» در جهان عکاسی به شمار می آید. تصاویری صریح و سرشار از حضور و تیزی که نگاه بیننده را مدام دچار شگفتی می کنند.

برای تمام کسانی که به عکاسی و دنیای اسلام علاقمندند، این کتاب از اهمیت خاصی برخوردار است و ما را در فهم دنیای امروزمان یاری می دهد. و به زودی کتاب جهان مسیحیت منتشر خواهد شد.

به کوشش جمشید بابیری



فرصت ها برای کاهش شکاف میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته از بین رفته است

گروه اقتصادی - فرصت های بسیاری برای کاهش شکاف میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته از دست رفته و وضعیتی پدیدار شده است که تاوادم آن این دو گروه از کشورها را به سرعت به صورت دو دنیای بیگانه با یکدیگر در خواهد آورد، مگر آن که چاره ای اندیشمندانه صورت گیرد.

به گزارش روابط عمومی وزارت بازرگانی، محمد شریعتمداری وزیر بازرگانی کشورمان و رئیس اجلاس آسیایی گروه ۷۷ که به منظور شرکت در این اجلاس در بیروت به سر می برد افزود: گزارش جهانی مربوط به توسعه انسانی سال ۱۹۹۹ بسیار هشداردهنده است و سیمایی را که از جهان در آستانه سال ۲۰۰۰ به نمایش گذاشته است، از گسترش شکاف درآمدها میان پنج درصد ثروتمندترین و پنج درصد فقیرترین ساکنان جهان حکایت دارد. نسبت این دو عامل که در سال ۱۹۹۹ به صورت ۷۲ در برابر یک است، ۱۰ سال قبل به صورت ۶۰ به یک و ۴۰ سال پیش به شکل ۳۰ به یک بوده است.

وی گفت: افزایش چشمگیر تجارت جهانی چه از بعد کالایی و چه خدماتی، انتقال گسترده سرمایه و منابع مالی، گسترش سریع تولید و مصرف و زیست و نقش محوری کارایی در تولید و خلق مزیت های رقابتی چند تأثیر از تأثیرات فراوان جهانی شدن در بعد اقتصادی به شمار می آیند.

شریعتمداری افزود: جهانی شدن، آن چنان اقتصادها را به هم مرتبط ساخته و به سمت یکپارچگی پیش رانده است که آثار هر پدیده چه مثبت و چه منفی در قلمرو یک اقتصاد محدود نمی ماند و به سرعت به سایر نقاط و دیگر اقتصادهای جهان، گاه با ضربیت نکازی تسری می یابد.

رئیس اجلاس آسیایی گروه ۷۷ گفت: آثار مثبت جهانی شدن اقتصاد زمانی تداوم و گسترش می یابد و آثار منفی آن به حداقل می رسد که برای کلیه کشورها ثمرات مناسبی به بار آورد. تضاد در تقابل بین اقتصادها را از میان بردارد و در یک فضای حسن تفاهم با در نظر گرفتن هویت و پیشینه تاریخی و فرهنگی همه ممالک و با اندیشه جهانی بهتر برای بشر، بستر مناسبی برای همکاری و مشارکت همه ملت ها بر ای نیل به توسعه پایدار متوازن فراهم آورد. وی افزود: در فرایند مشارکت در اقتصاد جهانی، کشورهای در حال توسعه عملاً نقش مؤثری ندارند. این کشورها در دور آرو گوئه امتیازات عمده ای را اعطا کردند و بازارهای خود را به روی کشورهای پیشرفته صنعتی باز کردند به این امید که در مقابل، بازارهای کشورهای توسعه یافته آزادانه و با سهولت در اختیار آنان قرار گیرد ولی واقعیت این است که منافع حاصله بسیار کمتر از سطح انتظارات قبلی این کشورها بوده، وی گفت: با توجه به جهانشمولی سازمان جهانی تجارت (W.T.O) و در جهت تحقق یکی از هدف های آن مبنی بر ارتقای تجارت آزاد در جهان، این سازمان می باید نقش محوری برای حمایت از کشورهای در حال توسعه ایفا کند، کشورهای توسعه یافته در رویکردی جدید در جستجوی آن هستند تا ترتیبات جدیدی را در چارچوب W.T.O برای آزادسازی بیشتر عملیات سرمایه گذاران و تاجار خود در کشورهای دیگر اضافه نمایند، همچنین این کشورها در تدارک تدوین قوانین در چارچوب حمایت از محیط زیست و رعایت مقررات اجتماعی هستند تا بدین وسیله تولید و تجارت کشورهای در حال توسعه را کاهش دهند.

وی افزود: بدون تردید گسترش شکاف درآمدی میان اغنیاء و فقرا به همراه سهم نامناسب و به دور از میزان شایسته تجارت در حال توسعه در عرصه همکاری جهانی و روبه رو شدن آنها با موانع و محدودیت های مختلفی که دسترسی به بازار ممالکت توسعه یافته و برای آنان مشکل و یا گران می کند، پی آمدهای مخربی در اقتصاد جهانی به بار می آورد که به طور ختم در چارچوب مرزهای کشورهای در حال توسعه محصور نخواهد ماند.

وی گفت: قرن بیست و یکم را با گفت و گوی تمدن ها و فرهنگ ها شروع خواهیم کرد و امید آن که این گفت و گوها زمینه مناسبی برای کاهش همه نابرابری ها فراهم سازد، در این راستای همکاری آکنکاد برای کمک به تحقق گفت و گوی تمدن ها می تواند در پیشبرد اهداف کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته مفید و راهگشا باشد.

وزیر بازرگانی کشورمان در پایان سخنان خود در این اجلاس گفت: ما معتقدیم آکنکاد به عنوان یک مجسم مهم جهانی در ایفای نقش خود می تواند با توانمندی های تحلیلی و فنی خود به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا بتواند مشارکت فعال و عادلانه تری را در تصمیم گیری های کلان اقتصادی جهانی داشته باشند. با این امید که کشورهای در حال توسعه نیز با اقدامات مناسب زمینه های لازم جهت استفاده مطلوب از امکانات آکنکاد را فراهم آورند.

داخلی

روز جمعه و با اجرای مانور شهری در ۷ استان کشور

بسیجیان با شاخه های گل و شیرینی به میان مردم می آیند

گروه داخلی - ۵۶ هزار بسیجی روز جمعه ۲۲ مردادماه با برگزاری مانور شهری در هشت استان کشور، میان مردم شکلات، شاخه گل و عکس های از رهبر انقلاب توزیع خواهند کرد.

فرمانده نیروی مقاومت بسیج در گفت و گو با ایرنا ضمن اعلام این

مجلس شورای اسلامی دیروز، نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس را تصویب کرد. این مصوبه واکنش های متفاوتی را در پی داشت که حاکی از بیم و آمیدهای نمایندگان نسبت به چگونگی برگزاری انتخابات و بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی در انتخابات آینده مجلس است. به همین مناسبت با حسین عسگری نماینده مردم شهریار به گفت و گو پرداخته ایم که در پی می آید.

نشاط: ارزیابی خود را از تصویب نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس بیان کنید.

عسگری: انتظار این بود که هماهنگی نسبی ایجادشده میان نمایندگان جبهه های مختلف برای اصلاح توافق قانون انتخابات جلوه عینی پیدا کند. اما متأسفانه به نظر می رسد که از این موضوع غفلت شد و تصویب نظارت استصوابی به شکل کنونی نشان دهنده آن است و این نشان می دهد که جامعه ما هنوز از پیامدهای منفی و خسارات ناشی از قانون نمند نبودن دروسه اعمال نظارت استصوابی در دوره های گذشته عبرت نگرفته است. در حالی که ما به دنبال آرمان های جهانشمول و متعالی هستیم و باید از تجربیات دیگران بهره مند شویم. چنین شکل نظارتی تلفقات جبران ناپذیری برای نظام داشته است و اعمال سلیقه های هیأت های نظارت شهرستان ها و استان ها، جایگاه و اعتبار شورای نگهبان را نیز به شدت مخدوش و

بی اعتبار کرده است. اگر خبر هدف از برگزاری این مانور را ایجاد روحیه، آمادگی و سرعت عمل، تمرین و بازآموزی نیروهای بسیجی، بررسی توانایی و ارتقای آمادگی دفاعی آنان و پذیرش مأموریت های محوله، و برگزاری امنیت پایدار، تلاش برای تقویت پویایی بسیجیان و ایجاد سرعت

عمل به فراخوانی و تجمع بسیجیان در مناطق از پیش تعیین شده عنوان سرتیپ محمد حجازی همچنین گفت: «این مانور در استان های ایلام با ۱۶ گردان، آذربایجان غربی با ۲۷ گردان، آذربایجان شرقی با ۴۵ گردان،

می تواند راه را برای برگزاری انتخاباتی با مشارکت و وسیع مردم و داوطلبان ناهموار کند، ایجاد اختلاف و منازعات سیاسی توسط یک جناح خاص با استفاده از ابزارهای اطلاع رسانی در اختیار آنهاست.

نشاط: آیا جبهه دوم خرداد اقدامات مقدماتی را برای حضور مؤثر در انتخابات مجلس ششم انجام داده است؟

عسگری: بخش عمده گروه ها و احزاب تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد به تقویت ائتلاف خود و فراهم آوردن شرایط برای بقای انسجام و اتفاق نظر خود در انتخابات آتی معتمدند. بنابراین هر گونه اقدام و تصمیم، خارج از برنامه های مورد توافق و برای پیشگیری از بروز چنین حالت استثنایی تلاش خواهند کرد. اما هنوز

مقدمات کار به صورت کامل فراهم نشده است. اما افراد تصمیم گیرنده و هسته مرکزی جبهه دوم خرداد در حال بررسی موضوع هستند.

گروه های عضو جبهه دوم خرداد با جناح رقیب وجود دارد؟ عسگری: در حال حاضر فکر نمی کنم چنین احتمالی وجود داشته باشد. یعنی حداقل الان چنین زمینه ای وجود ندارد. اگر هم به اشتغال بسیار کم چنین موضوعی مطرح شود، حداکثر در حد داشتن چند کاندیدای مشترک است و مسلماً هیچ یک از گروه های تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد از آن ویرگردان نخواهند شد.

در چهارماهه امسال

افزایش نرخ واریزنامه ارزش صادرات فرش را ۴۲ درصد افزایش داد

گروه اقتصادی - در چهارماهه سال جاری ۵ هزار و ۷۴۹ تن فرش به ارزش ۱۶۹ میلیون دلار از گمرکات کشور صادر شد که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، از نظر وزن ۳۵ درصد و از نظر ارزش ۴۲ درصد افزایش داشته است. ره گزارش خبرنگار ما، محبتی خسرو تاج معاون وزیر بازرگانی و رئیس کل مرکز توسعه صادرات ایران دیروز در جمع خبرنگاران گفت: بالا رفتن نرخ واریزنامه ای صادراتی که منجر به افزایش توان مالی شرکت های صادرکننده و قدرت رقابت آنها با رقیبان شد، از جمله عوامل رونق گرفتن صادرات فرش در این چهارماهه است.

وی در باره برگزاری هشتمین نمایشگاه بزرگ فرش دستباف ایران در هفته اول شهریورماه امسال گفت: نمایشگاه فرش امسال با هدف توسعه تجارت جهانی و با حضور حدود ۴۰۰ شرکت، اتحادیه، سازمان و مراکز هنری در ۲۵ هزار مترمربع فضای مفید در نمایشگاه بین المللی ایران برگزار خواهد شد.

خسرو تاج درخصوص

به پیش بینی انستیتوی اقتصاد آلمان قیمت نفت به بشکه ای ۲۲ دلار می رسد

گروه اقتصادی - به پیش بینی انستیتوی اقتصاد آلمان در برلین، قیمت نفت خام کشورهای عضو اوپک در زمستان امسال افزایش خواهد یافت و به بشکه ای بیش از ۲۲ دلار که هدف اوپک است خواهد رسید.

انستیتوی اقتصاد آلمان در گزارش تازه خود نوشت: این که اوپک بتواند در میان مدت، قیمت نفت خام را به سطحی که برای

دسترسی بدان تلاش می کند، برساند و آن را تثبیت کند، به روند مصرف نفت خام بستگی دارد.

به نوشته ای انستیتو، چنانچه روند مصرف نفت خام برخلاف انتظار اوپک افزایش نیابد، پایبندی اوپک به میزان استخراج آیزش تعیین شده به خطر خواهد افتاد.

انستیتو اقتصاد آلمان با ادامه می نویسد، با توجه به این که انتظار می رود اقتصاد جهانی توسعه یابد،

گروه اقتصادی - باوجود برخورداری ایران از جاذبه های ممتاز جهانگردی در جهان، صنعت توریسم فقط نیم میلیارد دلار در سال درآمد دارد.

محمد معزالدین رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی در گفت وگو با ایرنا گفت: توان بالقوه ایران برای کسب درآمد از صنعت جهانگردی سالانه ۵۰ میلیارد دلار است. وی افزود: نبود مسائل زیربنایی مربوط به اسکان و جابه جایی جهانگردان و موانع خارجی از جمله تبلیغات منفی و وسیع علیه جمهوری اسلامی در کشورهای خارجی از عمده ترین مشکلات و موانع رشد این صنعت است.

وی گفت: جهانگرد به جایی که از امنیت لازم برخوردار

اسناد دخالت ترکیه در امور داخلی ایران

ارائه شد

گروه داخلی - غلامحسین بلندیان معاون امنیتی وزیر کشور که در ششمین اجلاس عالی امنیتی ایران و ترکیه شرکت کرده است، سندی به ژنرال های ترک ارائه کرده است که نشان می دهد رسانه های ترکیه تصویر ساختگی هتلی در اربیل عراق را به عنوان محل ساختمان اردوگاه حزب «پ.ک.ک» در تهران معرفی کرده اند.

گزارش ایرنا حاکی است: مقامات ترکیه به محض مشاهده این سند متوجه شدند برخی رسانه های این کشور چگونه در تخریب روابط دو کشور و تشویش افغان عمومی و در جهت خواست دشمنان دو کشور عمل می کنند.

براساس این گزارش بلندیان در اجلاس یادشده درباره حضور اعضای گروه رجوعی در ترکیه و استفاده آنان از خاک این کشور، برای انجام عملیات تروریستی در ایران استادی به هیأت ترکیه ارائه کرد و از مقامات ترک خواست نسبت به این مسئله حساس باشند.

بلندیان همچنین در این نشست موضوع تجاوز اخیر ترکیه به ایران را مطرح کرد و طرف ترک پذیرفت از این به بعد شیوه های لازم را برای پیشگیری از تکرار حوادث مشابه در آینده به کار بگیرد.

بلندیان تعیین وظایف فرماندهان ارشد مرزی، برقراری خط مستقیم تلفن بین آنان و انجام عملیات مشترک مرزی در صورت نیاز را از دیگر موضوعات مطرح شده در اجلاس عالی امنیتی دو کشور ذکر کرد.



قیمت های پایه انواع فرش دستباف خواهند بود. به گفته وی، انجام کلیه امور بانکی، ارزی و پیمان سازی توسط شعبه بانک توسعه صادرات، انجام کلیه امور مربوط به بیمه محصولات صادراتی، صدور

انواع ضمانت نامه برای فرش های صادراتی، انجام کلیه امور مسافرتی صادرکنندگان و خریداران و انجام کلیه امور حمل و نقل بار از طریق هوایی، دریایی و زمینی تا تخفیف ویژه از جمله خدماتی است که در هشتمین نمایشگاه فرش ایران ارائه خواهد شد. وی با اشاره به این که صادرات فرش ایران سال گذشته ۵۶۶ میلیون دلار بوده و پیش بینی می شود تا پایان امسال به ۶۰۰ میلیون دلار برسد گفت: بازاریابی، ارائه قیمت مناسب و قابل رقابت با رقیبان و همچنین بالا بردن کیفیت فرش از جمله عواملی است که می تواند صادرات فرش را بهبود ببخشد.

رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی

جهانگرد به جایی که امنیت نداشته باشد نمی رود

نیابد، نمی رود و باید تلاش کنیم تا در یک حرکت مداوم و پیوسته به پیش برویم و از مقطعی شدن کارها بپرهیزیم.

معزالدین گفت: براساس آمار سازمان جهانی جهانگردی، ایران در سال ۹۸ میلادی پذیرای یک میلیون مسافر خارجی بوده است.

وی با اعلام این که رشد صنعت جهانگردی در ایران در دو سال اخیر شاهد ۳۲ درصد رشد سالانه بوده است، گفت: این رقم نسبت به دو سال قبل از آن دو برابر شده است.

معزالدین هدف سازمان ایرانگردی را در برنامه سوم، جذب درآمد سالانه چهار میلیارد دلار ذکر کرد و آن را یک هدف قابل دسترسی خواند.

برای افزایش درآمد و اشتغال برنجکاران

انجام پروژه های به ارزش بیش از ۴۳ هزار دلار توسط فائو تصویب شد

گروه اقتصادی - انجام پروژه ای به ارزش ۴۳ هزار و ۵۰۰ دلار با عنوان افزایش درآمد و اشتغال کشاورزان برنجکار در استان گیلان توسط فائو تصویب شد.

به گزارش روابط عمومی وزارت کشاورزی، در راستای کمک های اضطراری به کشاورزان آسیب دیده از خشکسالی، دبیرکل سازمان خواروپا کشاورزی ملل متحد «فائو» با اجرای یک پروژه همکاری فوری برای برنجکاران خشکسالی زده در استان های گیلان و زنجان در قالب برنامه همکاری فنی موافقت کرده است.

برپایه این گزارش، سازمان خواروپا کشاورزی یک پروژه در قالب طرح همکاری فنی بین کشورهای در حال توسعه تحت عنوان «بهبود آبیاری قطره ای در باغات پسته با استفاده از آب های شور» به مبلغ ۲۴ هزار و ۵۰۰ دلار را تصویب کرد و برای این پروژه از اواخر مردادماه امسال در شهرستان رفسنجان اجرا خواهد شد.

یک سکه نیم بهار آزادی ۵۷۴۰۰۰

یک سکه نیم بهار آزادی ۳۱۷۰۰۰

یک سکه ربع بهار آزادی ۱۶۷۰۰۰

یک گرم طلای ۱۸ عیار ۵۸۶۳۰۰

یک مقدار طلای ۱۷ عیار ۲۵۴۰۰۰

به گزارش خبرنگار ما دیروز هر دلار آمریکا

در بازار غیررسمی برابر ۹۱۱۰ ریال معامله شد.

یادداشت اقتصادی

بانک مرکزی مستقل پیش نیاز حضور بانک های خصوصی

محمد وطنپور «ضرورت ایجاد بانک های خصوصی در کنار سیستم دولتی» عنوان یادداشتی بود که به قلم استاد جمشید پژویان که در نشاط روز سه شنبه ۱۳۷۸/۵/۱۹ درج شد، که در این یادداشت مختصراً بر ضرورت حضور بانک های خصوصی در اقتصاد کشور تأکید شده بود. طرح مسائل و ضرورت ها در بحث های اقتصادی مهم است زیرا برای شکافتن صورت مسئله و روشن کردن جواب ها و یافتن راه حل ها است، مشکل پیش روی را باید به درستی دسته بندی کنیم.

نتایج حاصل از یادداشت مذکور را می توان به طور خلاصه آورد: ۱- به دلیل فعالیت های بخش خصوصی در کشور و پاسخ هایی که از سیستم بانکی به صورت سریع و روزمره می خواهد، بانک های دولتی امکان پاسخ گویی مناسب را برای رفع این نیازها ندارند.

۲- سیستم بانکداری دولتی به دلیل متمرکز بودن کار نیست. ۳- سیستم موجود انگیزه لازم را برای پس اندازکنندگان در جامعه ایجاد نمی کند. فقدان پس انداز، فقدان سرمایه گذاری به وجود می آورد و فقدان سرمایه گذاری شبکه تولید را مختل می کند و این حلقه هر لحظه تشدید می شود اما در عملی شدن حضور بانک های خصوصی معضلاتی وجود دارد که با مطرح کردن آنها می توان ضرورت ایجاد این مؤسسات را واقعی تر دنبال کرد و زمینه مساعد را برای ایجاد آنها فراهم کرد.

۱- مستقل نبودن بانک مرکزی در ایران: بانک مرکزی ایران از تاریخ تأسیس تا به امروز به عنوان ابزاری در اختیار دولت ها و قدرت های اقتصادی (سیاسی) بوده اند. از جمله می توان به تأمین کسری بودجه دولت ها، جبران کمبود نقدینگی و... و حتی کمک شرکت های دولتی (به ظاهر خصوصی) را نام برد و گاه این مساعدت های (فوق برنامه) از دایره دولت نیز خارج می شده است و هر گروه سیاسی یا اجتماعی که به قدرت نزدیک می شده و یا قدرت سیاسی را در اختیار می گرفته است (با ایجاد شبکه های زیر زمینی اقتصادی) نیازهای خود را از طریق بانک مرکزی (طی دوران تأسیس) برآورده کرده اند. این معضل در مواقع خاص تاریخی بحران های سیاسی و تصمیم گیری را تشدید می کرده است. شاهد دیگر تاریخی این که به دلیل ناکارایی و کوتاه مدت بودن سیاست های مالی (که در اختیار دولت بوده اند) و خصلت روزمره شدن تصمیم های اقتصادی این استقلال به خطر افتاده است، بانک مرکزی در این مواقع در کشور، از مسئولیت کلان خود صرف نظر می کرده و بیشتر به یک ستاد حال بحران (کوتاه مدت) تبدیل می شده است و این موضوع در تعداد بخش نامه های صادره به وسیله بانک مرکزی نمایان است.

۲- تاریخ مصیبت بار اقتصاد ایران به واقع عرصه فعالیت قدرت های اقتصادی نبوده و نیست، بیشتر از آن که مغزهای اقتصادی در این عرصه قدرت تصمیم گیری و جهت دهی داشته باشند، اقتصاد ابزار سیاست های حاکم بوده است.

آنچه بر دوش اقتصاد کشور سنگینی می کند عقلانی نبودن تصمیم گیری های اقتصادی است، روزمره شدن بلای جان تصمیم گیری های اقتصادی بوده است و سم تصمیم گیری های سیاسی در کام مراکز اقتصادی باعث شده است که این مؤسسات با توجه به خواسته های مراکز قدرت سیاسی، رفتارهای خود را منطبق کنند و به واقع بیشتر اقتصاددانان این مرزوبوم حداکثر کننده سود مراکز قدرت از طریق قانونی و... را بر عهده گرفته اند و دلیل آن که صاحبان سرمایه قدرت های سیاسی موجود بوده اند.

۳- نبود ثبات سیاسی در جامعه ایران، مجال شکل گیری مؤسسات بزرگ مالی و پولی خارج از کنترل دولت و مستقل را نمی دهد و منجر به بی اطمینانی سرمایه گذاران در سرمایه گذاری های بلندمدت و با برنامه شده است.

نوسانات و بی ثباتی سیاسی در دوره های تاریخی به نتایجی هم چون نبود مشارکت فعال و آگاهانه مردم در تصمیم گیری ها، نداشتن مراکز تصمیم گیری موافق نظرات اکثر جامعه، نداشتن تشکل های مدنی با قدرت نفوذ بالا، استبدادزدگی تاریخی، فراگیر نبودن قانون، فقدان قابلیت بهبود قوانین بدون ایجاد تنش میان گروه های سیاسی، به رسمیت شناخته شدن مؤسسات حقوقی مستقل، مالی و پولی و... منجر شده است که در هر دوره یکی از این عوامل باعث بی ثباتی سیاسی در جامعه ایران شده اند.

حال که نهادهای مدنی در حال شکل گیری است می توان بستر لازم جهت شکل گیری این مؤسسات را نیز فراهم آورد. اما باید به یاد داشت نبود ثبات سیاسی مربوط به کار امروز و فردا نیست چرا که آنچه مطرح است این است که هیچ مسئولیت تضمین سرمایه گذاری های مستقل حتی برای یک هفته داده نمی شود چه رسد به بلندمدت.

برقراری ثبات سیاسی و حفظ آن کاری بسیار پرهزینه است و ایجادکنندگان و مسئولان این موهبت توجه داشته باشند که باید هزینه های بسیار کنند، ولی در برابر آن اختلال در کار ثبات سیاسی نیاز به زمان و هزینه زیادی ندارد.

۴- کنار هم قرار دادن بانک های خصوصی و دولتی نباید به مانند همنشینی شهروندان درجه ۱ و ۲ باشد. ترس از نابرابری در مواجهه با قوانین برای این دو همکار همیشه وجود خواهد داشت. فرض به این که قانون اساسی اصلاح شود یا بانک های خصوصی را بتوان ایجاد کرد. ولی آیا می توان غول های پولی (بانک های دولتی) را در برابر نهال های نوپای (بانک های خصوصی) در یک میدان قرار داد؟

برخورداری از ساعادت های دولت، برای بانک های دولتی که استاد پژویان به آنها عملی کاملاً نامعقول، اشاره کرده بودند و بله ستان های خانوادگی باعث می شود قبل از رقابت و مسابقه بین بانک های خصوصی و دولتی صحنه مسابقه به هم ریخته شود و مراکز دولتی به سرمایه گذاری های زیان ده به قیمت حذف رقیب، سود بلندمدت (حاصل از انحصارهای فعلی اشان) موقعیت خود را حفظ کنند.

چنین عملکردی را می توان حاصل نبود یک بانک مرکزی مستقل دانست و حتی وجود شوراهای مختلف تصمیم گیری، اگر نفع رکاز انتفاعی خصوصی را لحاظ نکنند، نمی تواند راهگشا باشد.

حال که عقلانیت اقتصادی، به عقلانیت ابزاری تبدیل شده و خصلت توصیف گری و توصیه گری را به توجیه گری تبدیل کرده است و همه موارد چهارگانه مطرح شده بالا موضوعیت دارند چگونه و چرا باید بانک های خصوصی را در کنار سیستم دولتی قرار داد. آیا اصلاح قانون اساسی کافیست؟ یا قدم اول است؟ یا اشتباه اول؟

بیش از ۴۰ میلیون دلار برای بازسازی و نوسازی صنعت نساجی اختصاص یافته است

گروه اقتصادی - وزیر صنایع اعلام کرد: بیش از ۴۰ میلیون دلار ارز مورد نیاز برای بازسازی و نوسازی صنعت نساجی اصفهان تأمین شده است. «غلام رضا شافعی» در نشستی با صاحبان صنایع اصفهان در استانداری این شهر افزود: این میزان ارز، بخشی از مجموع ۱۰۰ میلیون دلار از مصوب اسمال دولت برای صنایع است.

به گفته وی، ایجاد تسهیلات برای سرمایه گذاری، بازسازی و نوسازی صنایع پروژه نساجی، تأمین نقدینگی و استمهال دیون واحدهای صنعتی از جمله اهداف تخصیص این میزان ارز است.

شافعی تأکید کرد: این وزارتخانه در سال جاری مبلغ ۴۴ میلیارد ریال

از محل تبصره سه و با هدف بازسازی و نوسازی صنایع نساجی، به این

واحدهای صنعتی پرداخته است.

پرسپولیس در آزادی، استقلال در تبریز

درهای بسته استادیوم‌ها، دلتنگی سکو‌ها، دروازه‌های بدون گل و همه و همه فردا با آغاز لیگ ۷۸ از انتظار درخواهند آمد. درهای استادیوم‌ها باز می‌شود و سکو‌ها پر از تماشاگر، تماشاگران فهیمی که سرمایه و پشتوانه اصلی فوتبال ما هستند فردا به ورزشگاه‌ها می‌روند تا تیم مورد علاقه خود را تشویق کنند و بهار دروازه‌ها را به تماشا نشینند. هفته نخست لیگ است، هفته‌ای که دست‌های بسته چهارده تیم حاضر در لیگ آزادگان برای همگان رو می‌شود. هفته نخست لیگ است و هر چهارده تیم حاضر به فکر محکم برداشتن گام اول هستند.

قاسمپور، فولاد را به خوبی می‌شناسد

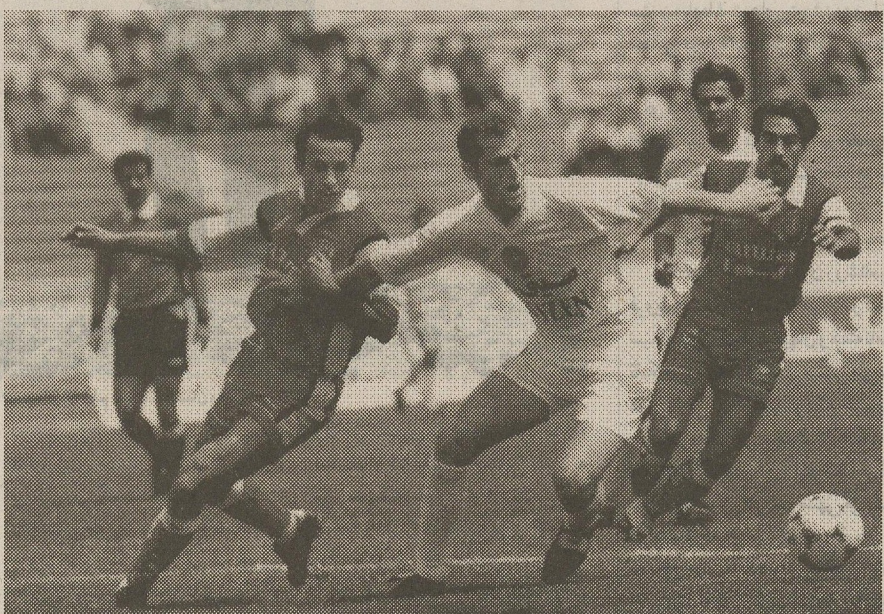
پاس زنگ آغاز رقابت‌ها را در تهران مقابل فولاد خوزستان به صدا درمی‌آورد. پاس در این فصل قاسمپور را رهبر خود می‌داند و فولاد چند هفته‌ای است هدایتش را به دست بگوینج مربی اهل کروات سپرده است. دو تیم با تغییر کادر رهبری خود خیال‌های تازه‌ای در سر دارند و برای مدعی شدن در لیگ به پیروزی مقابل یکدیگر امید دارند. موضوع فشنگ این دیدار شناخت

خوب قاسمپور مرد خوزستانی تیم پاس از فولاد است.

پرسپولیس برای بهمن خوابها دیده است

قهرمان دو جام معتبر فوتبال ایران در فصلی که گذشت بعد از بازی پاس و فولاد وظیفه‌پذیری از بهمن کرج را دارد. پرسپولیس که چندی پیش در دیداری دوستانه مقابل بهمن

متحمل شکست سنگینی شده بود برنامه ویژه‌ای برای میهمان خود تدارک دیده و برای شکست این تیم خوابها دیده تا ثابت کند آن شکست حادثه‌ای بیش نبوده است. اما بهمن هم تیم دست و پا بسته‌ای نیست. در بهمن مهره‌های جویای نام زیادی نظیر فرزند مجیدی، عامری، خان‌محمدی، راستی، معمار و... حضور دارند که



بازی مقابل نماینده فوتبال کشورمان در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا را فرصت مناسبی برای ابراز وجود می‌دانند و همین عامل سبب خواهد شد تا فوتبال محکمی را از بهمنی‌ها شاهد باشیم.

تراکتورسازی باج نمی‌دهد، حتی به استقلال

استقلال دیگر نماینده فوتبال

ایران در رقابت‌های آسیایی (جام در جام) در تبریز تراکتورسازی را پیش رو دارد. سکومورخوف مربی روسی استقلال که تاکنون نتوانسته است انتظارات طرفداران بی‌شمار تیمش را برآورده سازد در دامنه‌های سیلان کار دشواری پیش رو دارد. تراکتورسازان با رهبری حسین ضیایی، مربی‌ای که سخت به کارش مصمم هست به فکر دفاع از حیثیت و اعتبار فوتبال تبریز هستند و در حضور همشهریان خود حاضر به باج دادن به هیچ تیمی نیستند حتی استقلال.

چو تا امسال هم در ناش شکست ناپذیر می‌ماند؟

در نزدیکی‌های دریای خزر هم بازی تیم‌های شمالی دیدن دارد. چوکا نماینده فوتبال گیلان در زمین خود میزبان ایرسوئر نوسهر نماینده مازندران است. چوکا در فصل گذشته در خانه‌اش به هیچ تیمی نباخت و همگان علتش را استاندارد نبودن زمین آنها می‌دانستند. این که ایرسوئر تیم تازه‌وارد لیگ چه سرنوشتی در این زمین که گویا امسال ترمیم پیدا کرده است دارد سئوالی است که

فردا بعد از ظهر جوابش پیدا می‌شود. **فجر در خانه سه امتیاز می‌خواهد** در شهر گل و بلبل تنها نماینده شیراز در لیگ یعنی فجر سیاسی با ابومسلم مشهد بازی می‌کند. ابومسلم در سال پیش دوبار این تیم را شکست داده است و این بار هم به امید پیروزی به میدان می‌رود. اما فجری‌ها هم در خانه سه امتیاز می‌خواهند.

حجازی امتحان پس می‌دهد ناصر حجازی مربی که بعد از استقلال سر از دُوب آهن اصفهان درآورد برای بالا کشاندن ذوب آهن وعده‌های زیادی داده است. ذوب آهن فردا در خانه خود به مصاف سایپا می‌رود. سایپا حریف قدری برای اصفهانی‌ها است و می‌تواند محکم مناسبی بر ادعاهای حجازی باشد.

سپاهان به تکرار مقام خود فکر می‌کند

دیگر تیم دیار زاینده رود یعنی سپاهان به آبادان رفته است تا با صنعت نفت ستیز کند. سپاهان در سال گذشته با هلدیت مناجاتی عنوان بهترین تیم شهرستانی را گرفت و حالا با حمید ندیمیان نیز به تکرار مقام بارزش خود فکر می‌کند.

«آرسنال» دوباره مدعی قهرمانی شد



کرد و سپس با ضربه خوبی مارت پوم را برای دومین بار تسلیم نمود و برتری ۲-۱ او و یارانش تا پایان تغییری نکرد. سندرلند و میدلزبرو و دیگر

بازی را موقتاً به تساوی ۱-۱ کشاند. فقط دو دقیقه بعد از شروع نیمه دوم پاس خوبی از پتی به دنیس برگ کمپ رسید و این فوراً وارد ۳۰ ساله هلندی توپ را با زیبایی کنترل

تیمهای پیروز سه شنبه شب بودند. سندرلند که فصل پیش در لیگ دسته اول انگلستان یک حاکم مطلق بود دیگر میهمان تازه لیگ برتر را ۲ بر صفر شکست داد. کوین فیلیپس مهاجم جوان و تازه ملی پوش شده سندرلند زنده هر دو گل این تیم در دقایق ۶۲ و ۸۵ بود.

اما میدلزبرو که به خانه ویمبلدون رفته بود، این خریف را در حضور ۱۱ هزار تماشاگر خودی ۳ بر ۲ مغلوب کرد. در این بازی، سرستین زیگه اولین گل را در دقیقه ۲۳ برای این تیم به ثمر رساند و همیلتون ریکارد کلمبیایی نیز دو گل برای میدلزبرو در دقایق ۲۷ و ۶۳ زد. و برتری ۲-۱ او و یارانش تا کورت و جان هارتسون ولزی در دقایق ۱۷ و ۸۶ نوشته شد.

برگشتی؟

- راستش با امیدهای به پرسپولیس رفتن که متأسفانه ناامید کردند. انتظام بیشتر از اینها بود در هر حال من نمی‌خواستم که بازیکن تحمیلی باشم.
- در مورد تیم پاس در فصل جدید چه نظری داری؟
- فکر می‌کنم تیم خوبی است و با آمدن آقای قاسمپور و بازیکنان جدید جزء سه تیم بالای جدول باشیم. خودم هم می‌خواهم به مربیان پرسپولیس ثابت کنم که در مورد من مرتکب اشتباه شدند.

آیا به تیم ملی فکر می‌کنی؟

- همیشه به تیم ملی فکر می‌کنم. در آخر لیگ ۷۷ به تیم ملی دعوت شدم ولی به دلیل آسیب دیدگی حذف شدم و الان هم تمامی سعی‌ام را به کار خواهم برد که نظر مساعد مربیان تیم ملی را جلب کنم.

فرگوسون: من عاشق «ریوالدو» هستم!



آلکس فرگوسون مربی اسکاتلندی تیم فوتبال منچستر یونایتد دیروز گفت بسیار مایل است که بازیکنی مثل ریوالدو برزیلی را در تیمش داشته باشد، اما افزود که تا به حال هیچ تماسی با وی نگرفته و هیچ کاری را در این زمینه انجام نداده است. فرگوسون ۵۸ ساله در مصاحبه‌ای رادیویی گفت: «بی‌شک ریوالدو از بهترین بازیکنان دنیا است و من عاشق سبک بازی او هستم. اما قیمت و حقوق زیاد او یک عامل بازدارنده برای ما است. و اصلاً بارسلون هم میلی به فروش او ندارد. من بسیار مایلم او را برای

برای پوشیدن لباس وزن ۹۷ کیلوگرم تیم ملی جدیدی رسماً اعلام آمادگی کرد

بالاخره پس از مدت‌ها انتظار، عباس جدیدی ملی پوش آزادکار ۹۷ کیلویی ایران، رسماً آمادگی خود را برای انجام دیدار انتخابی با علیرضا حیدری اعلام کرد. پرویز سیروس پور رئیس فدراسیون کشتی با بیان این مطلب گفت: این مسابقه بدون ارفاق وزن برگزار خواهد شد. سیروس پور درباره هرگونه اعلام آمادگی جدیدی برای حضور در وزن ۱۳۰ کیلوگرم اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: اگر جدیدی تصمیم گرفته باشد در یک وزن بالاتر کشتی بگیرد، کاری ارزشمند انجام داده است. ما هیچ دخالتی در تصمیم‌گیری او نخواهیم داشت.

روی خط فوتبال ایران

نامداری سر از پرسپولیس درمی‌آورد؟



پرسپولیس در ازای فروش نادر محمدخانی مدافع باتجربه خود به فجر سیاسی شیراز یک بازیکن جوان درخواست کرده است. گفته می‌شود که عابدینی از سردار محمدی مسئول باشگاه فجر شیراز، اشکان نامداری را که چندی پیش یکی از باشگاه‌های رومانی خواستار به خدمت گرفتن او شده بود، طلب کرده‌اند، اما هنوز توافق نهایی بر سر انتقال بازیکنان نامبرده صورت نگرفته است.

اکبر یوسفی با الاهلی به مجارستان رفت

اکبر یوسفی هافبک سابق تیم‌های پاس و بهمن که قصد پیوستن به یکی از تیم‌های استقلال و پرسپولیس را داشت بعد از عدم موفقیت در این کار با تیم الاهلی فوجیره کشور امارات به توافق رسید. خبرهایی که از امارات می‌رسد حکایت از آن دارد که سرمربی تونس تیم الاهلی بعد از دیدن فیلم بازی‌های یوسفی خواهان حضور او در تمرینات تیم خود شده است. مسئولان تیم الاهلی که یکی از تیم‌های حاضر در دسته دوم امارات است، قصد دارند اکبر یوسفی را در اردوی سه هفته‌ای خود در مجارستان تست کنند. و در صورت تأیید یوسفی تیم الاهلی فوجیره امسال هم صاحب یک بازیکن ایرانی خواهد شد.

استقلال با پرسپولیس همکاری می‌کند

در اینکه پرسپولیس و استقلال در زمین مسابقه دو رقیب سرسخت و بی‌گذشت هستند شک نباید کرد، اما اعضای این دو تیم در بیرون از زمین دوستان بسیار خوبی برای همدیگر هستند.

استقلال‌ها تصمیم گرفته‌اند که پرسپولیس را در راه کسب مقام قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا کمک کنند. به همین دلیل مسئولان تیم استقلال که موفق شده بودند فیلم بازی اولین حریف تیم پیروزی در مسابقات جام باشگاه‌های آسیا را به دست آورند، قصد دارند این فیلم را که مسابقه تیم الانصار لبنان با یکی از تیم‌های دیگر این کشور است را در اختیار کفرتی تیم پرسپولیس قرار داده تا بدین وسیله اولین قدم در راه همکاری مشترک را برداشته باشند.

گفتنی است که استقلال‌ها از طریق سفارت لبنان در تهران فیلم بازی حریف خود در مسابقات جام در جام آسیا را نیز به دست آورده‌اند. هامت من لبنان اولین حریف استقلال در مسابقات جام‌داران باشگاه‌های آسیاست.

محمدخانی قیمت گذاشت

جلسه دوم مسئولان باشگاه فجر سیاسی شیراز با مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در خصوص وضعیت نادر محمدخانی شب گذشته در دفتر باشگاه پرسپولیس تشکیل شد.

محمود یآوری با اعلام این مطلب گفت: وقتی که عابدینی رسماً اعلام کرد که به محمدخانی نیاز ندارند و میلی هم برای فروش این بازیکن نمی‌بینم می‌کنند و از طرف دیگر شکوائیه‌ای علیه فجر سیاسی به فدراسیون تسلیم می‌کنند نتیجه‌ای جز خراب کردن خود ندارد. یآوری اضافه کرد: ما هم نکران نشسته و از حق و حقوق خودمان دفاع می‌کنیم.

فرد ملکیان محروم شد

فرد ملکیان مهاجم ارمنی تیم استقلال که به حضور سکومورخوف در این تیم تبدیل به جانشین مناسبی برای علی موسوی شده بود، از سه بازی ابتدای فصل فوتبال محروم شد. فرد ملکیان به دلیل ناراحتی کشاله زان حاقلس سه هفته از تمرین و فوتبال دور خواهد ماند. گفتنی است تیم استقلال صبح امروز با ۱۸ بازیکن به تبریز خواهد رفت. در میان اعضای تیم استقلال به جز فرد ملکیان نام نعمتی‌نژاد، استواری، ارسطو محمدی و مسعود قاسمی نیز دیده نمی‌شود.

مدیر روستا به امیدهای ایران رفت

علی اصغر مدیر روستا مهاجم سابق تیم‌های بهمن و الاهلی فوجیره که سه شنبه شب در محل باشگاه استقلال با مسئولان این تیم به توافق رسیده بود، صبح دیروز به امارات رفت مدیر روستا سعی دارد در این سفر رضایتنامه خود را از تیم الاهلی فوجیره امارات دریافت و آن را به باشگاه استقلال و فدراسیون فوتبال ارائه دهد. گفتنی است که مدیر روستا در صورت انجام گرفتن کارهایش بعد از ظهر امروز به تهران بازمی‌گردد.

چهار صعودکننده فوتبال امیدهای ایران

تیم‌های تهران، زنجان، صابران و یزد به مرحله دو رقابت‌های فوتبال امیدهای مناطق ایران راه یافتند. تیم تهران با کسب ۱۲ امتیاز به همراه زنجان که ۷ امتیاز کسب کرد از منطقه یک صعود کردند. تیم صابران هم به دلیل تفاضل گل بهتر نیز با وجود شکست در برابر یزدتایر به عنوان تیم اول منطقه شش انتخاب شده و به همراه یزدتایر به دور بعد صعود کرد. رقابت‌های منطقه چهار در قانمشهر هم امروز به انجام دو دیدار خراسان در برابر گلستان و مازندران با توابع تهران به پایان می‌رسد.

نادر محمدخانی در کمیته انضباطی

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال هفته آینده درباره نادر محمدخانی مدافع ملی پوش تیم پرسپولیس تصمیم‌گیری می‌کند. براساس شکایت مسئولان پرسپولیس محمدخانی بدون اجازه این باشگاه در تمرینات تیم فجرسیاسی شرکت کرده است. به این خاطر کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال روز دوشنبه ۲۸ شهریور را برای رسیدگی به این مسئله اختصاص داده است. **علی یارسا: صنعت نفت در شرایط ایده‌آلی قرار دارد** سرپرست تیم فوتبال صنعت نفت آبادان گفت: بازیکنان این تیم در شرایط ایده‌آلی به سر می‌برند و تمرینات برای حضوری بر قدرت در مسابقه‌های جام آزادگان به صورت مستمر پیگیری می‌شود. «علی یارسا» گفت: بازیکنان تیم صنعت نفت مصمم‌اند با ارائه فوتبالی روان و زیبا مردم فوتبال دوست آبادان را راضی کنند. ضمناً آمادگی بدنی بازیکنان نیز به حد مطلوبی رسیده است.

بازی ایران و مصر برگزار نمی‌شود

تیم ملی فوتبال مصر قهرمان آفریقا از دیدار با تیم ملی فوتبال ایران قهرمان آسیا انصراف داد. این دیدار قرار بود، آبان‌ماه در تهران برگزار شود، اما مصری‌ها مشکلات داخلی را بهانه کرده و از این رویارویی اجتناب ورزیده‌اند.

ناصر محمدخانی: ما آماده‌ایم، ۱۰۰ درصد



تیم پرسپولیس برای بازی روز جمعه آماده و سرحال است. ناصر محمدخانی یکی از مربیان این تیم در این باره گفت: ما هیچ مشکلی نداریم و برای بازی در مقابل بهمن صد در صد آماده‌ایم و سعی می‌کنیم که مثل همیشه پیروز از میدان خارج شویم تا با برداشتن گام اول، یک بار دیگر قهرمانی مان در لیگ را جشن بگیریم. محمدخانی درباره باخت مقابل بهمن و تأثیر آن بر روحیه بازیکنان گفت: آن دیدار تنها یک بازی تدارکاتی بود و هیچ خللی در کار ما ایجاد نخواهد کرد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز هنرهای نمایشی

نویسنده و کارگردان: داود میرباقری

دندان‌دوان طلا

سالن اصلی تأثر شهر

امروز، همیشه



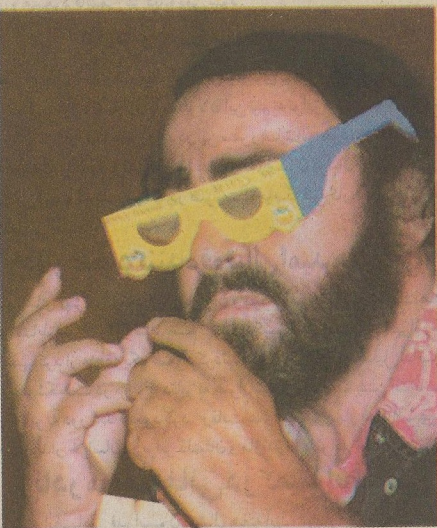
نام سسیل دومیل با «ده فرمان» توأم است که در ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان با استقبال تمامی اقشار مردم مواجه شد. اما دومیل در محافل سینمایی بیش از آنکه به عنوان خالق نسخه سینمایی «ده فرمان» شناخته شده باشد یکی از بنیانگذاران صنعت سینما به شمار می رود که بر رشد این فن تأثیر فراوان داشت و گردونه نوآوری و بدعت گذاری اش هیچگاه از چرخش باز نایستاد. او از معدود فیلمسازانی بود که حتی با گذر از دوران سینمای صامت به سینمای ناطق نیز همچنان در اوج ماند و چشمه خلاقیتش به جوشش خود ادامه داد.

سسیل دومیل در خانواده ای هنرمند به دنیا آمد. مادرش دارای یک گروه نمایش بود و بدین ترتیب بود که پای او نیز از دوران کودکی به صحنه تئاتر باز شد. پدرش نیز نمایشنامه می نوشت و او بود که با معرفی سسیل و برادرش ویلیام به دیوید بلاسکو نمایشنامه نویسی معروف آن دوران جرعه جرعه نوشتن را در وجود هردو آنها زد. سسیل بعدها به عالم سینما رفت اما برادرش ویلیام همچنان نمایشنامه نویسی باقی ماند. آشنایی سسیل دومیل با جیس لاسکی و ساموئل گولدوین به تشکیل یک گروه نمایش انجامید. این گروه پس از چند سال فعالیت موفق در عرصه تئاتر تصمیم گرفت بخت خود را در هنر نوپای سینمانیز بیازماید و با فیلم «شهر زن سرخپوست» در سال ۱۹۱۳ فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد. این فیلم نخستین تجربه کارگردانی دومیل بود. ساموئل گولدوین که از مهاجران ثروتمند لهستانی و سرمایه گذار گروه نمایش آنها بود بعدها کمپانی فیلمسازی «مترو گلدوین میر» را بنیاد نهاد که تاکنون از غول های صنعت سینما به شمار رفته است. موفقیت این فیلم باعث شد دومیل سال بعد با فیلم «ویرجینیایی» حضور خود را در سینما تداوم بخشد.

سسیل دومیل نخستین فیلمسازی بود که مسائل مبتلابه روز جامعه را به سینما کشاند. مفاهیمی همچون مثلث عشق را او برای اولین بار در سینما مطرح کرد. او از سال ۱۹۲۵ در رده فیلمسازان مستقل درآمد و فیلمهایش را در استودیو پارامونت خودش تهیه می کرد. برخی از مشهورترین آثار سینمای تاریخی - مذهبی همچون ده فرمان، فریج بی پایان (درمورد زندگی عیسی مسیح ع)، کلثوباترا، سامسون و دلیده و همچنین وسترن های مشهوری چون «مرد صحرايي» و «راه آهن سراسری آمریکا» را سسیل دومیل کارگردانی کرده است.

دومیل با «ده فرمان» از سینما خداحافظی کرد و سه سال بعد در هالیوود درگذشت. زندگینامه او که به قلم خودش نوشته شده بود بلافاصله پس از مرگش منتشر شد.

یك عكس، يك خبر



لوحیانو پاداروتی، خواننده اپرای ایتالیایی، روز گذشته هنگام آخرین کسوف قرن، برنامه خود را در کشور رومانی و در فضای باز قصر نیکلا چائوشسکو دیکتاتور فقید رومانی اجرا کرد. به گفته محققان سازمان ناسا، بخارست یکی از بهترین شهرها برای رؤیت خورشیدگرفتگی بود. پاداروتی پیش از اجرای برنامه خود گفت که هیچ گاه خرافاتی نبوده است و به پیگیری نوسترداداموس درباره پایان جهان اعتقادی ندارد. عکس - AP

چند خط خبر

ازبکستان - فیلم سه ساعته حکیم ترمذی، کار بنیاد فرهنگی «التین میراث» از بکستان برای نمایش در سینماهای ایران آماده شد. این فیلم روز سه شنبه با حضور مقامات فرهنگی ازبکستان در سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاشکند به نمایش گذاشته شد. حکیم ترمذی از محدثین و فلاسفه بزرگ قرن سوم جهان اسلام است که در ترمذ متولد و بخش اعظم عمر خود را در نیشابور گذرانده است. معاونت سینمایی - اداره کل نظارت و اوزشیای فهرست اسامی مؤسساتی را که در زمینه ویدئورسانه (تکثیر و توزیع فیلم های ویدئویی) موفق به کسب مجوز تأسیس شده اند اعلام کرد: ۱ - مرکز خدمات صنایع فیلم امروز به مدیریت آقای امیر بدیع، ۲ - شرکت پخشیران به مدیریت آقای هارون یشایی، ۳ - مؤسسه فرهنگ تماشا به مدیریت آقای تقی علیقلی زاده، ۴ - تعاونی گلیانگ فضیلت به مدیریت آقای کریم زرگر و ۵ - شرکت کتاب و نوار زبان سرا به مدیریت خانم انسیه صفاپور. براساس اعلام اداره کل نظارت و اوزشیای، مجوز بهره برداری این مؤسسات پس از اعلام آمادگی آنها و بررسی های لازم از سوی این اداره کل صادر خواهد شد.

سندج - نمایشگاه خوشنویسی «چشم انداز» روز سه شنبه در نگارخانه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر سندج گشایش یافت. در این نمایشگاه ۱۶۴ تابلوی خوشنویسی به دو زبان کردی و فارسی برگرفته از اشعار قدما در معرض دید علاقه مندان قرار گرفته است. ۴۸ تابلوی این نمایشگاه از آثار استاد امیرخانی، عباسی، اخوین، کالیلی خوانساری، فلسفی، حیدری و استاد خاتمی است که در معرض تماشای عموم نهاده شده است.

فرهنگسرای بهمین - آخرین شب شعر فرهنگسرای بهمین در ماه مرداد با حضور مشفق کاشانی و با عنوان خاطرات من با سهراب سپهری برگزار خواهد شد. این جلسه ساعت ۱۶ روز پنج شنبه ۲۸ مردادماه برگزار می شود.

ری - ۱۲ اثر برتر از بین ۲۸۰۰ اثر هنری شرکت کننده در جشنواره هنرهای تجسمی شهرستان ری انتخاب شدند. از بین این آثار در رشته خوشنویسی علی فروزنده، در سفال گری کار مجید محمدرضایی، در طراحی اثر کلثوم داداشی، در نقاشی معصومه نظری، در نقشه فرش محمد سلیمان پیران و در پرتره سلیمان ثانی برگزیده شد. همچنین در رشته خوشنویسی طاهره حسینی، نقاشی

با نزدیک شدن به پایان جشنواره

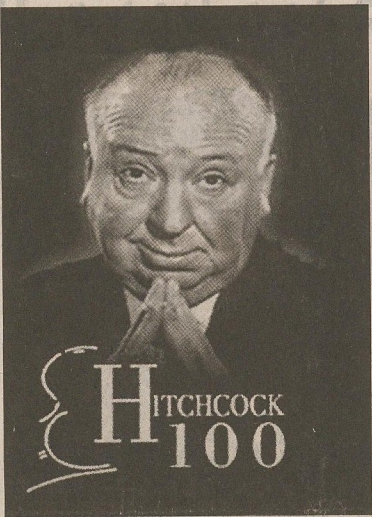
رقابت ۳۰ ساله ها در لوکارنو چشمگیر می شود

پنجاه و دومین دوره جشنواره لوکارنو تا دو روز دیگر پایان می یابد اما رقابت میان آسیایی ها و اروپایی ها برای شکار پلنگ طلایی فشرده تر می شود.

امروز در بخش مسابقه این جشنواره فیلم «نانان نو» از کشور چین و فیلم دیگری به نام «پوست انسان، قلب حیوان» از فرانسه با یکدیگر رقابت می کنند. نانان نو نون امروز بعدازظهر در بخش مسابقه چهره دیگری از چین معاصر را به نمایش می گذارد. این فیلم قصه مرد جوانی است که در جست وجوی کار به پکن می رود و در آنجا متوجه می شود که دارای تمایلات هم جنس گرایانه است.

در ونیز به نمایش درمی آید

روایت هیچکاک از قتل های زنجیره ای



جشنواره فیلم ونیز به مناسبت صدمین سالگرد تولد «آلفرد هیچکاک» یک فیلم بخش نشده از این سینماگر بر جسته را به نمایش خواهد گذاشت.

به گزارش رویتر از ونیز در این جشنواره که از اول تا یازدهم سپتامبر (۱۰ تا ۲۰ شهریور) برگزار می شود، یک فیلم ناتمام ۲۰ دقیقه ای از آلفرد هیچکاک به نام «کلایدوسکوپ» به نمایش گذاشته می شود.

این فیلم درباره یک آدمکش قتل های زنجیره ای است. این آخرین فیلم هیچکاک بود که در پی مرگ وی در سال ۱۹۸۰ ناتمام باقی ماند.

در جشنواره ونیز همچنین شماری از دیگر فیلم های هیچکاک نظیر «روانی»، پشت صحنه بعضی از فیلم های او و فیلم های گرفته شده از این کارگردان در حین کار، به نمایش گذاشته خواهد شد.

این فیلم ها هم اکنون در فرهنگستان علوم و هنر سینمای آمریکا نگهداری می شود.

جشنواره مونترال با اثری از جین آستین گشایش می یابد

بیجونی»، سه فیلم از آسیا به نامهای «پوپویا» ساخته سایوتو فوروهاتا از ژاپن، «باز یافته ها» ساخته چومون جین از کره جنوبی و «بستیجی کوهستانها» ساخته هو جیانکی از چین حضور دارند. همچنین در این بخش، بزرگان سینمای اروپا با فیلم هایی نظیر «شام» ساخته «اتوره اسکولا» که بازیگرانی همچون ویتوریو کاسمن از ایتالیا و «زرار دیاردیو» از فرانسه در آن بازی می کنند و فیلم «بلی بی دو» ساخته مجید مجیدی، «شهر نوادر» از اسپانیا ساخته ماریو کاموس، «خارج از جهان» از ایتالیا ساخته «گیوسه» به

این کارگردان زن کانادایی فیلم خود را بر اساس داستانی از جین آستین ساخته است. به گزارش فرانس پرس در بخش مسابقه این جشنواره فیلم های، «رنگ خدا» از ایران و «سپیدی» ساخته ماریو نوادر» از اسپانیا ساخته ماریو کاموس، «خارج از جهان» از ایتالیا ساخته «گیوسه» به

معصومه خدابخش، معرق چوب نادر شکوهی و مینیا تور ابو حمید اسدی انتخاب شدند. نمایشگاه هنرهای تجسمی از هفته گذشته در کتابخانه شهر سالم واقع در دولت آبادی ری برگزار شد. بروجرد - به مناسبت آخرین پدیده خورشیدگرفتگی نمایشگاه نقاشی با عنوان های «هنر، خورشید بی کسوف، خورشید بی غروب» و «دالی با خورشید خانم» عصر روز سه شنبه در «تپه چغا» سایت مرکزی رویت کسوف بروجرد، گشایش یافت. در این نمایشگاه ۵۰ تابلوی نقاشی از ده تن از هنرمندان جوان و پیشکوتان هنر نقاشی بروجرد، در معرض دید گردشگران داخلی و خارجی و میهمانان و علاقه مندان به مشاهده کسوف قرار دارد. موضوعات آثار عرضه شده در این نمایشگاه شامل طبیعت، روشنائی، زندگی و اجسام بی جان با استفاده از شیوه های رئالیسم، امپرسیونیسم و پست مدرن است. این نمایشگاه به همت انجمن هنرهای تجسمی و هیئت مدرن هنرمندان شهرداری و نگارخانه باران بروجرد برگزار شده و به مدت سه روز دایر است.

بندرانزلی - دو نمایشگاه از آثار هنرهای تجسمی به مدت یک هفته در بندرانزلی گشایش یافت. ۲۰ اثر تجسمی دانشجویان دانشگاه آزاد لاهیجان و نمایشگاه هنرهای تجسمی پرهیزکار خدیوی با ۲۰ تابلوی نقاشی از ۱۸ مرداد در معرض دید علاقه مندان گذاشته شده است. همچنین فیلم های کوتاه تولیدات داخل و خارج کشور به عنوان سینمای آینده در انزلی برای علاقه مندان به نمایش درآمده است.

سال امام - مراحل مختلف تدارکات و پیش تولید فیلم سینمایی «فرزند صبح» در حال سپری شدن است. این فیلم که تهیه اش با صدمین سالگرد تولد امام خمینی مصادف شده، روایت گر داستان زندگی امام از تولد تا نو جوانی است. مبنای اغلب اتفاقات و وقایع «فرزند صبح» حوادثی است که در سال های خردسالی حضرت امام رخ داده و در مستندات تاریخی ذکر شده است. محل های فیلمبرداری، خانه کودکی امام و بخش هایی از شهر قدیم خمین است که به طور کامل در حال بازسازی است. با پایان یافتن مراحل ساخت دکور، آماده شدن لباس ها و پایان تعلیم سوارکاری بازیگران، فیلمبرداری آغاز خواهد شد. این فیلم توسط مؤسسه فرهنگی روایت فتح تهیه می شود و نویسنده و کارگردان آن بهروز افخمی است.



صحنه ای از فیلم - پوست انسان، قلب حیوان

در چنین از طرف شرکتهای هالیوودی خریداری شد. او درباره فیلمش می گوید: فیلم من برداشت شخصی من از موضوع نمادینی چون هم جنس گرایی در چین مدرن است و به همین دلیل تفکیک نقش ها از قانون معمول جنسیت پیروی نمی کند. بازیگران فیلم همه غیر حرفه ای اند و اغلب نقش خود را بازی می کنند و به همین دلیل این فیلم به سینما - واقعیت نزدیک است.

فیلم فرانسوی «پوست آدم، قلب حیوان» نیز اثر یک فیلمساز زن فرانسوی به نام «هلن آنژل» است. او نیز یکی از مسائل مبتلابه روزمره جامعه اش یعنی کودک آزاری را به تصویر کشیده است. در این فیلم مردی پس از ۱۵ سال غیبت به آغوش خانواده بازمی گردد. او رلی ۵ ساله شاهد رسیدن اوست و دوست دارد از او استقبال کند اما خواهر بزرگتر از حضور این مرد بوی در دسر را استشمام می کند. بزرگترها این موضوع را در نمی یابند تا آنکه تراژدی فرامی رسد و گریبان دختر کوچک و همه خانواده را می گیرد.

«هلن آنژل» کارگردان این فیلم نیز ۳۲ ساله است و در کارهایش کمندی و رئالیسم اجتماعی به یک اندازه به چشم می خورد. سومین فیلم کوتاه او «زندگی پارسی» در سال ۹۵ جوایز بسیاری را نصیب او کرد. آنژل معتقد است که فیلم ساختن دست یافتن به جهان دور و بدوی کودکی است و کندوکاو در وقایعی که در کودکی برایش رخ داده اند بی آنکه در آنها نقشی داشته باشد. امشب در میدان پیاترااگرانده فیلمی از سینماگر ایتالیایی «پائولو ویرز» به نمایش درمی آید که «باچی ابیراچی» نام دارد و قصه آدمهای مأموس و مفلوكی است که در شب سال نو در خانه محقر ویلائی گردیده و هرگز دیالوگ با هم فقیرانه و غم انگیزی شریک می شوند. درمیان این جمع ماریو، صاحب رستوران افسرده ای است که در کار و ازدواج بی به نیست رسیده است. یک گروه موسیقی متشکل از ولگرد های جوان نیز در این جمع حضور دارند.

در فیلمهای «پائولو ویرز» فقر و شعر موضوعات اصلی را تشکیل می دهند. این کارگردان نیز متولد ۱۹۶۴ است و بعد از خواندن ادبیات و فلسفه به سراغ سینما آمده است. این کارگردان در سال ۱۹۹۷ جایزه بزرگ هیأت داوران جشنواره ونیز را برای فیلم دیگرش «اوسودو» به دست آورد.

«ویرز» اقرار می کند که فیلمش را در حالی از خلسه روح نوشته و کارگردانی کرده است. او به فیلمش به عنوان یک ژانر ادبی نگاه می کند. اثری که کمندی و در عین حال دراماتیک است.

فردا آخرین روز این جشنواره است و برندگان جوایز فردا شب مشخص خواهند شد. به نظر می رسد رقبای اصلی این دوره از جشنواره لوکارنو جوانانی هستند که در دهه برالتهاب ۶۰ میلادی به دنیا آمده اند و در جهان سیاه معاصر با واقع گرایی و جست وجوی بارقه های امید و شادمانی اند.

سینما کاروت

تلفن: ۰۲۷-۶۸۸۵۰۰

قرمز

تلفن: ۰۲۷-۶۸۸۵۰۰

بازیگران: هدیه تهرانی

محمدرضا فروتنی

نویسنده و کارگردان: فریدون جیرانی

۱۱۳۰

۱۱۵

۳

۴۲۵

۶۳۰

۸۳۰

یادداشت های پنجشنبه

پاسخی به اظهارات حجت الاسلام علی افصحی

نقد دمکراسی خشونت گرایی نیست

شهریار زرشناس
باتوجه به اینکه در شماره ۱۱۸ مورخ ۷ مرداد ۱۳۷۸ آن روزنامه در ذیل ستون «یادداشت های پنجشنبه» و با تیر «سینمای دینی، مفهومی دست نیافتنی» مطالبی درباره اینجانب از قول حجت الاسلام افصحی درج شده بود و با عطف به این نکته که مسئول محترم ستون سابق الذکر اعلام داشته اند: «باب این مبحث برای متقدمان و مخالفان آن باز است و منتظر اعلام نظر دیگران خواهیم بود». اجمالا مطالب کوتاهی را درخصوص آن بخش از گفته های آقای افصحی که مربوط به اینجانب بوده است تقدیم می دارم و خواهشمندم نسبت به درج آن اقدام فرمایید.

حجت الاسلام افصحی در بخشی از سخنانشان گفته اند که:

«شبه فلاسفه ای چون زرشناس و مدبیر که در واقع بسط دهندگان نظریه فروید هستند در مدت اخیر با در دست داشتن تریبون هایی چون شبکه چهارم سیما و روزنامه های کیهان و هفته نامه صبح به این نکته اشاره می کنند که هر گونه تفکری به سکولاریسم منتهی می شود و از این رو باید درها را بست، جریان دموکراسی را متوقف کرد که خشونت در جامعه نهادینه نشود.»...

درخصوص فرمایشات جناب افصحی چند نکته وجود دارد که لازم است بدان ها تأکید نمایم: او لا اینجانب هرگز در هیچ جانو شته و نیز نگفته ام که هر گونه تفکری به سکولاریسم منتهی می شود و اساساً این سخن را ادعایی غیر فلسفی می دانم و گمان نمی کنم هیچ فردی که اندک آشنایی با مقدمات فلسفه و فلسفه تاریخ و جامعه شناسی و معرفت شناسی داشته باشد این ادعا را طرح نماید و یا آن را بپذیرد. تفکر، نسبت گرفتن با حقیقت و سلوک به سوی آن و طلب حق است یقیناً راهگشا و بهجت انگیز و راهنماست و پندار خطایی است که انتهای «هر گونه تفکری» را سکولاریسم بداندیم.

سکولاریسم یا عرفی و دنیوی کردن امور و قدس زدایی از عالم از لوازم مدرنیته (به عنوان صورت نوعی یک دوره تاریخی) است و قبل از عهد مدرن به عنوان صورت غالب وجود نداشته و احتمالاً پس از سپری شدن دوران مدرنیته نیز حداقل به عنوان وجه حاکم و غالب وجود نخواهد داشت، بنابراین این ادعا «که هر گونه تفکری به سکولاریسم منتهی می شود» یقیناً از عدم آشنایی حتی با مدمات فلسفه و تاریخ تفکر بر می خیزد و به معنای انکار و تعطیلی تفکر است و اگر تفکریا سلوک طلب مند درمندان در راه حقیقت متوقف گردد یا انکار شود، حقیقت متعالی و روحانی انسان انکار می شود و هویت او مسخ می گردد و بنده هرگز و در هیچ جاجینین ادعایی نکرده ام و اگر کسی از نوشته ها یا مصاحبه های من چنین برداشتی کرده است به ایشان توصیه می کنم به مطالعه مدمات فلسفه و تاریخ تفکر و تاریخ معرفت شناسی بپردازد و البته به عقل سلیم رجوع کند.

ثانیاً جناب آقای افصحی در ادامه سخن فرموده اند «از این رو باید درها را بست، جریان دموکراسی را متوقف کرد که خشونت در جامعه نهادینه شود» لازم به ذکر است که بنده در هیچ یک از آثار خود از ضرورت بستن درها به منظور توقف جریان دموکراسی و نهادینه شدن خشونت سخنی نگفته ام و اساساً به آنچه که حجت الاسلام افصحی فرموده اند اعتقادی ندارم. من معتقدم که آزادی و تبادل افکار و فرهنگ ها با نکیه بر احیامیراث تفکری و تذکر نسبت به حقیقت امری محرک، نشاطآور و گرانبهای برای پویایی فرهنگ و حیات انسانی است. حقیقت، امری واحد است و آن هنگام که تذکر نسبت به حق وجود داشته باشد و سلوک متفکرانه تحقق یابد، آزادی تحقق عینی می یابد و در سیر به سوی حقیقت، استكمال و اكمال نفسانی برای فرد و جمع رخ می دهد و همسخنی با متفكران بویژه متفكران اصیل و بزرگ (از هر قوم و ملیتی که باشند) گامی است بلند به سوی رشد و نزدیکی تر شدن به حقیقت و هرگز دیالوگ ما بین متفكران و ورود اندیشه ها و آثار فكري دیگران را تقبیح نکرده ام و در مصاحبه ای که مدتی پیش پایکی از روزنامه هاداشتم از ضرورت تأسیس یک بنیاد ترجمه برای ترجمه و نشر آثار فلسفی و حکمی مغرب زمین و پیروان فرهنگ های دیگر به صراحت سخن گفته ام. ضمناً اینجانب هرگز تمهیدی برای نهادینه کردن خشونت (که جناب افصحی مطرح می کنند) ننديشیده ام و اساساً اعتقاد دارم در سخن ایشان ربط منطقی مابین مدمات و نتیجه وجود ندارد. بررسی مسئله خشونت، امری فلسفی است و مدعی ام در آثار خود هیچ گاه به گونه منطقی و بدون قیود و شروط نفیاً یا اثباتاً در این مقوله سخنی نگفته ام و هیچ گاه تلاش فكري یا قلمی برای نهادینه کردن خشونت نداشته ام و این ادعا را اتهامی بی اساس می دانم که در خوش بینانه ترین حالت باید آن را به حساب استنطاد ناشی از عدم آشنایی با مباحثی و مدمات دانست. و اما ثالثاً در بحث از «دموکراسی» باید روشن کرد که در کدام مقام از دموکراسی حرف می زنیم، دموکراسی در حوزه وضع قانون، یا دموکراسی در حوزه اعمال روش های اجرایی، در هر یک از این دو مقام قضاوت و تئوریک درخصوص دموکراسی ماهیتی خاص می یابد. در این مورد نیز باید تأکید کرد که دموکراسی در مقام قانونگذاری عمری به قدمت تقریبی تاریخ (با چند استثنا معلود) دارد و دموکراسی در مقام اجرا نیز حداقل در صور مدرن آن (غیر از صور باستانی آن نظیر دموکراسی آتنی و...) در اشکال مختلف و متوع ظاهر گردیده و از لوازم لا ینفك عالم مدرن است و تلاش برای متوقف کردن آن در دوره مدرن اساساً بی معناست و البته معلوم نیست که آقای افصحی از کجا به چنین ضرورتی رسیده اند و خوب است که منتأی این استبطا را نیز ذکر کنند. و البته بر اهل نظر پوشیده نیست که انتقاد در حوزه نظر بر کاستی ها و نواقص ذاتی یک امر نظیر «دموکراسی» یک چیز است و «متوقف» کردن آن امری دیگر و اگر قرار باشد که هر کس را که انتقادی بر دموکراسی یا مبانی نظری و نتایج آن داشته و دارد از متهم به خشونت گرائی کنیم آن وقت باید جمع کثیری از متفكران از «جان استوارت میل» لبرال و حتی «برتراند راسل» سوسیال دموکرات و «کارل پوپر» راسیونالیست انتقادی گرفته تا اسپینوزا و پیروان مکتب فرانکفورتی ها و مارتن هیدگر و بسیاری دیگر را «خشونت طلب» دانسته و حتی پیروان آئین جینسیم (که معتقد به اصل «آهیمسا» یعنی عدم خشونت هستند) و میشل فوکو و هابرماس را نیز به آن اضافه کنیم و آن وقت آقای افصحی بفرمایند جز ایشان که لابد بسیار دموکراتیک اند چه کسی باقی می ماند. و البته در پایان پرسشی از ایشان دارم آیا طرح ادعاهای نادرست و انتساب آن به افراد در نظر شما مصداق از دموکراسی خواهی است؟

موسسه فرهنگی و هنری چارسوق شهر برگزار میکند:

اجرای کنسرت موسیقی سنتی و کردی

توسط گروه موسیقی **سستان**

خواننده: استاد **بهروز توکلی**

زمان اجرا: ۲۰ لغایت ۲۲ مردادماه

هر شب از ساعت ۲۰ الی ۲۲

مکان اجرا: پارک جمشیدیه **خانه فرهنگ**

تلفن: ۰۳۳-۸۷۹۴۰۰

به مصرف

از تولید

شرکت سفالگان میبد

تنها تولیدکننده آجر پلاک نما و پلاک ال

با دستگاه خشک کن در ایران

۲۰

۱۱۵

۳

۴۲۵

۶۳۰

۸۳۰

دکتر فروش: یزد، بلوار جمهوری اسلامی، روبروی بانک رفاه، شماره ۲۰۶

مدیر فروش: سیفتی

تلفنکس: ۰۵۵۱۵۰۰-۵۵۲۶۷۳-۰۶۵۰۳۰۶۵-۳۵۱-۰۹۱۱